

در اجرای قانون اساسی علیه جنایتکارانی که میتینگ قانونی میدان آزادی را به خون کشیدند چه اقدامی کرده اید؟ آقای رجایی! به مردم پاسخ دهید

میلیون‌ها تن در سراسر ایران نشان دادند که خواهان آنند که دولت رجایی از این آزادی‌ها که دستاورد انقلاب خونبار مردم است، پاسداری کند و در این زمینه از خود قاطعیت، تعهد و مسئولیت نشان دهد.

شرکت‌کنندگان میتینگ آلودند، در عین حال متوجه مسئولیتی بود که دولت رجایی در این زمینه دارد. این توجه و حساسیت افکار عمومی در عین حال نشانه اصرار و اعتقاد مردم به رعایت آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی است

یورش وحشیانه به میتینگ اول ماه مه سازمان ما در میدان آزادی، اثرات اجتماعی و سیاسی وسیعی در سطح جامعه برجای گذاشت. واکنش محکوم‌کننده توده‌های میلیونی در سراسر ایران نسبت به جنایتکارانی که دست خود را به خون

گسترش رابطه اقتصادی با انحصارات امپریالیستی اروپا و ژاپن مغایر مصالح انقلاب

به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد صنعتی و کشاورزی، ایجاد و گسترش ضروری‌ترین صنایعی که برای گردش کلی اقتصاد ایران حیاتی است، تامین کالاهای صنعتی و کشاورزی مورد نیاز بازارهای ایران، ترمیم خرابی‌های بی‌حساب جنگ، از خرابی‌های وسیع صنایع گرفته تا ضایعاتی که به مسکن و ساختمان‌ها، پل‌ها و غیره وارد آمده است. جملگی نیاز شدیدتر از همیشه اقتصاد ایران را به تکنولوژی پیشرفته صنعتی که هیچکدام در داخل ایران وجود ندارد، به وضوح بیان می‌کند.

اینکه بدون تامین هرچه سریع‌تر نیازهای فوق برداختن به دشواری‌های بزرگ اقتصادی - اجتماعی ایران ممکن نیست، امری است روشن و بی‌گفتگو و اینکه جمهوری اسلامی و دولت جمهوری ناکزیر در جهت تامین نیازهای وسیع اقتصادی کشور، یعنی در جهت تامین همه نیازهای فوق از ممالکی که توان تامین آن را دارند، حرکت خواهد کرد نیز امری بدیهی است.

آنچه که در خور اهمیت حیاتی است، آن است که دولت جمهوری اسلامی برای تامین نیازهای مبرم اقتصاد ایران چه سیاستی را اتخاذ خواهد کرد؟ سیاست گسترش روابط سیاسی - اقتصادی با دولت‌های سوسیالیستی و سایر دول مدافع انقلاب و استقلال ایران یا گسترش روابط اقتصادی - سیاسی با دول امپریالیستی و متحدان آن که طبعاً...

آیت الله خمینی: فعالیت احزاب و گروه‌ها با قبول قانون اساسی آزاد است

هم آزادند و هم نشریه دارند بطور آزاد، پس بدانید که ما اینطور نیست که با احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری دشمنی داشته باشیم. در بخش دیگری از سخنان امام گفته شد: مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، بطور آزاد دارند عمل می‌کنند و بطور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند.

برای اینکه بیایند و جای حکومت اسلامی را بگیرند و خودشان حکومت کنند. امام خمینی در قسمت دیگری از سخنان خود ضمن دعوت مجاهدین به مسالمت و فعالیت در چهارچوب قانون اساسی با اشاره به معتقدین به سوسیالیسم علمی، اظهار داشتند: "... ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمی‌کنیم معذالک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و قسط صحبت‌های سیاسی دارند

امام خمینی در دیدار با علما و روحانیون استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت سخنان مهمی ایراد کردند. در این دیدار آیت‌الله خمینی ابتدا ضمن اشاره به کارشکنی‌ها و توطئه‌هایی که در اجرای دسایس و نقشه‌های کنفرانس طائف توسط محافظی از روحانیت مخالف انقلاب صورت می‌گیرد، گفتند: شما دارید کاری می‌کنید که اگر این حکومت از بین برود، اگر این جمهوری برود، بجای او امثال ازهاری خواهد آمد، آنها در خارج نشسته‌اند، در پاریس نشسته‌اند و نقشه می‌کشند

حل مشکل مسکن

یکی از خواست‌های اساسی زحمتکشان
در صفحه ۲۱

خلق ایرلند به پیکار

دلاوران خود علیه امپریالیسم

فرتوت انگلیس ادامه می‌دهد

در صفحه ۱۰

در این شماره:

در صفحه ۶

جنبش کارگری ایران

شورای کارکنان ساختمانی «بجسج آموزشی طالقانی»
توطئه تعطیل کار توسط لیبرال‌ها را افشاء کرد

کارگران مبارز ایستادند در دفاع از انقلاب
پیگیرند

در صفحه ۸

جنبش دهقانی ایران

با اجرای کامل اصلاحات ارضی انقلاب را تعمیق بخشیم

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

گسترش رابطه اقتصادی با انحصارات امپریالیستی اروپا و ...

۰۰۰ به تحکیم وابستگی و در مخاطره قرار گرفتن انقلاب و دستاوردهای آن می‌انجامد.

دولت‌ها و انحصارات بزرگ امپریالیستی هم اکنون امیدوارند که با برخورداری از این امتیاز که صنایع ایران به انحصارات امپریالیستی وابسته است، دولت جمهوری اسلامی شرایط آنها را بپذیرد و آنان را به ترمیم صنایع و گسترش آنها فراخواند. امپریالیست‌ها به‌ویژه در این زمینه با برخورداری از اهرم‌ها و امتیازاتی که وابستگی صنایع در اختیارشان می‌گذارد، از مدت‌ها پیش فشارهای معینی را بر اقتصاد ایران و بر دولت جمهوری برای ایجاد شرایطی که وابستگی اقتصادی حفظ گردد، وارد می‌سازند.

بدون تردید یکی از هدف‌هایی که امپریالیست‌ها و رژیم‌های مرتجع منطقه از تهاجم رژیم صدام علیه انقلاب ایران و خسارات وسیع صنعتی به ایران در نظر داشته‌اند، همین بوده است که شرایط مناسب اقتصادی و سیاسی را برای ادامه وابستگی اقتصاد ایران فراهم سازند. امپریالیست‌ها به‌ویژه با پدیدار گشتن چشم‌انداز خاتمه جنگ، تلاش خواهند کرد چه مستقیم و چه غیر مستقیم، یعنی از طریق دول مرتجع و وابسته منطقه در جهت تحکیم روابط اقتصادی سلطه‌آمیز خود با ایران و عقد قراردادهای اقتصادی با دولت جمهوری اسلامی به امتیازاتی دست یابند. نخستین نشانه‌های این تلاش‌ها را هم‌اکنون می‌توان چه در سطح منطقه و چه در سطح دول امپریالیستی اروپا و امپریالیسم ژاپن مشاهده کرد.

نگرانی، زمانی بیشتر می‌شود که به این واقعیت توجه کنیم که دولت جمهوری اسلامی همچنان با دیدگاه ارتجاعی "دوا بر قدرت" امپریالیسم آمریکا این بزرگترین دشمن جنایتکار خلق‌های ایران و جهان را در کنار اتحاد شوروی که دوست خلق‌های ایران و جهان و مدافع پیگیر استقلال و آزادی کشورهای زیرسلطه جهان است، می‌گذارد و بدتر از همه آنکه برخی محافل جمهوری اسلامی و برخی محافل خط‌امام گسترش روابط اقتصادی با امپریالیست‌های اروپائی و امپریالیسم ژاپن را که اجزای پیکر واحد امپریالیسم جهانی هستند، بر دولت‌های سوسیالیستی و ترقی‌خواه جهان ترجیح می‌دهند. مادام که دیدگاه "دوا بر قدرت" بر اذهان و بر سیاست‌های رهبران جمهوری اسلامی غلبه داشته باشد، مادام که جمهوری اسلامی تحت تأثیر این دیدگاه ارتجاعی، دوستان انقلاب ما را در کنار دشمنان سوگندخورده خلق‌های ایران و جهان قرار دهد، همواره این خطر وجود دارد که دولت جمهوری اسلامی برای تامین نیازهای صنایع و اقتصاد ایران به سمت دول امپریالیستی اروپائی غربی، امپریالیسم ژاپن و اقطار امپریالیسم جهانی میل کند. دیدگاهی که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را در کنار هم قرار می‌دهد، همواره دشمنان را از زیر ضرب خارج می‌سازد و همان‌گونه که تاریخ بارها نشان داده، عدم تشخیص دوست

مسئله‌ای است که نباید دست کم گرفته شود. در رابطه با امپریالیسم ژاپن، بهزاد نبوی مشاور نخست‌وزیر در امور اجرائی و سخنگوی دولت اعلام داشت که مذاکراتی درباره به راه انداختن پتروشیمی بندر امام خمینی توسط شرکت‌های ژاپنی در جریان است و مقامات ژاپنی طی دیداری که از ایران داشتند، توافق کردند که بیایند و مشغول شوند. و این در حالی است که پیشنهادات برخی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی برای به‌راه انداختن صنایع پتروشیمی ایران با استقبال جمهوری اسلامی روبرو نشده است.

مذاکراتی نیز میان ایران و ژاپن برای عقد قراردادهایی به منظور تامین نیازهای صنایع ماشین‌سازی ایران در جریان است که عقد چنین قراردادهایی به‌منزله ادامه وابستگی صنایع اتومبیل‌سازی ایران به امپریالیست‌هاست و این در حالی است که پیشنهاد یک کشور سوسیالیستی (رومانی) برای اجرای برنامه‌ای چندساله به منظور از میان بردن کامل وابستگی صنایع اتومبیل‌سازی ایران و ساختن همه قطعات و لوازم اتومبیل در ایران با واکنش مثبت مقامات جمهوری اسلامی روبرو نشده است.

نمونه‌های دیگری از مذاکره میان مقامات جمهوری اسلامی به منظور خرید وسایل و لوازم مورد نیاز اقتصاد ایران و عقد قراردادهای اقتصادی با دول اروپای غربی، با دولت کره جنوبی و غیره در دست است و در همین حال شاهد آنیم که روابط اقتصادی - سیاسی ایران با دول سوسیالیستی و دیگر دولت‌های مدافع استقلال و آزادی میهن تاکنون در یک روند معقول و مطابق با مصالح انقلاب و استقلال میهن گسترش نیافته است.

بودجه دولت نیز نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از سیاست اقتصادی دولت را باز می‌گوید. نخست وزیر صریحا گفته است که بودجه ۳۳۰ میلیارد تومانی سال ۱۳۶۰ کسری ندارد. لیکن مسئله اساسی در برخورد با بودجه دولت آن است که منابع تامین درآمدهای دولت چون گذشته به فروش نفت خام متکی است و هیچ تلاش اساسی برای کاهش سهم نفت و افزایش مالیات‌های مستقیم بر سرمایه در بودجه دولت مشاهده نمی‌شود.

قابل تاکید است که تهاجم لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری، علیه گسترش روابط اقتصادی - سیاسی با دول سوسیالیستی و سایر دول ترقی‌خواه منطقه و جهان و تلاش و تبلیغ آنها برای نزدیکی به امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی نیز باید به عنوان عاملی که دولت را از اتخاذ یک سیاست مثبت خارجی برحذر داشته و حتی برخی محافل و عناصر خط‌امام را به عقب نشینی از مواضع خود و فروافتادن در مواضع لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری برانگیخته است، به حساب آورد.

در این زمینه می‌توان سخنان جلال‌الدین فارسی را پس از بازگشت از شوروی به عنوان یک مثال زنده و برجسته ذکر کرد. فارسی پیش از سفر به شوروی، مواضع مثبتی در قبال این کشور و سایر دول سوسیالیستی اتخاذ می‌کرد و از همین‌رو سخت مورد حمله میزان، رنجبر و سایر تربیون‌های سرمایه‌داری قرار گرفت بطوریکه این روزنامه‌ها و تربیون‌ها او را کسی که خواهان به

از دشمن همواره با شکست همراه بوده است. پیگیری و قاطعیت در دیدگاه "دوا بر قدرت" هرگاه ادامه یابد، نخست به گسترش روابط اقتصادی - سیاسی با امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم آمریکا منجر می‌شود و در ادامه آن، راه ورود امپریالیسم آمریکا را نیز هموار می‌سازد. این سیاست نخست می‌تواند باین استدلال که ما برای پاسخگویی به بحران کنونی اقتصاد ایران و به راه انداختن صنایع ایران باید به چنین اقداماتی دست زنیم، آغاز شود و در ادامه خود ما را به همان جایی برد که برای نابودی آن انقلاب کرده‌ایم. در واقع امروز تعمیق انقلاب از کانال قطع پیوند اقتصاد ایران با انحصارات امپریالیستی و گسترش روابط با دولت‌های سوسیالیستی و دیگر دول ضد امپریالیست جهان که ما را در کسب استقلال اقتصادی و ایجاد صنایع مورد نیاز ایران یاری می‌دهند، می‌گذرد. ... هم‌اینک مثال‌های متعددی در دست است که نشان می‌دهد دولت جمهوری اسلامی که بر دیدگاه مبارزه با "دوا بر قدرت" پای می‌فشارد به برخی قراردادهای و اقداماتی تن داده، یا تمایل نشان می‌دهد که مغایر تلاش در راه استقلال اقتصادی ایران است. می‌توان برخی از این قراردادهای و اقدامات را ذکر کرد:

دولت قراردادی یک میلیارد لیره‌ای با شرکت تالبوت انگلستان به منظور تامین وسایل و لوازم مورد نیاز ایران ناسیونال بسته است. نه رجائی، نه وزیر مشاور (بهزاد نبوی) و نه وزیر صنایع هیچکدام صریحا درباره این قرارداد کلمه خبرگزاری‌های امپریالیستی با خوشحالی خبر آن را منتشر کرده‌اند، سخن نگفته‌اند. چه کسانی مذاکره درباره این قرارداد را انجام داده‌اند؟ چه کسانی در عقد این قرارداد شرکت داشته‌اند؟

چرا بجای تلاش در جهت عقد قرارداد با دول سوسیالیستی که قطعا حاضرند در جهت نابودی وابستگی صنایع اتومبیل‌سازی با ما همکاری کنند، دولت به سراغ عقد قرارداد با انحصارات امپریالیستی که موجب ادامه وابستگی است، رفته است؟ اینها سئوالاتی است که مردم دارند اما دولت تاکنون بدانها پاسخ نداده است.

سفر وزیر بازرگانی رژیم نظامی و دست‌نشانده ترکیه به ایران که به منظور گسترش روابط اقتصادی ترکیه و ایران صورت گرفت، مذاکره بر سر عقد قراردادهای خرید تراکتور و کامیون‌های فیات که انحصارات ایتالیائی و سرمایه‌داری وابسته ترکیه در این کشور مونتاژ می‌کنند و نیز مذاکره بر سر عقد قراردادهای اقتصادی دیگر با این کشور نیز نمونه‌ای از تلاش‌های ارتجاع منطقه است برای گسترش روابط اقتصادی با ایران بر بستر دیدگاه "دوا بر قدرت" غالب بر جمهوری اسلامی.

مذاکره دولت جمهوری اسلامی برای عقد قرارداد با انحصارات امپریالیستی آلمان غربی از جمله گسترش روابط با کمپانی کروپ نیز

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا

با انقلاب بیا علیه انقلاب

و سرمایه‌داران لیبرال تحت پوشش و پرده انجام می‌گرفت و استتار شده بود. ولی اخیراً پس از تعطیلی این دکه جاسوسی، "رنجبری"ها تاب تحمل نیاوردند و حرف دلشان را زدند در شماره ۱۱۷ این نشریه در مقاله‌ای تحت عنوان "دولتی کردن تجارت خارجی گام مهمی در جهت تحکیم قدرت مستبدین حاکم است" ضمن مخالفت صریح با طرح ملی کردن تجارت خارجی آمده است:

"طرح مستبدین حاکم را مبنی بر جایگزینی سیستم بازرگانی خارجی کنونی، به وسیله سیستم تجارت خارجی تحت حاکمیت دولت مکتببون ضدخلق، به عنوان توطئه‌های بزرگ برای غارت و چپاول خلق و سرکوب انقلاب افشاء نمائید"

از این روشن‌تر و صریح‌تر نمی‌توان در جهت منافع تجار بزرگ و سرمایه‌داران غارتگر سخن گفت و از این واضح‌تر نمی‌شود به دفاع از سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدینش برخاست

فئودال‌های مزدور افغان

در رادیو و تلویزیون سیستان و بلوچستان؟!

"کلبدین حکمت‌یار"، فئودال مزدور افغان رهبر حزب به اصطلاح اسلامی افغانستان، معرف حضور آگاهان سیاسی، خیل‌عظیمی از زحمتکشان و به ویژه زحمتکشان سیستان و بلوچستان هست! "ایشان"! اخیراً از دست‌بوس شیوخ جلال‌ت‌آب عربستان سعودی به ایران رجعت کردند و طی سخنرانی‌های مشعشع! در شهرهای زابل و زاهدان نتایج سفر خود را در بوق و کرنا دمیدند برخی مقامات مسئول استان، به ویژه محافل سرپرستی رادیو و تلویزیون همه در این راه، با ایشان صمیمانه همکاری کردند. گلبدین خان که با هر انقلاب و انقلابی پدرکشتگی هفت یشته دارد در سخنرانی‌هایش اول از همه به سراغ شوروی رفت و طبق معمول خود و همپالکی‌های لیبرال سه‌جهانی و بختیاریش از جعل و دروغ‌زنی در این باره چیزی دریغ نکرد. خان همچنین در انتقاد به اقدامات ترفیخواهانه مسئولین جمهوری اسلامی نتیجه گرفت که آنها نه تنها مسلمان نیستند، بلکه چون می‌خواهند "کمونیست‌ها را آزاد بگذارند باعث پرورش دشمنان اسلام‌اند و خود مسلمان نیستند" وی همچنین، البته با بیشرمی خاص هر فئودال دست‌نشانده آمریکا درصدد برآمده است که در سوریه به جای "دولت کافر"!! یک حکومت اسلامی!! بنشانند.

اینکه حکومت اسلامی مورد نظر گلبدین خان و خان‌های همپالکی‌اش چه ویژگی‌هایی دارد به هر حال نمی‌تواند کوچکترین شاهی به "دولت غیر مسلمان ایران" و "دولت کافر سوریه" داشته باشد.

خان‌ها بر آنند که به جای "دولت کافر فقلی افغانستان" هم، درست چیس حکومتی سرکار بیاورند. این را دیگر امروز بسیاری از دل‌بستگان به انقلاب در ایران و منطقه می‌دانند اما جای تعجب و بسیار تعجب اینکه "خان بزرگ" با تمام اوصاف فوق، بازم موفق شده است همکاری فعال بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی را در منطقه به سوی خود جلب کند، بطوری که تمام امکانات را برای سخنرانی‌اش فراهم می‌آورند. اطلاعات‌هایش را از رادیو و تلویزیون بخش می‌کنند، ساعت‌ها وقت رادیو را به تبلیغ نظرات ضدانقلابی‌اش اختصاص می‌دهند و... این همه در حالی است که از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار افغانی مهاجر در منطقه حتی هشتصد نفر هم برای شنیدن سخنرانی او جمع نمی‌شوند.

به مجاهدین خلق و جنبش سوسیالیست‌های اسلامی... من خود طرفدار سوسیالیسم هستم!"

درک اینکه ساخاروف این طرفدار کدام "سوسیالیسم" است چندان مشکل نیست کافی است سوسیالیسمی را در نظر مجسم کنیم که جنبه ملی و بورژوازی لیبرال هم مدافع آنند!

پیشنهادات راهگشای نماینده‌گرگان

آقای محمد محمدی نماینده مردم گرگان در جلسه پنج‌شنبه ۱۷ - اردیبهشت ماه مجلس، در نطق قبل از دستور سخنانی ایراد کرد که به لحاظ اهمیت و همچنین واقع بینانه انقلابی آن باید مورد توجه مردم و مسئولین دولت قرار گیرد. آقای محمدی در آغاز ضمن اشاره به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای یادآور شد:

دشمن اصلی وجهانی همه مستضعفین، شیطان بزرگ، آمریکا است که با یاری همدستان طبیعی‌اش فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان و ژاپن به غارت و چپاول و کشتار ملت‌های تحت ستم می‌پردازند.

نماینده مردم گرگان سپس در مورد مسائل داخلی اشاراتی کرد و گفت: "نظام جمهوری اسلامی در مجموع در جبهه انقلاب و مردم قرار داشته و بالنتیجه ضدخلق و به اصطلاح، امپریالیستی و وابسته نیست، این نظام ضعف‌ها و ندانم‌کاری‌ها و نارسائی‌هایی دارد ولی تردید در اساس انقلاب و نظام حاکم نمی‌توان نمود"

نامبرده سپس پیشنهادات مسوطی برای تعمیق انقلاب و مقابله با دشمنان آن نمود برخی از پیشنهادات آقای محمدی از این قرار بود:

"همه نیروها، تبلیغات و امکانات را به سمت شیطان بزرگ آمریکا و هم‌پیمانانش هدایت کنیم... واقعیت‌ها را به مردم بگوییم و مردم را در جریان همه مسائل بگذاریم... اصل مقدس و اسلامی شورا را عمل کنیم... تصفیه‌های سیاسی را لغو و قطع کنیم و فقط ساواکی‌ها، وابستگان رژیم سابق و کسانی که با نظام جمهوری اسلامی برخورد مسلحانه می‌کنند تصفیه شوند... از گروه‌ها و شخصیت‌هایی که نظام را قبول دارند و حکومت را ضدخلق نمی‌دانند دعوت شود تا در کمیسیون‌های مجلس شرکت و طرح برنامه‌های خود را ارائه نمایند... خواسته‌های به حق آنان (مردم کردستان) مورد توجه قرار گیرد."

ماضمن تایید مضمون مترقی بیانات آقای محمد محمدی، توجه مسئولین را به پیشنهادات راهگشای ایشان جلب می‌کنیم.

«رنجبر» مدافع تجار بزرگ و چپاولگران!

وقتی که فریاد روزنامه "رنجبر" ارگان مائوئیست‌های آمریکایی از خطر استبداد و اختناق به آسمان بلند بود برای برخی درک ماهیت ارتجاعی این جریان آمریکایی چندان آسان نمی‌نمود. "آزادی" و "دمکراسی" ادعایی مائوئیست‌ها و هوار و یقه‌درانی ضد ارتجاعی "آنها" و همخوانی آشکارشان با آمریکا

تقدیم به خانواده میترا صانعی و همه شهدای میتینگ:

در سوگ میترا

به زیبایی یاس‌های سپیداست. سراز پوشش غنچه درآورده و پرچم‌های عطرآگینش گرده‌های پاکی می‌افشاند. میترا را باد برده است. خونش بر چمن‌های آزادی چکیده و دست‌های کوچکش پرپر شده‌اند، گیسوانش خون چکان است و در خلوت میدان آزادی پس از ایلغار دشمنان آزادی، بر صحنه‌ای که کفش‌ها، لباس‌ها و پرچم‌های رنگارنگ کارگری به جا مانده بر صحنه‌ای که هنوز از آن دود و خاکستر می‌خیزد صدای مادرش در باد به گوش می‌رسد:

"شما میترا را ندیدید؟" از دور صدای مارش کارگران می‌آید، بوی گرده‌های پراکنده در هوا، گرده‌های آگاهی برخاسته از کلاله پرچم، پرچم میترا می‌آید. میترا را باد برده است اما گرده‌ها در هوا غوطه می‌خورند، بر وجدان‌های انسان‌ها می‌نشینند، بارور می‌شوند و میوه می‌دهند، میوه آزادی!

ساخاروف ایران و «سوسیالیسم» لیبرالی!

علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی روشنفکر لیبرال پس از انتظار طولانی و بیهوده برای استقرار "فاشیسم" اخیراً فعالیت‌های "آزادیخواهانه" خود را تشدید کرده است. این فعالیت‌ها که شامل شکوایته و اعتراضیه نویسی و پخش و تکثیر نامه‌های سرگشاده و سربسته می‌شود در نشریه جبهه ملی چاپ شده و مورد استفاده جناح‌های "آزادیخواه" خارج از کشور نظیر جناح بنی‌احمد بختیار و امینی قرار می‌گیرد و خوراک لازم را به رادیوهای ضدانقلاب و امپریالیسم خبری می‌دهد محتوای این نامه‌ها و اعتراضات که همه حاکی از به گوش رسیدن "صدای پای فاشیزم" و اختناق و استبداد بی‌حد و حصر است گرچه در قالب و پوسته "روشنفکرانه" و "مردم‌پسند" ارائه می‌گردد اما مضمونی جدا از فریادهای، گه‌شخاش بورژوازی لیبرال ایران ندارد. آقا!

جوادی چیزی به مکررات جبهه منی و نهض آزادی اضافه نمی‌کند. فقط همان مضامین را "بفرنج‌تر" و "پیچیده‌تر" عرضه می‌نماید و به آن شاخ و برگ "تئوریک" می‌دهد. بیهوده نیست که این مهملات به عنوان سند حقانیت لیبرالها و ایضاً سند ناحقی انقلاب با استقبال زایدالوصف رسانه‌های تبلیغی امپریالیست‌ها قرار می‌گیرد. اخیراً روزنامه "فولکرانت" هلند مصاحبه‌ای با حاج‌سیدجوادی به عمل آورده و او را ساخاروف ایران نامیده است. ساخاروف ایران در این گفت و شنود دولت دلخواه خود را اینگونه توصیف کرده است:

"من فکر می‌کنم که یک دولت ائتلافی متشکل از روشنفکران غیر وابسته، لیبرالها و گروه‌های چپ غیروابسته می‌تواند بهترین دولت‌ها باشد" ایشان سپس ترکیب این دولت را تشریح کرده و گفته است:

"من در درجه اول به جبهه ملی که نماینده بیشتر افراد ایران است می‌اندیشم، پس از آن

آقای رجایی...

بقیه از صفحه ۱

اعتبار سیاسی و مردمی فدائیان خلق اکثریت بر چنین زمینه اجتماعی، دولت رجائی را واداشت که بر صفحه تلویزیون ظاهر شده و بطور رسمی به هزاران پرسشی که میلیون‌ها زن و مرد ترقیخواه ایرانی پیرامون به خون کشیده شدن میتینگ قانونی اول ماه مه در میدان آزادی داشتند، پاسخ گوید و به مردم اطمینان دهد که به انقلاب، به دستاوردهای آن به قانون اساسی و به آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک آنها پایبند و وفادار است.

متأسفانه رجائی در این آزمون نتوانست آنچنانکه شایسته انقلاب ایران است، سرفراز بیرون آید. او در ارتباط مستقیم تلویزیونی نشان داد که هنوز اعتقاد محکمی به آزادی و مشروعیت قانونی نیروهای انقلابی ندارد و به میزان زیادی هنوز آلوده به سیاست انحصارطلبانه و تفرقه افکنانه‌ای است که با آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی مخالفت می‌کند و با درهم ریختن مرز دوستان و دشمنان انقلاب ضربات جدی بر پیکر انقلاب ایران وارد می‌آورد. رجائی در مصاحبه خود از یک سو ناگزیر از پذیرش قانون اساسی است و می‌گوید: "ما هم طبق قانون اساسی و هم به شیوه‌ای که اسلام دارد، به آنها اجازه می‌دهیم که حرفشان را بزنند."

و از سوی دیگر برای آنکه دل بستگی خود را به سیاستی که تنها خود را می‌بیند و موجودیت قانونی و انقلابی دیگر نیروهای انقلابی را انکار می‌کند، اعلام دارد، بیدرتگی می‌گوید: "اما این به این معنی نیست که ما آنها را حق می‌شناسیم و یا مشروع می‌دانیم."

البته آقای رجائی می‌تواند بدور از ملزومات انقلاب و شرایطی که وجود دارد، با مفاهیمی خودساخته و بدون ارتباط با حقایق جاری و اصول

مصرحه در قانون اساسی از "حق" و "مشروعیت" سخن گوید ولی بدون تردید در مقام نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران این اختیار را ندارد که "مشروعیت" و "حقوق" مردم ایران و نیروهای انقلابی وابسته بدان را که در قانون اساسی جمهوری بر آن تاکید شده است، مخدوش و پایمال سازد. هرکسی که اندکی "عقل سیاسی" داشته باشد، می‌داند که طبق اصول ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷ و ۴۰ قانون اساسی، سازمان ما از مشروعیت قانونی برخوردار بوده و دولت موظف به دفاع از چنین مشروعیتی است و سخنان آقای رجائی در حقیقت نقض آشکار قانون اساسی است. سخنان رجائی تنها این را نشان می‌دهد که نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه بیش از آنکه به قانون اساسی پایبند باشد، به تخیلات و توهمات خویش متکی است. این نحوه برخورد تنها راه را برای بی‌حرمت کردن قانون اساسی و پایمال ساختن این قانون توسط نیروهای دیگر باز می‌گذارد. زیرا همچنانکه ما در میتینگ اول ماه مه خاطر نشان ساختیم "پایبندی حکومت به قانون اساسی، شرط اصلی پایبندی نیروهای انقلابی به قانون اساسی است."

رجائی در جایی دیگر می‌گوید:

"ما با آنچه که در اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای بوده با آنها برخورد کردیم تکرار می‌کنم هرگز به معنای مشروعیت این گروه نیست." این حرف نخست‌وزیر با وضوح تمام مشروعیت همه قوانین و اعتبار قانونی همه نهادهای جمهوری را زیر علامت سؤال می‌برد! رجائی بطور آشکاری می‌گوید که ما بر اساس اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای به فدائیان اجازه دادیم میتینگ داشته باشند ولی فوراً اضافه می‌کند که برگزارکنندگان این میتینگ که وزارت کشور کابینه ایشان

جواز رسمی و قانونی برگزاری آن را به نام آنان صادر کرده است، فاقد مشروعیت قانونی هستند! این حرف در پیش-پا افتاده‌ترین تعبیر و تفسیر آن، چیزی جز ترغیب مهاجمین که در پوشش حزب‌الله میتینگ را به خون کشیدند، نیست و مهم‌تر از این، آیا آنچه که نخست‌وزیر می‌گوید چیزی جز بی‌اعتبار کردن نهادهای دولتی از جمله وزارت کشور می‌تواند باشد؟ آیا آنچه که نخست‌وزیر می‌گوید تشویق بی‌قانونی، لجام‌گسیختگی، هرج و مرج و خودسری‌های انقلاب بر باد ده نیست؟

براستی با چنین برخوردی آیا مردم حق ندارند بگویند آقای رجائی چندان اعتقادی به تحقق آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی و اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای ندارد؟

نخست‌وزیر از تاریخ سازمان ما سخن گفتند. آقای رجائی باید بدانند که مردم ما تاریخی را که خود نوشته‌اند، از یاد نبرده و نمی‌برند. مردم به خوبی می‌دانند که فدائیان خلق چگونه در سیاه‌ترین سالهای اختناق جان برکف به مبارزه بی‌امان علیه جنایتکارترین رژیم دیکتاتوری یعنی رژیم دست‌نشانده پهلوی به رزم برخاسته بودند. توده‌های مردم میزان عدالت هستند و هرگز فراموش نخواهند کرد که فدائیان خلق چه نقش مهمی در سرنگونی رژیم شاهنشاهی و برافراشتن پرچم قیام بهمن ماه داشتند. آقای رجائی، مردم گذشته ما را بخوبی به یاد دارند. شما هم اگر می‌خواهید پایبند به همان توده‌ها که میزان عدالت هستند، باقی بمانید قاعدتا باید خاطرات فراوانی از مبارزه قهرمانانه فدائیان خلق در راه مردم به‌خاطر داشته باشید. فدائیان که شما با برخی از آنان در سلول‌های زندان اوین و قصر هم‌بند بوده‌اید. مبادا مقامی که مردم به شما سپرده‌اند، تا این اندازه فراموشکاران کرده باشد! آقای رجائی! اگر شما فراموش کرده‌اید، مردم به‌یاد دارند زمانی که فدائیان خلق قاطعانه لیبرالها و دولت موقت‌شان

را افشاء می‌کردند، چه کسانی مردم را به دفاع از "دولت موقت" تشویق می‌کردند! مردم به خوبی می‌دانند زمانی که فدائیان برای تحقق امر اصلاحات ارضی که چیزی جز دفاع از انقلاب نبود، پیگیرانه مبارزه می‌کردند، چه کسانی در اجرای اصلاحات ارضی که یکی از مبرم‌ترین وظایف انقلاب است دچار تزلزل و تردید بودند و چه کسانی هنوز هم مانع اجرای بند "ج" و "د" هستند و از اجرای آن در هراس‌اند! آقای رجائی، مردم به یاد دارند که فدائیان اولین کسانی بودند که دست به افشای قاطع لیبرالها زدند و پرده از چهره عناصری مثل امیرانتظام‌ها و مقدم - مراغه‌ای‌ها و نزیه‌ها برداشتند.

اینها همه جزو افتخارات سازمان ماست. آقای رجائی، شما از کردستان صحبت کردید. شما همواره تنها به قاضی رفته‌اید و راضی برگشته‌اید. برخلاف تصورتان شما باید به مردم توضیح دهید که چه کسانی بجای حل مسائل ملی کردستان و دادن حقوق خفه مردم کرد، دست جنایتکاران را باز گذاشتند تا فاجعه قتل عام قارنا را به وجود بیاورند! آقای رجائی، اشتباه‌نفرماید این عمدتاً شما هستید که امروز باید پاسخ دهید که چرا نزدیک به ۲/۵ سال از انقلاب هنوز علیرغم همه تلاش‌های مسئولانه سازمان ما، معضل کردستان همچنان لاینحل مانده، مردم کردستان در محاصره اقتصادی بسر می‌برند و قتل و غارت و فلاکت و خانه - خرابی نصیب گریزپذیر آنان است. برآستی چه کسی مسئول مستقیم خطرات مهلکی است که از ناحیه کردستان، پیکارچگی ملی و انقلاب مردم ما را تهدید می‌کند؟

تاریخ سازمان ما مآلما از فداکاری و جانبازی و ایثار در راه رهائی مردم میهنمان از یوغ ستمگرانه امپریالیسم است. در ترکمن صحرا نیز ما نخستین و تنها نیروئی بودیم که با ایجاد شوراها و دهقانی و پیشبرد امر

اصلاحات ارضی پرچم جنبش دهقانی علیه زمینداری بزرگ را برافراشتیم و در راه تعمیق انقلاب گام‌های بلندی به جلو برداشتیم. کاری که فدائیان خلق در این منطقه انجام دادند، یک نمونه تاریخی به‌یاد ماندنی و الهام‌بخش در طول تمام مبارزات دهقانان ایران است.

به امروز برگردیم. امروز مردم میهن ما می‌بینند که چگونه فدائیان خلق ایران "اکثریت" دوشادوش پاسداران و سربازان و درجه - داران و نیروهای بسیج در جبهه‌ها علیه تجاوزگران صدامی می‌رزمند و حماسه می‌آفرینند.

کارگران شاهدند که فدائیان خلق اکثریت برای دفاع از انقلاب در افزایش و گسترش تولید فعالانه نقش دارند.

دهقانان می‌بینند که چگونه در جنبش آنان علیه زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و به منظور اجرای اصلاحات ارضی فدائیان سهم بسزایی دارند و در اجرای بند "ج" و "د" دوشادوش آنان در مسیر گسترش همکاری با نهادهای انقلابی فعالانه تلاش می‌کنند.

مردم می‌بینند که فدائیان خلق اکثریت بدون تزلزل با فداکاری و ایثار در راه خنثی ساختن توطئه امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی می‌رزمند، هدف پلید آنان را مبنی بر روی کار آوردن "دولت میانه‌رو" افشاء می‌کنند، در راه اجرای قانون اساسی، تخفیف تشنجات سیاسی داخلی و سرانجام وحدت همه نیروهای مردمی پیگیری و قاطع مبارزه می‌کنند و از جمهوری اسلامی در برابر تجاوزات امپریالیسم و رژیم جنایتکار صدام با فداکاری و جانبازی تمام دفاع می‌نمایند.

ولی گویا آقای رجائی تصمیم گرفته‌اند چشم‌شان را همچنان بر روی واقعیات ببندند و همچنان سیاستی را به‌پیش رانند که جز تفرقه و دشمنی میان نیروهای انقلاب و تضعیف انقلاب، حاصلی به بار نیاورده و نمی‌آورد.

نخست‌وزیر بجای هشدار

بقیه در صفحه ۲۷

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

اثرات جنگ روی تولید کشاورزی

نست آخر

برداشت

یونجه ، پنبه و سویا عمدتا در فصل پاییز و به وسیله ماشین برداشت می‌شوند . سطح برداشت این محصولات در کشت‌های مکانیزه ، حدود ۱۱۰۰۰۰ هکتار است . از این رو برای برداشت این محصولات ققط طی دوماه مهر و آبان به ۴/۴ میلیون لیتر گازوئیل نیاز می‌رود . (لازم به توضیح است که این مقدار از حاصل ضرب ۱۱۰۰۰۰ هکتار زمین در ۴ ساعت کار به وسیله ماشین برای هر هکتار ۱۰۰ لیتر گازوئیل برای هر ساعت کار کمباین به دست می‌آید)

در دسترس نبودن سوخت مورد نیاز برای کمباین جهت برداشت این محصولات ، تاثیر مهمی بر بخش‌های دیگر تولید به جا می‌گذارد . یونجه محصولی است که در دامداری‌ها مصرف می‌شود و کمبود آن تبعاً روی فرآورده‌های دامی گوشت و لبنیات موثر می‌افتد . سطح محدودی از محصول پنبه به شیوه برداشت ماشینی صورت می‌گیرد اما با این همه ، عدم برداشت همین مقدار محصول نیز ادامه کار کارخانجات پنبه پاک‌کنی و نساجی را دچار وقفه کرده و بیکاری کارگران این بخش از تولید را به همراه خواهد داشت . لازم به توضیح است که سطح کشت پنبه بسیار کاهش یافته است زیرا این محصول به طور متعارف در اراضی متعلق به زمینداران بزرگ کشت می‌شده است و بسیاری از این زمینداران به دلیل وحشت از تقسیم اراضی توسط هیئت‌های واگذاری زمین با ایجاد درگیری و شخم مجدد زمین‌هایی که توسط هیئت‌های واگذاری به روستائیان تعلق گرفته و کاشته شده بود و با انگیزه‌های توطئه‌گرانه گوناگون و برای تبلیغ در این باره که واگذاری زمین و پیشبرد امر اصلاحات ارضی سبب کاهش محصولات می‌شود مانع از کشت زمین‌های مورد بحث شده‌اند .

سویا عمده‌ترین دانه روغنی مورد نیاز کارخانجات روغن نباتی است کمبود آن نه تنها از میزان کار تولید کارخانجات روغن نباتی خواهد کاست ، بلکه درجه وابستگی تولید در این رشته را نیز تشدید خواهد کرد . به ویژه آنکه در حال حاضر ، مقدار زیادی از مواد اولیه روغن نباتی کارخانجات روغن‌کشی ، از کشورهای امپریالیستی خریداری و وارد می‌شود .

عملیات آماده‌سازی زمین

کشت محصول زراعی در فصل‌های پاییز و بهار انجام می‌گیرد . آماده‌سازی زمین برای انجام کشت پاییزه ، علی‌القاعده در ماه‌های مرداد و شهریور و مهر در بعضی مناطق در آبان و پیش از یخبندان و ریزش باران‌های زمستانی - صورت می‌گیرد . طبق جداول تقویم زراعی ، گندم و جو از عمده‌ترین کشت‌های پاییزه به شمار می‌آیند گندم ، جو پاییزه سبب‌زمینی حیوانات و سبزیجات زمستانه عموماً در فصل پاییز کاشت می‌شوند . مجموع سطح زیر کشت پاییزه قریب به ۷ میلیون هکتار است که حدود ۶/۴ میلیون

هکتار (۹۰ درصد) آن به وسیله تراکتور شخم زده می‌شود . مضافاً در پاییز ، پس از برداشت محصول سال زراعی قبل ، زمین برای کشت بهار محصولات چون چغندر قند ، پنبه ، توتون صیفی‌جات و سبزیجات به زیر شخم می‌رود . مزارع محصولات اخیر ، جمعاً حدود ۱/۲ میلیون هکتار از کل اراضی زیر کشت را شامل می‌شود که برای شخم هر هکتار آن به حدود ۳ ساعت کار تراکتور نیاز است . نتیجتاً برای آماده‌سازی زمین ، کشت اراضی مکانیزه و شخم پاییزه جمعاً به حدود ۳۵ میلیون ساعت کار تراکتور و به اعتباری دیگر به ۲۸۰ میلیون لیتر گازوئیل نیاز خواهد بود . و این یعنی آنکه بطور متوسط ، حدود ۳ میلیون لیتر نفت گاز در هر روز مورد نیاز بخش کشاورزی مکانیزه است . حال با توجه به اینکه تولید روزانه گازوئیل بعد از جنگ به حدود ۲۵ میلیون لیتر در روز (۱۲۷/۵ هزار بشکه) کاهش یافته مقدار سوخت مورد نیاز سه ماهه سوم سال حدود ۱۵ درصد میزان کل تولید را طلب می‌کند . *

قطعات ماشین‌آلات کشاورزی

تعداد کل تراکتور فروخته شده از سال ۴۹ تا ۵۹ (برآورد میزان فروش) حدود ۹۶۰۰۰ دستگاه بوده است که با احتساب حداکثر ۱۰ سال عمر مفید برای هر دستگاه تعداد تراکتور قابل استفاده در سال جاری معادل ۶۷۸۶۵ دستگاه می‌شود . از آنجا که این تراکتورها در کارخانجات تراکتورسازی تبریز تولید می‌شوند و بطور عمده از نوع یونیورسال رومانی هستند ، و از آنجا که کشور نامبرده در شمار کشورهای تحریم‌کننده اقتصادی نیست ، لذا مشکلی در زمینه تهیه و توزیع قطعات یدکی بوجود نخواهد آمد (البته در سال جاری تعدادی تراکتور " مسی فرگونس " نیز به کشاورزان فروخته شده که از نوع تراکتورهای انگلیسی است) . به علاوه ، با تلاش کارگران قهرمان میهن در جهت افزایش تولید ، برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیست‌ها که میهن انقلابی را تحریم اقتصادی کرده‌اند و با احتمال گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی رومانی ، در این زمینه با نگرانی خاصی روبرو نخواهیم بود . لیکن اگر بطوری که گفته شد ، چنانچه دولت بتواند تا اندازه‌ای بر ضعف‌ها و نارسائی‌هایی در زمینه توزیع فائق‌آید و سوخت لازم وسائل کشاورزی را در اختیار کشتکاران قرار دهد ، تولیدات کشاورزی کشور ، ضربه‌ای کاری نخواهد خورد .

کود شیمیایی

مصرف کود شیمیایی در کشاورزی ، ناشیری مستقیم و قابل ملاحظه بر افزایش مقدار تولید محصول دارد . پیداست چنانچه کود مورد نیاز در اختیار کشاورزان قرار نگیرد ، سطح تولید به نحوی چشمگیر کاهش می‌یابد . مصرف کود شیمیایی در سال ۵۶ بالغ بر ۷۰۵ هزار تن و در سال ۵۸ معادل ۹۵۰ هزار تن بوده که ۳۰۰ هزار تن از رقم اخیر از محل تولید داخلی و مابقی (۶۵۰ هزار تن) آن از محل

واردات تامین شده است . شرکت پخش کود شیمیایی هر ساله مقداری کود را به عنوان ذخیره نگهداری می‌کند . لیکن در سال ۵۷ و ۵۸ که عرضه کود ، محدود و تقاضا برای آن بالا بود نتیجتاً قسمت اعظم ذخائر کود نیز به بازار عرضه شد . در سال جاری مطابق برآورد شرکت پخش کود ، مصرف واقعی آن ۹۰۰ هزار تن خواهد بود و علاوه بر آن ، به ۲۰۰ هزار تن کود برای جبران ذخائر مصرف شده و همچنین به ۲۰۰ هزار تن دیگر برای افزایش سطح ذخائر نیاز است . بنا بر این ، این شرکت در مجموع به خریداری ۱/۳۰۰ هزار تن کود نیاز دارد که می‌بایست ۸۳۵ هزار تن آن از خارج و ۴۶۵ هزار تن بقیه از محل تولیدات داخلی تامین شود . توضیح آنکه جمع خرید ششماهه اول سال از محل تولیدات داخلی و واردات معادل ۵۲۸ ۱۰۴۲ تن بوده است .

تولید داخلی کود شیمیایی توسط کارخانجات رازی بندر امام خمینی (شاهپور سابق) ، مرودشت شیراز و ذوب‌آهن اصفهان صورت می‌گیرد کارخانه رازی گرچه در ششماهه اول سال موفق شده است که به میزان پیش‌بینی شده (۲۰۰۰۰۰۰ تن) تولید کند اما بر اثر صدمات و خرابی‌های ناشی از تهاجم نظامی رژیم صدام ، قادر نخواهد بود که در ششماهه دوم به تولید خود ادامه دهد در عوض دو کارخانه دیگر که از تجاوز مصون مانده‌اند قادر خواهند بود که تولید خود را تا میزان پیش‌بینی شده (مرودشت به میزان ۶۰ هزار تن اوره و ذوب‌آهن به میزان ۵ هزار تن سولفات) ادامه دهند . با این حساب ، جمع تولیدات داخلی امسال معادل ۲۶۵ هزار تن کود خواهد بود .

کود شیمیایی خارجی ، از کشورهای حوزه خلیج فارس ، کره جنوبی ، الجزایر ، شوروی و رومانی خریداری می‌شود . این کالاها پیش از این از طریق بندر خرمشهر وارد می‌شده است . اما اشغال نظامی خرمشهر ، باعث شد که تخلیه کود در خرمشهر متوقف و در بندر عباس صورت گیرد تا پایان ۸ ماهه اول سال ، میزان ۸۰۰ هزار تن کود وارد شده است و تصمیم بر آن است که برای جبران کاهش تولید داخلی ، معادل ۲۰۰ هزار تن دیگر نیز (علاوه بر ۸۳۵ هزار تن پیش‌بینی اولیه) از خارج خریداری گردد . بنا بر این در مجموع ، خرید داخلی و خارجی به میزان پیش‌بینی شده انجام‌پذیر است . و بدین لحاظ ، برای مصارف کود مورد نیاز در کشاورزی ، اشکالی در میان نخواهد بود .

شرکت پخش کود شیمیایی به ۳ طریق : فروش مستقیم به کشاورزان ، فروش به کارگران و فروش به شرکت‌های تعاونی ، کود مصرفی بخش کشاورزی را در اختیار زارعین قرار می‌دهد . در هر سه حالت یاد شده ، کود خریداری شده ، توسط پیمانکاران از بنادر یا کارخانجات یا انبارهای شرکت به محل استفاده حمل می‌شود . چنانچه مسئله سوخت حل شود و وسائل حمل و نقل به اندازه کافی در دسترس باشد ، کود خریداری شده به خوبی کفاف مصارف کشاورزی را می‌دهد و ۲۲۰ هزار تن مورد نظر نیز در انبارهای شرکت برای سال آتی ذخیره خواهد شد .

شورای کارکنان ساختمانی «مجتمع آموزشی طالقانی»

توطئه تعطیل کار توسط لیبرال ها را افشاء کرد

از پنج سال پیش پروژه ساختمانی دبیرستان نمونه نظام (مجتمع آموزشی طالقانی) در محوطه پادگان اقدسیه آغاز بکار کرده است. کارفرمای این پروژه، اداره مهندسی نیروی زمینی است که اجرای آن بوسیله چند شرکت واسطه به سه مهندس پیمانکار که از دوستان نزدیک امیرانتظام (سخنگوی دولت گام به گام) هستند، سپرده شده است.

این افراد اخیراً به بهانه‌های واهی نظیر کمبود مهندس ناظر، پیمانکار تأسیساتی، سود آور نبودن پروژه و مزاحمت شورای کارکنان و ... اقدام به فروش ماشین آلات و اخراج دسته جمعی کارکنان کرده‌اند. و این در شرایطی است که قسمت اعظم کارهای پروژه به اتمام رسیده است. بی‌پایگی ادعاهای پیمانکار بسیار روشن است. زیرا، اولاً - در اداره مهندسی

ارتش به اندازه کافی مهندس ناظر بیکار وجود دارد. ثانیاً - با توجه به رکود کارهای ساختمانی، پیمانکاران تأسیساتی بیکار آماده کار نیز فراوان است، ثالثاً - ادعای متضرر شدن طرح، واقعیت ندارد. رابعاً - شورای کارکنان این واحد نیز نه تنها هیچگونه اختلالی در پیشرفت کار به وجود نیاورده، بلکه همواره تمام هم خود را مصروف سرعت بخشیدن به کار و جلوگیری از کارشکنی‌های این پیمانکاران نموده است. مهندسین پیمانکار در واقع قبل از عید تصمیم به تعطیل پروژه داشتند که با هشیاری و مقاومت یکپارچه کارگران و شورا مواجه شدند، اما پس از تعطیلات نوروز از نبودن کارگران و اعضای شورا در محیط کارگاه استفاده کرده و نقشه خود را با صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر تعطیل کارگاه و تصفیه حساب با

کارگران عملی نمودند. شورا نیز متقابلاً ضمن دعوت کارکنان به مقاومت در برابر این تلاشهای مذبحانه، خواهان رسیدگی به موضوع از طرف مسئولین وزارت کار، مسکن و شهرسازی و سایر نهادهای مسئول شد. پیمانکاران در جلسه‌ای که قرار بود با حضور نمایندگان وزارت کار، مسکن و شهرسازی و شورا تشکیل شود، شرکت نکردند و از شرکت در جلسه دادگاه نیز خودداری کردند. مسئولین و نهادهای دولتی باید با این اقدامات ضدانقلابی برخوردی جدی نموده و همانگونه که کارگران و شورای واحد عمل نموده‌اند. این اخلاص را با به مثابه جزئی از مجموعه دسایس لیبرال ها جهت به تعطیل کشاندن واحدها بیکار کردن کارگران و ایجاد نارضایتی، افشاء و خنثی سازند.

پیام‌های تبریک به مناسبت اول ماه مه
به سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

کنگره اتحادیه‌های کارگری سرتاسری هندوستان
۲۷ آوریل ۱۹۸۱
به: کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
تهران

رفقای عزیز!

به مناسبت روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر، گرم‌ترین درودهای برادرانه خویش را برایتان می‌فرستیم. A. i. T. U. C. همیشه پشتیبانی صمیمانه خویش را به مردم انقلابی ایران در مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه و علیه امپریالیسم (در مبارزه) برای دموکراسی و ترقی اجتماعی تقدیم داشته‌است. ما نقشی را که سازمان شما در این مبارزه‌ها که هنوز به پایان نرسیده و در شرایط نوین ایفاء می‌نماید، تقدیر می‌کنیم. ما خواهان همه‌گونه پیروزی‌های شما بوده و همبستگی خویش را تقدیم می‌داریم.

با همبستگی برادرانه
ت. ن. سید هانتسا
دبیر

مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان
۲۷ آوریل ۱۹۸۱
به: کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
تهران

رفقای عزیز!

به مناسبت روز اول ماه مه، روز همبستگی طبقه کارگر بین‌المللی، گرم‌ترین درودهای رزمنده اتحادیه‌های کارگری هند را که توسط مرکز اتحادیه‌های کارگری هندوستان نمایندگی می‌شوند، به شما می‌فرستیم. سازمان شما می‌تواند همیشه بر روی پشتیبانی طبقه کارگر هندوستان در مبارزه برای دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران و علیه توطئه‌های امپریالیسم در منطقه حساب کند. سازمان شما و طبقه کارگر ایران نقش مهمی در سرنگونی حکومت استبدادی نوکر آمریکا، شاه ایران بازی کرده و ما اطمینان داریم که مردم ایران قادر خواهند بود تمام توطئه‌های امپریالیسم را برای درهم ریختن وحدت خلق و ترتیب دادن یک بازگشت (به گذشته) شکست دهند. ما اطمینان داریم که خلق ایران قادر خواهد بود که صلحی بر زمینای استقلال و تمامیت ایران به دست آورد.

پیروزی همه‌جانبه شما را آرزو داریم.
با درود و همبستگی برادرانه
ب. ت. راندیو

همچنین بدین مناسبت سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیامی به سازمان فرستاده‌اند.

به مناسبت اول ماه مه از طرف سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" پیام شادباشی به فدراسیون جهانی سندیکائی (W-F-T-U) ارسال شد.

کارگران مبارز الیاف در دفاع از انقلاب

پیگیرند

کارگران مبارز و انقلابی کارخانه الیاف، بمنظور تأمین حوائج جبهه‌های جنگ به ابتکار خود، یک مولد برق ۲۵۰ کیلوواتی از کار افتاده را با صرف هزینه‌ای معادل ۲۵ هزار تومان تعمیر کرده و به جهاد سازندگی اهداء نمودند.

نکته قابل توجه اینکه، در تمام طول مدتی که کارگران الیاف با کوششهای شبانه‌روزی خود سعی می‌کردند مولد از کار افتاده را تعمیر کنند و راه بیاندازند، مدیران لیبرال کارخانه، سنگ اندازی کرده و آیه یا س می‌خواندند و تلاش کارگران را عیب و بیهوده جلوه می‌دادند، لیکن کارگران انقلابی پیشروی الیاف، با زحمات پیگیرانه خود باردیگر عزم راسخ کارگران ایران را در پیشبرد گسترش انقلاب به

ثبوت رساندند. کارگران مبارز الیاف همچنین بمنظور ابراز همبستگی با معلولین انقلاب، گروهی از معلولین انقلاب را به کارخانه دعوت کردند. کارگران با استقبال پرشور خود از این فرزندان خلق، جانفشانی و ایثار آنان را در راه دفاع از دستاوردهای خونبار انقلاب ارج نهادند. در جلو در ورودی پلاکاردی با این شعار به چشم می‌خورد:

"پایداری و ایثار شما عزیزان پشتوانه انقلابمان و الهام بخش راهمان خواهد بود." همچنین در محل برگزاری مراسم، عکس‌هایی از مرتضی مناف زاده و ابراهیم حاجی‌پور، دوتن از کارگران شهید الیاف، نصب شده بود.

در این مراسم هدایائی از سوی کارگران الیاف به

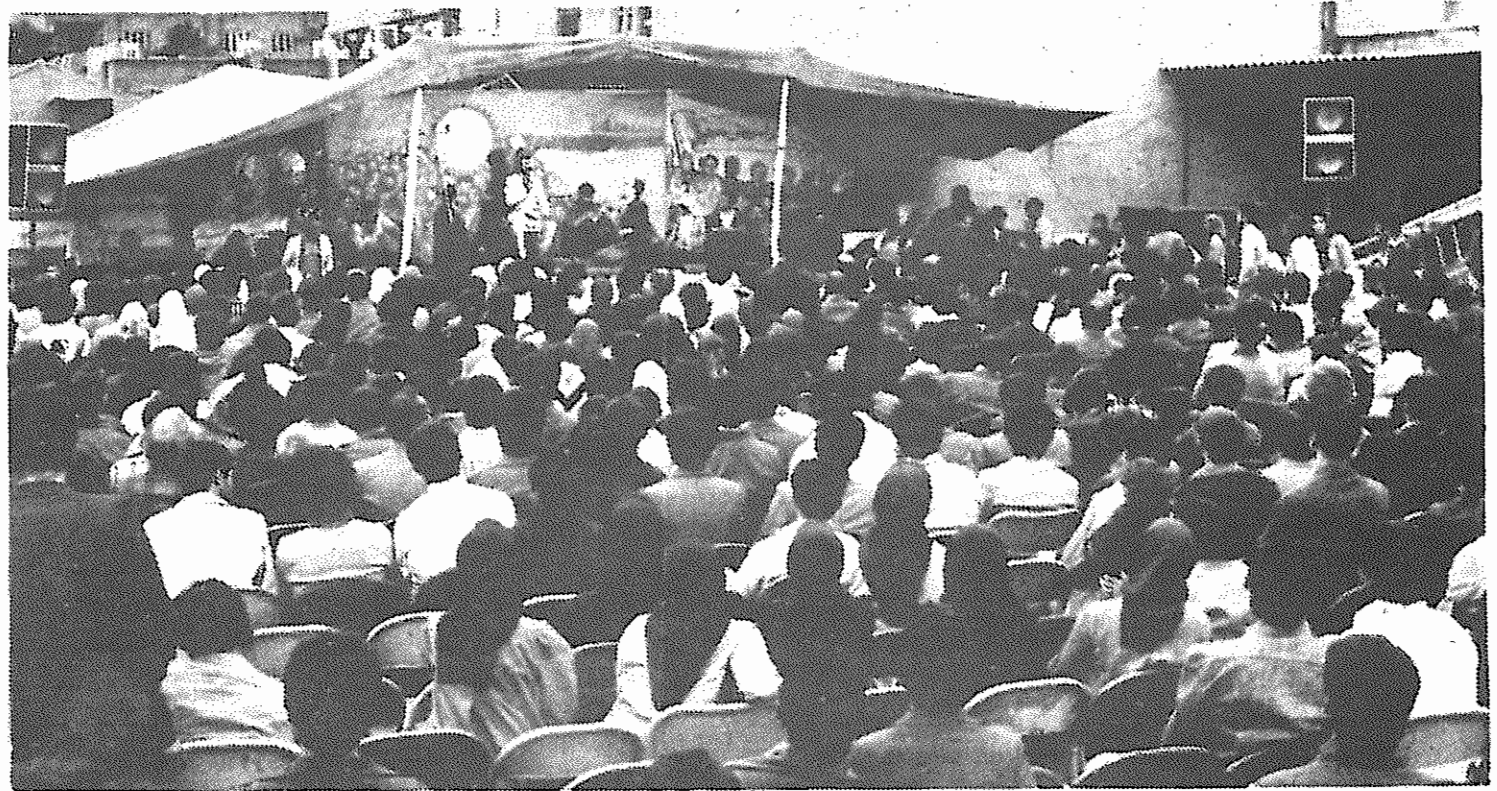
پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جشن اول ماه مه در کارخانه‌های تهران

کانون شوراهای اسلامی شرکت‌های ساختمانی

این کانون که دربرگیرنده بیش از ۱۵ مجتمع ساختمانی بزرگ است، در معرفی این عید خجسته کارگری به کارگران مبارز و انقلابی صنایع ساختمانی، سهم شایسته‌ای داشت طی روزهای ششم تا دهم اردیبهشت در ۵ واحد ساختمانی بزرگ، جشن‌هایی با شرکت صدها کارگر ساختمانی در بزرگداشت اول ماه مه برگزار گردید. در این مراسم نمایندگان کارگران طی سخنرانی‌هایی اهمیت و ضرورت وحدت و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را (در مبارزه‌ای واحد علیه امپریالیسم جهانی بسر کردگی آمریکا) به خوبی بیان کردند و ضرورت مبارزه متحدانه کارگران و زحمتکشان ایران را در دفاع از دستاوردهای انقلاب و همچنین پیگیری در مبارزه برای تحقق شعارهای ملی کردن تجارت خارجی، اجرای بند "ج"، تدوین قانون کار انقلابی و ... را مورد تأکید قرار دادند. در مراسمی که در واحد ساختمانی شهرک اکباتان برگزار گردید معاون وزیر کار نیز به دعوت "کانون" در جشن حضور یافت و در نطقی که ایراد کرد ضمن تأیید خواست‌های اصولی و انقلابی کارگران، از مبارزات ضد-امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران تجلیل کرد * - همچنین جشن اول ماه مه با شکوه هرچه تمامتر در بسیاری از کارخانه‌های ایران من جمله راه آهن قسمت ریخته‌گری و قسمت واگن‌ها کانون شوراهای اسلامی کارخانجات سندیکای بلور سازی و ... برگزار شد. که متأسفانه به علت تراکم مطالب قادر به چاپ تمامی این جشن‌ها نیستیم



مراسم جشن کارگران قنادر، خیاط، کفاش، خمار و نوردکار، فلزکارمکانیک و شورای اسلامی بافنده سوزنی در محل سندیکا پاساژ صدری در زیر باران.

تهران برگزار شد. در این جشن اعضای سندیکاهای مستقل کارگران (سازمان پخش)، شورای انبار شرق تهران، سندیکای کارگران ادارات مرکزی گاز، شورای کارگران تهویه ادارات و بیمارستان، شورای سرتاسری پخش ایران و شورای ادارات مرکزی شرکت داشتند. در آغاز مراسم، دبیر سندیکای پخش به مناسبت عید اول ماه مه، به همه حضار تبریک گفت و آن‌گاه ضمن شرح تاریخچه اول ماه مه، بر اهمیت بین‌المللی این روز بزرگ تأکید کرد. پس از سخنرانی دبیر سندیکا، یکی از نفتگران ضمن گرامیداشت خاطره شهدایی که در جنگ میهنی علیه متجاوزین عراقی دلاورانه جان باختند، از کارگران خواست همچون گذشته، در سنگر تولید و جبهه نبرد علیه امپریالیسم تاپیروزی نهایی انقلاب ایران، به پیکار خود ادامه دهند. سپس یکی از کارگران در رابطه با خواست‌های اساسی طبقه کارگر و مصالح انقلاب سخن گفت و خواستار تدوین و اجرای قانون کار انقلابی با شرکت نمایندگان کارگران گردید.



جشن اول ماه مه (کانون شوراهای ساختمانی) در واحد اکباتان چهارشنبه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰

که در کار خویش صورت داده بود، و دیگری به دلیل فداکاری‌هایش در جنگ، از طرف کارگران به عنوان قهرمان جنگ مورد تجلیل قرار گرفت.

پالایشگاه تهران

روز پنج‌شنبه دهم اردیبهشت به مناسبت عید اول ماه مه در سالن پخش (نفت تهران) جشنی با شرکت صدها نفر مبارز و انقلابی پالایشگاه

درباره مسائل سیاسی روز، اجرای بند "ج" ملی کردن تجارت خارجی و ماهیت دشمن جهانی: "شیطان بزرگ"، سخن گفت که مورد استقبال کارکنان واقع شد. در پایان مراسم، هدایایی که از طرف کارکنان هواپیمایی ملی ایران، تهیه شده بود، توسط آقای شبستری به دوتن از کارگران قهرمان اعطا گردید. از این دو کارگری که به جهت نوآوری و اختراعی

کارگران جشن اول ماه مه را در اکثر کارخانه‌های کشور جشن گرفتند از جمله در تهران در کارخانه صنایع فلزی ایران، شیشه و گاز تهران، پارک دیویس، کفش وین، کفش ملی و کارخانه الیاف. این جشن باشکوه هر چه تمامتر برگزار شد.

در این مراسم نقش طبقه کارگر در انقلاب ایران مورد تجلیل قرار گرفت و ضرورت اتحاد و تشکل کارگران و زحمتکشان ایران مورد تأکید قرار گرفت.

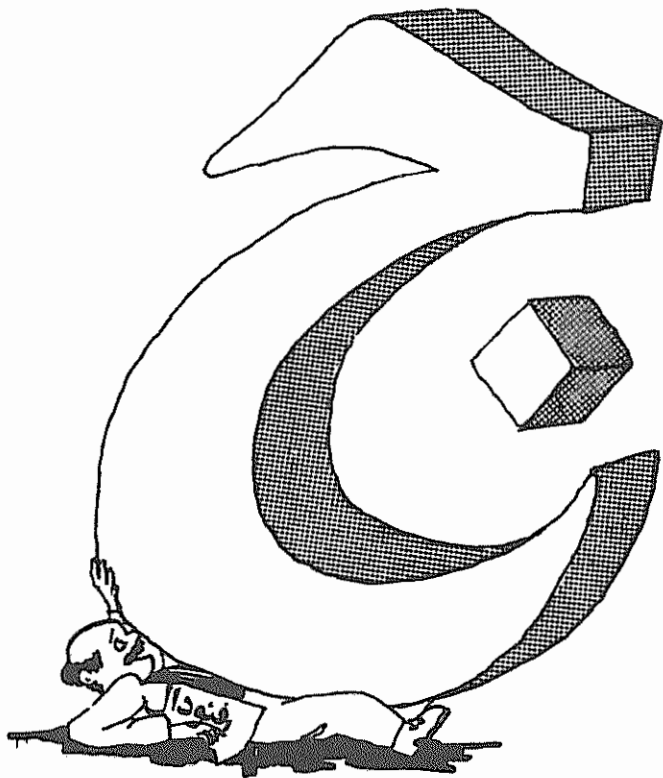
کارگران در تمامی این مراسم با شعارهای توفنده خود، تصمیم خلل‌ناپذیر خود را در دفاع از انقلاب و مبارزه قاطع با تجاوزگران آمریکایی - صدامی اعلام داشتند. در مراسم این کارخانه‌ها از چندتن از کارگران تجلیل به عمل آمد

هواپیمایی ملی ایران (هما)

به دعوت دفتر روابط عمومی "هما" جشن بزرگداشت اول ماه مه با شرکت ۴۰۰ تن از کارگران و کارمندان "هما" برگزار گردید. در این مراسم آقای "مجتهد شبستری" که از سوی کارکنان "هما" جهت ایراد سخنرانی دعوت شده بود،



با اجرای کامل اصلاحات ارضی انقلاب را تعمیق بخشیم



• اکنون در روستاهای سراسر ایران جنبش دهقانی با خواست‌های مشخص مرحله‌ای خود از جمله اجرای بند "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی اوج کم سابقه‌ای یافته است. بی‌شک تاثیر و تاثرات این جنبش در گسترش و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما نقشی بس مهم ایفاء می‌کند. توطئه‌ها و تلاش‌های مذبوحانه فئودال‌ها و زمینداران بزرگ و خوانین با عمق یافتن جنبش دهقانی هر روز ابعاد تازه‌تری به خود می‌گیرد آنها تاکنون با توسل به حیل‌های گوناگون سعی کردند تا مانع اجرای قانون اصلاحات ارضی گردند و بدین وسیله انقلاب را از یکی از ستون‌های اصلی خود محروم سازند.

عدم قاطعیت حاکمیت در اجرای قانون اصلاحات ارضی و توقف بند "ج" و "د"، ناپیگیری و سستی در مقابل عوامل ضدانقلاب بی‌برنامگی در امر کشاورزی و غیره باعث گشته است که بار دیگر زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و خوانین و ایادی آنها دست به توطئه و دسیسه چینی بر علیه انقلاب بزنند.

ماضمن تاکید بر اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی که خواست میلیون‌ها دهقان زحمتکش در سراسر ایران است توجه مسئولین را به نمونه‌های زیر جلب می‌کنیم:

کهگیلویه و بویر احمد

• منطقه تامرادی یکی از مناطق استان کهگیلویه و بویر احمد است که زحمتکشان آن تا قبل از انقلاب همواره تحت فشار خوانین و فئودال‌ها و دیگر ایادی و عوامل رژیم منحن پهلوی بوده‌اند. زندگی مردم زحمتکش این منطقه عموماً به وسیله تکه زمینی که بر روی

آن کار می‌کنند و چند راس دام اداره می‌شود. آنهایی که فاقد زمین و دام هستند در شهرها به کارگری مشغولند به علت موقعیت کوهستانی این منطقه، زمین زراعی کم است و بنا بر این هر قطعه کوچکی از زمین دارای اهمیت ویژه‌ای برای دهقانان است در سال‌های قبل از انقلاب این منطقه در قلمرو حکمرانی نصیر بهادر یکی از عوامل دربار ننگین پهلوی بوده است. پس از مرگ وی پسرانش حبیب بهادر و امیر هوشنگ بهادر به غارت روستائیان می‌پرداختند و از طرف دیگر نقش کارگزار دربار پهلوی و ساواک را در منطقه به عهده داشتند. در جریان انقلاب امیر هوشنگ بهادر هم چون دیگر جنایتکاران و غارتگران به لانه خزید و سپس به تدریج به جمع‌آوری مزدور جهت خرابکاری و مقابله با انقلاب پرداخت. در جریان کودتای آمریکایی نوزده وی به عنوان یکی از مهره‌های موثر این کودتا به همراه عده‌ای دیگر از خوانین دستگیر و زندانی گردید. پس از چندی او با سپردن به اصطلاح تعهد برای اعزام به جبهه جنگ از زندان آزاد می‌شود و هم اکنون در یاسوج مشغول توطئه دیگری علیه انقلاب است. حبیب بهادر نیز در حال حاضر زمین‌های وسیعی را از روستائیان طایفه سرکوهکی و روستاهای شهنیز، چوبریز و مارگون تصرف نموده و علیرغم اینکه یک بار روستائیان به یاری جهاد سازندگی زمین‌ها را باز پس گرفتند وی مجدداً با تهدید و ارعاب روستائیان و جهاد سازندگی زمین‌ها را تصرف نموده است. حبیب و هوشنگ بهادر اکنون در منطقه به قتل و غارت و دزدی مشغولند. همین چندی قبل بود که یکی از روستائیان زحمتکش به نام شیرورا به

طرز فجیعی به قتل رساندند و اخیراً نیز ۱۵ هزار لیتر از سهمیه کوبین بنزین را به سرقت بردند.

گیلان

صومعه سرا - واقعه دشت

• روستاهای واقعه دشت در یک کیلومتری صومعه سرا در استان گیلان واقع شده است و قریب ۱۵۰۰ نفر جمعیت دارد اکثر اهالی این روستا به کشاورزی اشتغال دارند. محصول عمده این روستا برنج چای و توتون می‌باشد. تا قبل از اصلاحات ارضی شاه خاکن کلیه اراضی آبی و دیمی این روستا که بالغ بر ۲۰۰ هکتار بود بیشتر متعلق به چند نفر بزرگ مالک از جمله محمدرضا زیده سرایی شاپور زیده سرایی ظاهر صومعه سرایی و ... بود. در جریان اصلاحات ارضی شاهانه آنها توانستند به عناوین مختلف بهترین و حاصلخیزترین اراضی را به نام خود ثبت کنند و بقیه را با دو برابر قیمت عرف روستاهای اطراف به اقساط به دهقانان واگذار نمایند.

بعد از انقلاب عده‌ای از کشاورزان بی‌زمین این روستا که تمام عمر در اراضی فئودال‌ها کار می‌کردند تصمیم می‌گیرند که زمین‌های زیده سرایی‌ها را مصادره نمایند، ولی هر بار این ملاکین موفق می‌شدند که توسط ایادی خود که همان چماقداران زمان شاه خاکن بودند جلوی اقدامات روستائیان زحمتکش را بگیرند تا سرانجام پس از آنکه در پاییز ۵۸ روستائیان شورای خود را تشکیل دادند توانستند حدود ۲۰ هکتار از اراضی شالیکاری این بزرگ مالک را مصادره نمایند. توقف بند "ج" زمینه را برای تعرض جدید فئودال‌ها و ایادی آنها باز کرد، بدین

نحوه که عوامل آنها شب‌ها در حالی که چهره خود را می‌پوشاندند به مردم حمله کرده و حتی گاو و گوسفند مردم را می‌ربایند و سپس شایعه می‌کنند که شورای روستا و سپاهیان پاسدار چنین حرکاتی را انجام می‌دهند و البته در این کار خود نیز تا حدودی موفق بوده و حتی توانستند جهت انحلال شورای موجود مجوز نیز بگیرند.

دولت باید برای افزایش

محصول برنج هر چه سریعتر

به مشکلات

برنجکاران رسیدگی کند

• برای جبران محصولات از بین رفته ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا و صدام برای تحکیم و تداوم انقلاب، برنجکاران زحمتکش در تلاشند تا با افزایش تولید گام‌های موثرتری در جهت تعمیق انقلاب بردارند. هم اکنون آنان برای شخم زمین با مشکلات فراوانی روبرو هستند. علیرغم اقدامات پراکنده نهادهای انقلابی، برنجکاران با کمبود مواد سوختی، لوازم یدکی، سموم دفع آفات و غیره روبرو می‌باشند. دولت باید با مشارکت و نظارت شوراهای روستائی اقدامات عاجل زیر را انجام دهد:

۱ - دادن به موقع و کافی

وام، کود و سموم دفع آفات به ویژه علف‌کش. ۲ - اعزام کمیته‌های سیار تعمیر تیلر به روستاها و تامین لوازم یدکی مورد نیاز آن. ۳ - رفع نقایص در نحوه توزیع مواد سوختی.

به خواست‌های روستائیان اراک باید رسیدگی شود

اراک - سربند

• اهالی بیش از ۳۶۰ پارچه آبادی "سربند" اراک که جمعیتی در حدود ۵۰ نفر را دربرمی‌گیرد، طی طوماری خواهان رسیدگی به مشکلات و کمبودهای منطقه خود شدند. آنها طی این طومار اظهار داشتند که مشکل آنها در درجه اول کم‌آبی است و دولت باید به کمک نهادهای انقلابی طرح شبکه آبرسانی را در منطقه پیاده کند. از دیگر مشکلات و کمبودهای منطقه رسیدگی به وضع بهداشتی دام، ایجاد شرکت‌های تعاونی روستائی دادن وام بی‌بهره و کم بهره رسیدگی به وضع سوخت، و انجام اقدامات رفاهی از قبیل ایجاد درمانگاه، حمام مدرسه و ... می‌باشد. در پایان آنها خواهان اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی از جمله اجرای بند "ج" شدند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رویدادهای ترکمن صحرا

دستاوردهای ارزشمند یک سفر



همانگونه که قبلاً ذکر کردیم، اعضای شوراها ترکمن صحرا در سفر اخیر خود به تهران و قم، علاوه بر آیت‌اله خمینی، با آیت‌اله منتظری، آیت‌اله مشکینی، آیت‌اله گلپایگانی، آقای محمد سلامتی وزیر کشاورزی آقای محمد محمدی نماینده گرگان در مجلس شورای اسلامی و نیز ملاقات‌هایی داشتند. این ملاقات‌ها فرصت خوبی بود برای دهقانان ترکمن صحرا تا خود را بهتر بشناسند. آیت‌اله منتظری ضمن استقبال گرم از شوراها و تقدیر از زحمات دهقانان از آنان خواست تا وحدت و همبستگی خود را حفظ کرده و امسال با کوشش بیشتر همه زمین‌ها را زیرکشت برند. "آیت‌اله مشکینی" نیز ضمن ابراز خوشحالی از دیدار زحمتکشان ترکمن گفت که: "بند ج اصلاحات ارضی باید به نفع مستضعفان اجرا شود و امام نیز آن را تایید کرده‌اند و من تا زنده‌ام از طرح اصلاحات ارضی حمایت و پشتیبانی نموده و سعی خواهم کرد که به اجرا درآید."

آقای سلامتی وزیر کشاورزی شخصاً به محل اقامت شوراها آمد و در سخنانی خطاب به آنان گفت که: امید ما شوراها هستند چون شوراها نماینده روستاها می‌باشند و ما سعی می‌کنیم که مجلس، شوراها را به رسمیت شناخته و یک ارگان

انقلاب به حساب آیند امسال ما سعی می‌کنیم که تمام مشکلات شوراها را بر طرف کنیم"

آقای محمد محمدی نماینده گرگان در مجلس شورای اسلامی نیز بر ضرورت اجرای بند "ج" و "دال" قانون اصلاحات ارضی تاکید نموده و گفتند که: "۹۵٪ نمایندگان مجلس موافق اجرای آنند"

از دیگر کسانی که اعضای شوراها روستائی ترکمن صحرا به دیدارش رفتند آیت‌اله گلپایگانی بود وی در قسمتی از سخنرانی خود خطاب به شوراها گفت: "زمین از آن خداست و شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند شعار دروغی است. خدا صاحب اولیه زمین است و پس از خدا صاحب دیگری دارد که مال اوست. حال چه روی آن کار بکنند یا کار نکنند."

وی اضافه کرد: "اگر با اجرای بند "ج" زمین از کسی گرفته شود آن زمین حرام بوده و اگر از آب آن استفاده شود استفاده کننده دائم الجنون است!"

به هر حال در مجموع، این سفر و این ملاقات‌ها فرصتی مناسب بود هم برای مسئولین جمهوری اسلامی تا از نزدیک با مسائل و مشکلات دهقانان ترکمن صحرا آشنا شوند و هم برای اعضای شوراها تا دوستان و دشمنان واقعی خود را بهتر شناخته و به زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا بشناسند.

اجرای بند ج و د خواست روستائیان زحمتکش ایران



حدود یک سال از تشکیل هیات‌های هفت نفره واگذاری زمین، ارگانی که از بطن امواج انقلاب جوشیده و پا گرفت می‌گذرد. در این مدت زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و حامیان رنگارنگ آنها هرچه که از دستشان برآمد بر علیه این ارگان انقلابی انجام دادند. کارشکنی، تنگ‌نظری، توطئه، ترور و ... سنگ‌هایی بود که یکی پس از دیگری جلوی پای هیات انداخته می‌شد و هنوز هم می‌شود، بطوری که می‌توان گفت این هیات یکی از ارگان‌های انقلاب بود که بیش از همه مورد خشم و نفرت و در معرض هجوم ضد انقلاب قرار داشت. اما این تنها یک طرف قضیه است، طرف دیگر میلیونها دهقان زحمتکش سراسر میهن‌اند که از همان ابتدا این ارگان را پیام‌آور انقلاب در دل روستاها یافتند و با تمام نیرو و توان خویش به حمایت از آن برخاستند.

طومارهایی که در زیر مشاهده می‌کنید از طرف دهقانان زحمتکش روستاهای چشمه‌باغ، منطقه بایروند کرمانشاه، قنبری بخش

سروستان فارس، چغابور-سنجایی کرمانشاه، به بند "ج" قانون اصلاحات رحمان منطقه گوران و تازه حمایت از هیات‌های هفت ارضی برای مقامات جمهوری آبادمورچی از حوزه خالصه نفری واگذاری زمین و اجرای اسلامی فرستاده شده است.

مجازات عوامل ضد انقلابی و ساواکی از جانب دادگاههای انقلاب گامی در جهت استقرار حاکمیت قانون

لیست ساواکی‌ها را منتشر و کمیته‌ها و نهادهای دولتی را از وجود آنان تصفیه کنید!

در روزهای اخیر دادگاه‌های انقلاب و دیگر نهادهای جمهوری اسلامی با جدیت بیشتری سیاست فعال مقابله و سرکوب عناصر جنایتکار وابسته به امپریالیسم ورژیم پیشین را دنبال کرده‌اند. طی دوهفته گذشته "سرهنگ یداله وحدت"، احسان‌اله مهدیزاده و ستار خوشخو که از عوامل مؤثر و سرسپرده ورژیم شاه و امپریالیسم آمریکا بوده‌اند، اعدام شدند. محاکمه سرهنگ جهانگیرقوی روح، سرهنگ ارفع‌الدین مشرفی و سرهنگ ابوالقاسم زینتی از عناصر فعال بیدادگاه‌های نظامی دادرسی ارتش شاه که در محاکمه و

کشتار بسیاری از انقلابیون نقش درجه اول داشته‌اند آغاز شده است. محاکمه سرلشکر محمود وزیر همدانی مدیر کل امور مالی ساواک و قاتل تعدادی از مبارزین انقلابی، سرتیپ نعمانی مدیرکل اداره‌های هشتم ونهم ساواک و ناصر شاقی، صادقی سرهنگ بازنشسته دژبان ادامه دارد. همچنین سرهنگ دوم عزت‌اله سپنجی معاون لشکر گارد شاهنشاهی و یکی از عوامل سرکوب مردم در ۱۷ شهریور ۵۷ و سروان بهمن علاء نظری فرمانده گارد دانشگاه صنعتی شریف نیز دستگیر شده و در انتظار

محاکمه و مجازات هستند. بدنبال تعقیب جدی این سیاست انقلابی از سوی دادگاه‌های انقلاب دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ نیز طی اطلاعیه‌ای از مردم خواسته است که ساواکی‌ها را به این دادگاه معرفی کنند. ادامه این سیاست از جانب دادگاه‌های انقلاب گام مهمی در جهت مقابله جدی با ضدانقلابیون و وارد ساختن ضربات بیشتری بر شبکه‌های سازمان یافته و توطئه‌گرانه آنان قطعاً بسود انقلاب مردم میهن ما است.

خلق ایرلند به پیکار دلاورانه خود علیه امپریالیسم فرتوت انگلیس ادامه می دهد



صمد معلم و نویسنده مبارز مردم ایران می گفت :
" مهم این نیست که من بمیرم ، مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیری بر زندگی دیگران داشته باشد ."
با مرگ صمد کلام او تعبیر یافت . هزاران رزمنده انقلابی سالیان سال است که با این باور در رزمگاهی به وسعت گره خاک بر صحت این سخن مهر تایید زده اند .
در روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۶۰ بایبی ساندز گارگر ، نویسنده و نماینده مبارز مردم ایرلند ، پس از نزدیک به ۵ سال اسارت و بعد از ۶۶ روز اعتصاب غذا در زندان با مرگ حماسی خود گوشه ای دیگر از چگونگی زیستن در راه مردم را معنا کرد !
بایبی ساندز مرد ! اما بی شک مرگ او تاثیر بسیاری بر تعمیق مبارزات مردم تحت ستم ایرلند بر جای خواهد گذاشت . بایبی ساندز مرد ! لیکن دهها هزار بایبی ساندز دیگر در ایرلند با مرگ او جان یافتند . بایبی ساندز مرد ! اما با مرگ خود امپریالیسم فرتوت انگلیس را در ایرلند یک گام به گور نزدیکتر کرد !

نگاهی به

مبارزات مردم ایرلند برای استقلال

با اشغال ایرلند توسط هانری دوم در سال ۱۱۶۹ انگلستان بر این کشور تسلط یافت . از آن زمان تاکنون قریب به ۸۰۰ سال می گذرد . مردم ایرلند با رنج سلطه انگلیس بر میهن خود در طی این ۸۰۰ سال ، همواره برای بدست آوردن استقلال و آزادی پیکار کرده اند .

با شروع قرن بیستم ایرلند بطور فزاینده ای زیر نفوذ سرمایه داران انگلیس قرار گرفت . به تدریج مراکز مالی ، صنعتی و معادن ایرلند تحت کنترل انحصارات انگلیسی درآمدند . همزمان با کسترش نفوذ انگلستان در ایرلند مبارزات مردم نیز اوج یافت . از سال ۱۹۰۵ تحت تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه این مبارزات وارد ابعاد نوینی گشت . مهمترین جریان سیاسی که در این مقطع از تاریخ ایرلند خودنمایی می کند تشکیل حزب "سین فین" در سال ۱۹۰۵ است . این حزب نماینده اقشار خرده بورژوازی و بخش هایی از بورژوازی ایرلند بود که در راه استقلال و آزادی ایرلند در فاصله سالهای ۱۹۱۶ - ۱۹۰۵ ، نقش اساسی ایفاء کرد .

در سال ۱۹۱۶ سازمان های کارگری و خرده بورژوازی ایرلند با استفاده از موقعیت جنگ امپریالیستی که انگلستان درگیر آن بود سعی نمودند انقلاب را به سرانجام رسانند لیکن جنبشی که در این سال به سرعت کسترش یافته بود سرکوب شد .

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت تاثیر بلاواسطه بر مبارزات مردم ایرلند گذاشت . در سرزمین کوچک ایرلند جنگ آزادی بخش ملی ضد - امپریالیستی در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ پشت استعمارگران را به لرزه درآورد . نبرد مردم ایرلند در این مقطع دارای خصیصه بورژوا دمکراتیک بود و عناصر اصلی این مبارزه را کارگران ، کشاورزان ، زمینداران کوچک ، روشنفکران دمکرات و ... تشکیل می دادند . در این پیکار ضد امپریالیستی به خاطر فقدان ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر ، کارگران نتوانستند در رهبری مبارزه قرار گیرند و آن را به سرانجام رسانند . در غیاب حزب طبقه کارگر احزاب رفرمیست بورژوازی مانند حزب کار ایرلند و حزب خرده بورژوازی سین فین با انکاء به شعارهای

ناسیونالیستی و ضد امپریالیستی عنان جنبش را در اختیار گرفتند .

در ژانویه ۱۹۱۹ پس از پیروزی حزب سین فین در انتخابات پارلمان بریتانیا ، یک گردهمایی با شرکت نمایندگان حزب مذکور در دوبلین برگزار و نخستین پارلمان ایرلند تشکیل گردید این پارلمان استقلال ایرلند را به جهانیان اعلام نمود و "دی والرا" به ریاست جمهوری ایرلند انتخاب شد . در این زمان ارتش جمهوری خواه ایرلند که در سال ۱۹۱۶ تشکیل شده بود به مبارزه آشکار و مستقیم با ارتش و قوای سرکوبگر انگلستان پرداخت

در سال ۱۹۲۱ معاهده صلحی میان بریتانیا و ایرلند منعقد گردید . به موجب این معاهده تمامی ایرلند به جز ۶ ایالت صنعتی شمال (الستر) به صورت دو مینیون (دولت آزاد ایرلند) اداره می شد . بدین ترتیب با طرحی که از جانب امپریالیسم انگلستان تدوین شده بود ، غارتگران انگلیسی همچنان امکان یافتند به استثمار خود در تمامی ۳۲ ایالت ایرلند ادامه دهند .

و اما عقد این قرارداد نیز نتوانست مبارزات مردم ایرلند را فرونشاند . به همراه تعمیق مبارزات مردم ، در رهبری حزب سین فین انشعابی رخ داد . برخی از رهبران حزب اعلام داشتند که به مبارزه خود تا استقلال کامل ایرلند ادامه خواهند داد . بخش دیگری خواهان سازش با امپریالیسم انگلیس بودند .

در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۳ جنگ آزادی بخش ملی بر علیه آن بخش از بورژوازی ایرلند که از جانب امپریالیسم بریتانیا حمایت می شد در ایرلند جریان داشت . نبرد دلاورانه زحمتکشان ایرلند که به خاطر به کف آوردن استقلال ، آزادی ، ایجاد جمهوری و دستیابی به خواست های عادلانه خود پیکار می کردند ، با کمک تسلیحاتی امپریالیسم انگلستان به بورژوازی بزرگ ایرلند با شکست مواجه شد . بدین سان انقلاب بورژوا دمکراتیک ایرلند نا کامل باقی ماند . و وحدت دو ایرلند حاصل نگردید و اقتصاد ملی جامعه ایرلند همچنان تحت کنترل امپریالیسم انگلیس ماند .

در سال ۱۹۳۳ حزب کمونیست ایرلند تشکیل گردید . این حزب توانست در مقاطع سالهای ۲۵ - ۱۹۳۳ نقش بسیار مهمی در مبارزه ضد - فاشیستی در ایرلند ایفاء کند .

سرانجام در تداوم پیکار مردم ایرلند ، در قسمت جنوبی این سرزمین به سال ۱۹۴۹ جمهوری استقرار یافت . لیکن ایرلند شمالی یا الستر با بیش از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت همچنان در تحت سلطه مستقیم امپریالیسم انگلیس باقی ماند .

اوضاع ناهنجار اقتصادی - اجتماعی

ایرلند شمالی

۸۰۰ سال سلطه انگلیس بر ایرلند شمالی نتیجه ای جز فقر ، رنج ، بیکاری بی خانمانی و کشتار برای مردم این سرزمین نداشته است . امپریالیسم غارتگر ، چپاول می کند و فقر را به مردم هدیه می کند . در نتیجه سلطه امپریالیسم انگلستان بر ایرلند بیش از ۲۰ درصد مردم در چنان شرایطی زندگی می کنند که از جانب دولت "رسم" به آن فقر نام نهاده اند . هزینه زندگی مردم هرساله به نحو خرد کننده ای فزونی می یابد انگلستان در چپاول مردم ایرلند ، شرکای دزد و غارتگر دیگری نیز مانند آمریکا و آلمان دارد . به عنوان نمونه در ایرلند شمالی انحصارات انگلیسی ، آلمانی و آمریکایی ، ۶ کمپانی بزرگ صنایع نساجی را تحت کنترل خود گرفته اند . سلطه امپریالیستی انگلستان بیکاری را به مردم ایرلند ارزانی کرده است . نرخ رسمی بیکاری در سال ۱۹۸۰ به ۱۱/۵ درصد رسید که این رقم بالاترین نرخ بیکاری کشور از سال ۱۹۴۱ می باشد بیکاری در مناطق کاتولیک نشین معادل ۲/۵ برابر مناطق پروتستان نشین است . در ایرلند شمالی ۶۰۰ هزار کاتولیک وجود دارد .

اقتصاد ایرلند در ۱۰ سال گذشته همواره با نرخ تورمی معادل ۱۵ درصد مواجه بوده است در طی همین مدت امپریالیسم انگلستان و سایر امپریالیست ها پیوسته بحران های جوامع خود را به ایرلند نیز "صادر" کرده اند . در حقیقت همانند تمامی جوامع تحت سلطه این سرمایه جهانی است که اقتصاد . سیاست زندگی و فرهنگ اجتماعی مردم ایرلند را کنترل می کند . نکبت سرمایه امپریالیستی تمام خاک ایرلند شمالی را فراگرفته است .

روز همبستگی با خلق فلسطین گرامی باد

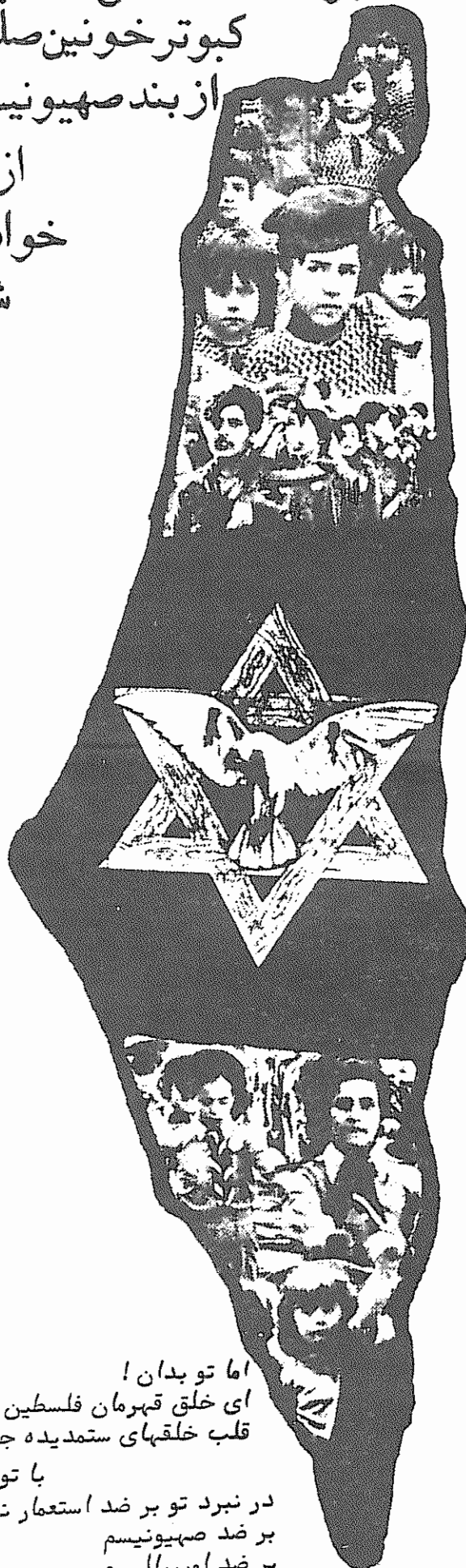
★ با نبرد مسلحانه خلق فلسطین
کبوتر خونین صلح

از بند صهیونیسم

آزاد

خواهد

شد



اما تو بدان!
ای خلق قهرمان فلسطین
قلب خلقهای ستمدیده جهان
با توست

در نبرد تو بر ضد استعمار نوین
بر ضد صهیونیسم
بر ضد امپریالیسم
پیروزی پیروزی ماست!

سی و سه سال، سی و سه سال تمام است که
فلسطینی علیه امپریالیسم و اشغالگران می‌جنگد
و باز هم باید بجنگد و باز هم باید بجنگد تا
بتواند دوباره از تپه‌ها و دشت‌های فلسطین
عبور کند و با غرور به فرزندش بگوید:
"در اینجا پدران ما زندگی و کار می‌کردند و
اکنون نوبت ماست که میهن دمکراتیک و آزاد
خود را بازسازی کنیم."

بسیاری در صفوف این "ارتش" به پیکار علیه
سلطه‌گران مشغولند. "ارتش جمهوریخواه
ایرلند" که برای وحدت دو ایرلند مبارزه می‌کند
توانسته است در میان اتحادیه‌های کارگری،
کشاورزان، دانش‌آموزان، سازمان‌های دمکراتیک
و... پایه‌های نسبتاً محکمی بوجود آورد.
حزب سین فین که رابطه تنگاتنگی با "ارتش
جمهوریخواه ایرلند" دارد را می‌توان شاخه
سیاسی و علنی ارتش جمهوریخواه ایرلند به
حساب آورد.

یکی دیگر از جریانات سیاسی ایرلند حزب
کمونیست متحده ایرلند می‌باشد. این حزب در
سال ۱۹۷۰ از اتحاد حزب کارگر ایرلند و حزب
کمونیست ایرلند شمالی بوجود آمد.
طبقه کارگر ایرلند نقشی اساسی در پیشبرد
مبارزه چه در جنوب و چه در شمال کشور دارد.
یکی از دستاوردهای مهم برای نیروهای دمکراتیک
پیدایش "کنگره اتحادیه‌های کارگری ایرلند"
بود که از وحدت اتحادیه‌های کارگری ایرلند
بوجود آمد. این اتحادیه‌ها بیش از ۶۰۰ هزار
عضو دارد.

حماسه بابی‌ساندز و گسترش مبارزه مردم

در انگلستان به موجب قوانین دست‌پخت
امپریالیسم مبارزان ایرلندی که به زندان
می‌افتند زندانی سیاسی محسوب نشده و آن‌گونه
که خانم "تاچر" این رجاله پیر امپریالیسم
محتضر انگلیس توصیف می‌کند "جنایتکار"
به حساب می‌آیند. در ایرلند پلیس می‌تواند
بدون هیچ‌گونه مجوزی هر فردی را دستگیر و
بازداشت نماید. این قوانین به پلیس اجازه
می‌دهد خانه‌ها را مورد تفتیش قرار دهد،
به مراکز تجمع حمله کند و شهروندان ایرلند را
تبعید نماید.

در بازداشتگاه‌های قرون وسطایی مانند
"لانگکش" مبارزان ایرلندی به عنوان
جنایتکاران تحت شکنجه‌های شدید قرار می‌گیرند
مبارزان ایرلندی به خاطر احقاق حقوق طبیعی
خود و برای آنکه صدای حق‌طلبانه خود را به
گوش جهانیان برسانند تاکنون بارها و بارها
دست به اعتصاب غذاهای طولانی زده‌اند در
حقیقت اعتصاب غذا در ایرلند سنت دیرینه‌ای
دارد.

بابی‌ساندز که با مرگ افتخارآمیز خود بانگ
سراسر رنج و درد صدها هزار ایرلندی را فریاد
کرد، نخستین زندانی سیاسی نبود که به واسطه
اعتصاب غذا جان داد. پیش از او دوازده
تن دیگر این چنین در راه آزادی ایرلند جان
باخته بودند. و مسلم اینکه بابی‌ساندز آخرین
آنها نیز نمی‌باشد. هم اکنون بیش از ۴۰۰ تن
از یاران بابی‌ساندز به دنبال شهادت وی دست
به اعتصاب غذا زده‌اند در پی مرگ بابی‌ساندز
ایرلند کشوری اروپائی که در آن بیش از هر نقطه
دیگر این قاره سالیانه تظاهرات و اعتصابات
صورت می‌گیرد چون موجی خروشان مصمم‌تر از
هر زمان میثاق وحدت و مبارزه بست و عزم
جزم نمود تا پیکار بی‌امان خویش علیه
امپریالیسم را پیگیرتر از هر زمان ادامه دهد.
تمامی بشریت مترقی جهان، دولت جنایتکار
گلستان را مسئول مرگ بابی‌ساندز اعلام کرد و
حمایت خود را از مبارزات مردم ایرلند اعلام
داشت.

نام بابی‌ساندز مبارز ایرلندی به عنوان یک
سمبل مبارزات خلقها علیه امپریالیسم جهانی
جاودان خواهد ماند. مردم ایرلند پیروز
خواهند شد. این منطق تاریخ است.

بقیه از صفحه ۱۰

خلق ایرلند...

پیکار مردم ایرلند در دهه گذشته

در سال ۱۹۶۹ سربازان انگلیسی که هم‌اینک
تعداد آنان به بیش از ۳۰ هزار تن می‌رسد وارد
ایرلند شمالی شدند. با ورود مزدوران انگلیسی
به ایرلند نفرت مردم الستر از امپریالیسم
بریتانیا ده‌چندان شد. علیرغم حضور نظامیان
انگلیسی مبارزه مردم هیچگاه خاموش نشد. در
روز یکشنبه ۳۰ رانویه ۱۹۷۲ قوای سرکوبگر
بریتانیا بر روی مردمی که مبادرت به برگزاری
میتینگ آرامی نموده بودند آتش گشودند و بیش
از ۶۰ نفر از آنان را در لندن دری و محلات دیگر
در خون غوطه‌ور ساختند. در طی ۱۰ سال
اخیر هزاران نفر از مردم ایرلند در صحنه‌های
کارزار استقلال و آزادی جان خود را از دست
داده‌اند.

امپریالیسم کهنه‌کار انگلیس با استفاده از
شگرد دیرینه خود در ایرلند محربه تفرقه و ایجاد
اختلافات مذهبی تاکنون بیشترین بهره را جسته
است. امپریالیسم انگلیس با حمایت کلیساهای
مرتجع ایرلند مبارزه آزادیخواهانه مردم ایرلند
را جنگ مذهبی وانمود می‌سازد. دولت بریتانیا
با دادن امتیازاتی به اکثریت پروتستان کشور و
ایجاد تمایز میان حقوق کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها
توانسته این تفرقه را همچنان پابرجا نگهدارد.
در سال ۱۹۷۳ انگلستان با نمایش مضحکی به نام
همه‌پرسی در مورد سرنوشت مردم ایرلند شمالی
ترتیب داد همانگونه که پیش‌بینی می‌شد نتیجه
آرا به نفع پروتستان‌هایی که طرفدار انگلیس
بودند، شد. در این انتخابات هر فرد
پروتستان می‌توانست یک رای به صندوق آراء
بریزد لیکن هر خانواده کاتولیک فقط حق یک
رای را داشت!!

به هر روز، هرچند ممکن است تاریخ مبارزه
طبقاتی مردم ایرلند آمیخته به درگیری‌های
مذهبی به نظر برسد لیکن مبارزه در ایرلند
نبرد متخاصمی است که یک سوی آن امپریالیسم
انگلستان قرار گرفته است و در سوی دیگر مردم
استقلال‌طلب ایرلند.

سازمان‌های سیاسی ایرلند

امروزه مبارزه مردم ایرلند با ایجاد جمهوری
گره خورده است.

از این روی جمهوری‌خواه عامل مهمی
در پیوند اکثریت طبقات ایرلند می‌باشد. از سوی
دیگر ایجاد جمهوری به پایان پیروزمند آن تلاشی
منجر می‌شود که انقلاب بورژوازمکراتیک ناتمام
دهه ۲۰ ایرلند نتوانست به سرانجامش رساند.
در ایرلند نیروهای ترقیخواه تحت شعار ایجاد
جمهوری فعالیت می‌نمایند. در عین حال برخی
سازمان‌های ارتجاعی مدافع امپریالیسم نیز
وجود دارند که ظاهراً خود را طرفدار جمهوری
می‌نامند. یکی از نیروهای سیاسی عمده در
ایرلند شمالی که به خاطر استقلال، آزادی و ایجاد
جمهوری نبردمی‌کند "ارتش جمهوریخواه
ایرلند" می‌باشد. این جریان بطور عمده
خرده‌بورژوازی و بخشی از بورژوازی استقلال‌طلب
ایرلند را نمایندگی می‌کند، هرچند که کارگران

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

خوانین کاری جزء توطئه ندارند

● - شاخه سازمان در فارس ، بوشهر ، کهکیلویه و بویراحمد اعلامیه‌ای تحت عنوان " با سرکوب توطئه‌های فتوادل‌ها و خوانین، انقلاب را تعمیق بخشیم ! " منتشر کرده‌اند که در قسمتی از آن چنین آمده است :

" ... آنچه که هم اینک در منطقه تامرادی کهکیلویه و بویراحمد به عنوان نمونه‌ای از صدها مورد دیگر در کشورمان می‌گذرد ، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه اجرای سیاست‌های گذشته ، مماشات نسبت به ضدانقلاب آنان را جری‌تر نموده و به تقابل مسلحانه با انقلاب می‌کشاند . عفو عناصر موثر در کودتای نوژه نظیر امیر هوشنگ بهادر به آنان این‌امکان را می‌دهد که به منطقه بازگردند و با تجربه بیشتری به اقدامات خود علیه انقلاب ادامه دهند . عدم اجرای بند " ج " و " د " طرح اصلاحات ارضی و غصب زمین‌های دهقانان توسط فتوادل‌ها ، نشان می‌دهد که چگونه زمینه‌های غارت روستائیان و تشنج و درگیری در روستاها کماکان باقی می‌ماند و ضدانقلاب بیشترین بهره را از آن می‌برد ... "

ایجاد مراکز درمانی در مجتمع‌های کارگری ضروری است

● - کارگران پیشرو ذغال سنگ البرز شرقی اعلامیه‌ای منتشر کرده و در قسمتی از آن چنین نوشته‌اند :

" ... از مهرماه گذشته تا کنون ده نفر از کارگران شرکت در حوادث مختلف جان خود را از دست داده‌اند . تنها ۵ کارگر جان خود را در حوادث تونل از دست داده‌اند . " یعقوب شیری " آخرین قربانی این حوادث بود . به راستی چه کسانی مسئول مرگ آنها هستند کارگران معدن با وثیقه قرار دادن زندگی خود در دل کوه و اعماق زمین می‌کوشند چرخ کارخانه‌های کشور را به گردش درآورند و توطئه‌های سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم راخنشی کنند مسئولین شرکت می‌بایست نسبت به تامین لوازم و امکاناتی که برای پیشگیری از حوادث و بیماری‌های ناشی از کار ضروری است ، هرچه سریعتر اقدام کنند و گروه‌های آزموده را جهت ایمنی و نجات در مجتمع‌های کاری مستقر کنند "

● - "وجیهاله نام‌آور " کارگر مبارز کارخانه ریخته‌گری نیز به علت ترکیدن کیسول‌بخار دچار سوختگی شد و به خاطر نبودن امکانات درمانی پس از سه روز درگذشت . هواداران سازمان در فیروزکوه به همین مناسبت اعلامیه‌ای منتشر کرده که در آن روابط ظالمانه سرمایه‌داری و نبودن امکانات لازم را که عامل مرگ فجیع این کارگر و وقایع این چنینی دیگر است ، محکوم نموده‌اند .

گرامی باد یاد شهدای جنگ

● - در پی حملات اخیر شبانه مزدوران عراقی به شهر دزفول که منجر به شهادت عده‌ای از مردم بی‌پناه و بی‌دفاع این شهر گردید ، هواداران سازمان در شهر دزفول با انتشار اعلامیه‌ای ضمن تجلیل از خاطره این شهدا متذکر شده‌اند که :

" ... ما یک بار دیگر به مسئولین نهادهای انقلابی هشدار می‌دهیم که با اسکان مردم بی‌دفاع در اردوگاه‌های خارج از شهر و سازماندهی نیروهای رزمنده در داخل شهر از شهادت مردم بی‌دفاع جلوگیری کرده و توان انقلابی مردم را در خدمت به جبهه و پشت جبهه افزایش دهند "

در سندیکاها و شوراهای کارگری متشکل شویم

● - کارگران هوادار سازمان در قزوین به مناسبت اول ماه مه تراکتی منتشر کردند . در این تراکت آمده است :

" با متشکل شدن در سندیکاها و شوراهای کارگری از حقوق صنفی - سیاسی خود پاسداری کنیم و نقش اساسی خود را در مبارزه ضد امپریالیستی ایفاء نمائیم . جمهوری اسلامی باید حقوق سندیکائی کارگران را در قانون کار به رسمیت بشناسد "

سخنگوی دولت گفته است که ما بر اساس سیاست نه شرقی ، نه غربی با طرف‌های سوم معامله می‌کنیم . ما می‌پرسیم :

آقای بهزاد نبوی !

قاچاقچیان بین‌المللی غربی اند یا شرقی ؟

بهزاد نبوی سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی خود می‌گوید :

" ما که نمی‌خواهیم از دولت‌های آمریکا و روسیه اسلحه‌بخریم ، مجبوریم با شرکت‌ها و بازارهای جهانی رابطه برقرار سازیم . مثلاً تاجری از سوئیس اطلاع می‌دهد که علاقمند به انقلاب اسلامی است و می‌گوید این امکانات را می‌تواند پرایمان فراهم سازد و ما هم می‌رویم دنبالش ."

(انقلاب اسلامی - ۸ اردیبهشت)

آقای بهزاد نبوی !

تاجری که شما از وی صحبت می‌کنید ، "غربی" است . او یکی از سرمایه‌داران سوئیس است و سرمایه‌داران (چه سرمایه‌داران وابسته ایرانی و چه سرمایه‌داران آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی) دشمنان مردم ما و دشمنان انقلاب ما هستند ، نه علاقمند به انقلاب ما .

سیاستی که صف دوستان و دشمنان انقلاب را با هم مخدوش می‌کند ، سیاستی به زیان انقلاب است . دولت بجای آنکه به دنبال سرمایه‌داران و قاچاقچیان بین‌المللی بیفتد ، باید با تشخیص دوستان انقلاب ایران در عرصه جهانی (یعنی کشورهای سوسیالیستی و دیگر دول ترقیخواه جهان) و گسترش روابط اقتصادی با آنها ، انقلاب را تحکیم بخشد .

از میان نامه‌ها حرف‌های زحمتکشان

نامه يك زحمتکش روستائی كوند :

۸۰۰ هکتار زمین مصادره شده را کشت می‌کنیم

روزنامه محترم کار ،
ضم دروهای فراوان از شما فرزندان زحمتکشان بخاطر پشتیبانی همیشگی شما از کشاورزان تشکر می‌کنیم . ما این را بارها دیده‌ایم که شما فدائیان خلق (اکثریت) برای دفاع از زحمتکشان جان خود را فدا کرده‌اید . نمونه‌اش را در زمان انقلاب در مقابله با رژیم امریکائی شاه حلالد و هم بعد از انقلاب در سنگرهای نبرد علیه رژیم متجاوز صدام مشاهده کرده‌ایم .

ما این را می‌دانیم . که جنگ تحمیلی ایران و عراق در حقیقت یکی دیگر از توطئه‌های امریکا علیه انقلاب ایران است . امریکای جهانخوار که طرفدار و پشتیبان فتوادل‌ها و مالکیان و سرمایه‌داران بزرگ است .

ما مردم این روستا ، سالها برای مالکان که مورد حمایت رژیم وابسته به امریکا بود ، بیگاری می‌کردیم اما پس از انقلاب فهمیدیم که دیگر ستاره مالکین زورگو به آب افتاده و دیگر هیچ غلطي نمی‌توانند بکنند . این بود که به کمک نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، هیئت واگذاری زمین ، دادگاه انقلاب و مخصوصا پاسدار شهید "جمال کاوند" که بعداً توسط عوامل مزدور پالیزبان و بختیار شهید شد ، اقدام به پس گرفتن زمین‌هایمان از مالک خونخوار روستا به نام "کلبعلی خان حریریان" کردیم و اکنون دومین سالی است که ۸۰۰ هکتار زمین مصادره شده را کشت می‌کنیم .

متأسفانه در مقابل کارهای انقلابی نهادهای فوق ، دست‌هایی در کار است که می‌خواهند جلوی انقلاب را بگیرند . آنها با نفوذ خود در پست‌های دولتی مانع از اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی شده و باعث شده‌اند که مالکین دوباره علیه ما نیرو بگیرند .

همین چند روز پیش بود که با نماینده هیئت واگذاری زمین برای مترکدن زمین به داخل اراضی رفته بودیم که یکی از نوه‌های مالک به نام "صفر حریریان" که پاسبان شهربانی کرمانشاه است ، با کلت به ما حمله کرد و ما هم او را گرفتیم و حسابی کتکش زدیم .

دوستان عزیز ، ما ضمن پشتیبانی از شما و خط امام و همه نهادهای انقلابی و همه نیروهای مبارز خواستار آن هستیم که بند "ج" اصلاحات ارضی هرچه زودتر توسط دولت اجرا شود تا دست این مالکان از خدا بی‌خبر از سر ما کوتاه شود .

سال گذشته به دستور مالکین ۶۰۰ راس بز را عوامل مزدور بختیار - پالیزبان به عارت بردند و به دنبال آن ۱۹ نفر از پاسداران و ۴ نفر از مردم زحمتکش روستا توسط مهاجمین به شهادت رسیدند . ما از مقامات دولتی خواهان پیگیری و مجازات مالکین که عاملین این جنایات هستند می‌باشیم .

با دروهای فراوان به فدائیان خلق (اکثریت)

درد بر امام خمینی
مرگ بر امریکا و صدام یزید

اخبار شهرستان ها

معلمی که در اسارت دشمن است پاکسازی شد!!

خوزستان - یکی از معلمان انقلابی ایده (که از هواداران سازمان ما است) و هم اکنون در اسارت نیروهای مزدور عراقی است ، از طرف اداره آموزش و پرورش پاکسازی شد . ! به جز او ۲۳ نفر دیگر از معلمان نیز به اتهام هواداری از نیروهای سیاسی اخراج شده‌اند . در میان این گروه بیش از ۱۰ معلم مبارز وجود دارد که در زمان رژیم گذشته تبعید شده بودند و همواره در معرض پیگرد ساواک قرار داشتند . آموزش و پرورش آبادان نیز اخیرا بخشنامه‌ای با شماره ۸۴۶ صادر کرده که طی آن از مسئولان خواسته است اسامی دانش‌آموزان عضو انجمن اسلامی را اعلام کنند . هدف از این کار شناسایی دانش‌آموزان و تفتیش عقائد آنهاست . قبلا نیز گروهی از معلمان انقلابی از همین طریق شناسایی و اخراج شدند . این اعمال تنگ‌نظرانه و غیرقانونی که تاکنون اثرات مخربی داشته است ، در نهایت خدمت به دشمن و ضدانقلاب است .

دادگاه انقلاب آباده حافظ منافع کیست !

آباده - دادگاه انقلاب اسلامی آباده اخیرا حکم آزادی "حبیب‌خان معتضدی" مالک دهات اطراف "بوانات" را صادر کرد و اموال و زمین‌های مصادره شده‌اش را به وی بازگرداند ! این دادگاه که ریاست آن با "محمودی گلپایگانی" است چندی پیش نیز جانب "امید سالار" یکی دیگر از خوانین منطقه را گرفت و اجازه نداد بنیاد مستضعفین اموال مصادره شده او را در اختیار بگیرد . احکام صادره از طرف این دادگاه خشم و نفرت روستائیان و سایر زحمتکشان منطقه را برانگیخته است . به دنبال آزادی حبیب‌خان معتضدی که سوابق زیادی در قتل و غارت روستائیان دارد ، زحمتکشان منطقه "بوانات" و فنقری "تظاهراتی برگزار کردند و با شعارهای "حبیب‌خان مرگت باد ، محمودی نکت باد" ، "خوانین منطقه اعدام باید کردند" خواهان برکناری حاکم شرع دادگاه شدند .

لازم به یادآوری است که حبیب‌خان معتضدی که موجب آواره شدن دهها خانواده روستایی شده و با افراد سیاه و جهاد سازندگی نیز درگیری مسلحانه داشته حدود شش ماه پیش دستگیر و برای محاکمه به اصفهان فرستاده شد . آزادی ناگهانی این "خان" جنایتکار و حمایت ضمنی دادگاه انقلاب آباده از خوانین و بزرگمالکان با توجه به حساسیت منطقه بگران کننده است . مردم آباده و روستائیان اطراف خواهان برکناری و رسیدگی به اعمال "محمودی گلپایگانی" حاکم شرع و تشکیل دادگاهی منطبق بر مصالح انقلاب و منافع زحمتکشان هستند .

اجتماع پرشور کارگران و هواداران سازمان در استادایوم تختی شیراز



به دعوت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شاخه فارس ، بوشهر ، کهگیلویه و بویراحمد بعد از ظهر جمعه ۱۱ اردیبهشت ، مراسم پرشکوه روز کارگر در استادایوم تختی شیراز برگزار شد . با وجود ریزش باران ، هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز شیراز در این مراسم شرکت کردند . شاخه فارس ، بوشهر ، کهگیلویه و بویراحمد در پیام کوتاهی این روز بزرگ را به کارگران و زحمتکشان و هواداران سازمان تبریک گفت و به احترام شهدای جنگ اعلام یک دقیقه سکوت کرد . سپس پیام کمیته مرکزی سازمان و اعلامیه اصلاح نام سازمان قرائت شد که با استقبال پرشور شرکت‌کنندگان روبرو گشت . آنگاه سرودی با مطلع "روز کارگر بود خجسته ، برتو کارگر - زنجیر ستم آگسسته ، زتو کارگر" توسط گروهی از رفقا اجرا شد و پیام کارگران پالایشگاه شیراز ، دانش‌آموزان پیشگام و سایر پیام‌های رسیده قرائت گردید .

برگزاری مراسم اول ماه مه در اصفهان شیراز - قزوین



به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه - عید بزرگ کارگران ، تظاهرات و راهپیمایی‌های پرشکوهی در شهرهای مختلف ایران برگزار شد . در اصفهان کارگران مبارز دوباره در صفوف متشکل و هم پیوسته در حالی که شعار "مرگ بر آمریکا" می‌دادند ، این روز بزرگ را جشن گرفتند . در شیراز ، به دعوت "سناد برگزاری مراسم روز کارگر" هزاران کارگر به همراه اعضای کانون‌ها و نهادهای انقلابی از میدان شهدا تا باغ ارم راهپیمایی کردند . در این مراسم گروهی از کارگران کارخانجات با لباس‌های کارشان شرکت داشتند و غده‌ای نیز مسلحانه رژه رفتند ، و آمادگی رزمی خود را برای مبارزه با امپریالیسم

آمریکا و رژیم متجاوز صدام به نمایش گذاشتند . کارگران کارخانجات آلومین ، ایران دوچرخ ری - او - واک ، ریسندگی لانا ، نیتینگ آذربایجان ، فرنخ و بسیاری دیگر از کارخانجات شهر صنعتی البرز (قزوین) نیز مراسم روز کارگر را با شور انقلابی برگزار کردند . در این مراسم کارگران خواستار ملی شدن بازرگانی خارجی ، اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی و لغو قانون کنونی کار و تدوین قانون کار انقلابی شدند . همچنین کارگران کارخانجات کلاچ ، بوش ، کمپرسور ، آرمه و ... با برپایی نمایشگاه‌های ضدامپریالیستی در محل کارخانه به استقبال روز جهانی کارگر رفتند .

* - نمایشنامه "بهاران خجسته‌باد" توسط گروه پیشگام ساری به اجرا درآمد . این نمایش در روستاهای "ماچک پشت" ، "گونت" ، "زیت علیا" و "توکه محله ساری" به نمایش گذاشته شد و مورد استقبال زحمتکشان روستایی قرار گرفت .



* - هواداران سازمان در روستای "سرخنکلاته" از توابع گرگان نمایشگاهی با عنوان "اجرای بند "ج" خواست زحمتکشان است" برپا کردند این نمایشگاه با استقبال اهالی محل روبرو شد .



اخبار کوتاه

* - جهاد سازندگی هندیجان (خوزستان) با توزیع روغن موتور و مواد سوختی میان کشاورزان یکی از مشکلات زحمتکشان این منطقه را برطرف کرد . روستائیان از این اقدام سازنده و به موقع جهاد سازندگی هندیجان تمجید به عمل آوردند .

* - اتحادیه انجمن‌های اسلامی کرمانشاه با انتشار بیانیه‌ای گروه ضدانقلابی "شیت" را افشا کرده و از کوتاهی مسئولان به ویژه امام جمعه کرمانشاه در مبارزه قاطع با این عناصر ضدانقلابی انتقاد نمودند .

* - رئیس آموزش و پرورش تاکستان قزوین دو کارمند مبارز این اداره را بدون هیچ دلیلی اخراج کرده است . این دو نفر قبلا معلم روستا بودند و خدمات ارزنده‌ای در روستاهای محروم منطقه انجام دادند .

آنتی کمونیسم

سلاح امپریالیسم علیه زحمتکشان

در طول تاریخ، سرکوب طبقات ستمدیده پیوسته از دو طریق عملی شده است: از یک سو به وسیله "دسته‌های خاص افراد مسلح" و تمامی ضمائمش، زندان‌ها و نهادهای قهریه و از سوی دیگر از طریق عملکرد آن نیروی که مارکس بحق آن را "نیروی معنوی سرکوب مردم" می‌نامد.

از آن زمان که کارل مارکس آموزش‌های دوران‌ساز و تاریخی خود را در مورد قانونمندی شدید تضادهای سیستم سرمایه‌داری، رشد مبارزه طبقاتی، سرنگونی انقلابی سرمایه‌داری و... و نقش عظیم طبقه کارگر در این دگرگونی بنیادی و انقلابی اعلام داشت، نزدیک به یک قرن و نیم می‌گذرد. بیش از یکصدسال پیش کمونیسم در ژرفای جهان سرمایه‌زاده شد و دیری نپایید که چونان "شبحی" خواب را حت را از چشم‌های آزمند و دغلاکار سرمایه‌داری ربود. با پیدایش کمونیسم در تلاطم خونین پیکارهای طبقاتی و تاریخ‌ساز جامعه سرمایه‌داری و به‌ویژه با پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی جهان، "آنتی کمونیسم" بمثابة واکنش لجام گسیخته نیروی جهانی سرمایه برابر نیروی دوران‌ساز سوسیالیسم و ایدئولوژی شکست‌ناپذیر آن پدیدار گشت. از آن پس مبارزه ایدئولوژیک میان بورژوازی و مارکسیسم بمثابة یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های مبارزه طبقاتی لحظه‌ای قطع نشده است. پابپای رشد و گسترش مارکسیسم و پیروزی‌های عظیم نیروی کار و سوسیالیسم که در زیر شمشیر خون‌چکان سرمایه عملی گردید، بورژوازی نیز که با شم طبقاتی خود خطر فزاینده این ایدئولوژی متحول و انقلابی را دریافته بود، هر لحظه بر دامنه ستیز تبلیغاتی - ایدئولوژیک خود علیه ایدئولوژی شکست‌ناپذیر و درخشان کمونیسم افزود، اشکال جدیدی از مبارزه علیه آن اختراع کرد و بدین‌گونه بود که "آنتی کمونیسم" نیز هر دم گسترش، دامنه و پیچیدگی بیشتری یافت و همچنان می‌یابد.

اکنون مارکسیسم ستیزی و پیکار ایدئولوژیک - تبلیغاتی علیه سه نیروی جهانی انقلاب، اردوگاه سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و جنبش‌های رهایی‌بخش، بخش مهمی از پیکار طبقاتی امپریالیسم جهانی را علیه نیروهای بالنده تاریخ تشکیل می‌دهد. این پیکار تاریخی که در پی اهداف معین صورت می‌گیرد، با بهره‌گیری از تمامی امکانات مالی و فنی و مدرن‌ترین وسائل ارتباط جمعی در کنار سرکوب خشن پلیسی و تجاوزات نظامی، بی‌وقفه و پیگیر ادامه دارد. هدف چنین مبارزه‌ای که وسیعاً از دانش روانشناسی معاصر سود می‌جوید، یقیناً نفوذ در مغز انسان‌ها، فریب توده‌ها و منحرف کردن افکار عمومی است. بر این اساس، کمونیست‌ها می‌بایستی از هیچ تلاشی برای افشای ایدئولوژی منحط و فاسد بورژوازی و برای تقابل با این سموم ایدئولوژیک و زدودن اندیشه‌های بورژوازی از شعور توده‌ها و به‌ویژه پرولتاریا باز نایستند. زیرا به همان‌گونه که لنین می‌گوید: "مبارزه با ارتجاع بیش از هر چیز به معنی گسست پیوند توده‌ها از ارتجاع است." (۱) شناخت "آنتی کمونیسم" ریشه‌های تاریخی، مضمون، اشکال، ابزار و اهداف آن و ضرورت و شیوه‌های تقابل با آن که موضوع مقاله حاضر است، در خدمت چنین هدفی است.

(۱) مجموعه کامل آثار، جلد ۱۴ ص ۱۹۳

ریشه‌های تاریخی آنتی کمونیسم

عملکرد تاریخی نیروی معنوی سرکوب

اسپارتاکوس و یارانش را بر آن آویختند و نه بر چوبه‌های داری که تزار روسیه یازده‌هزار تن از هواداران استپان‌رازین را بر آن حلق‌آویز کرد و نه در کشتارهای سفاکانه انقلابیون کمونیست به دست محمدرضاپهلوی و همکاران دژخیمش. سرکوب توده‌ها نه در تفتیش عقاید وحشی غرب قرون وسطی که در شعله‌های سوزان آتش جوردانوبرونوها خاکستر شدند و نه در خودکامگی شرق باستان و استبداد بی‌رحم و خونین شاهان ایران که مزدک‌ها و بابک‌ها و ده‌ها هزار "خرم دین" را از دم تیغ گذراندند خلاصه نمی‌شود. سیمای مشخصه این سرکوب را حتی تنها در وحشی‌گری فاشیسم بطورکلی و نژادپرستی معاصر نمی‌توان جست. این تنها یک سوی چهره سرکوبگر و ضدانسانی طبقات ستمگر در طول تاریخ بوده است. سوی دیگر این اهریمن سرکوب یقیناً سرکوب اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلابی، پیشبرد مبارزه‌ای به مراتب ددمنشانه‌تر در عرصه سیاسی - ایدئولوژیک، مسح ایده‌های انقلابی، گسترش دروغ‌ها، تهمت‌ها و بهتان‌ها و مسموم‌ترین اندیشه‌ها در میان توده‌های مردم

از زمان پیدایش جامعه طبقاتی تاکنون، سراسر تاریخ جوامع بشری آکنده از تاریخ مبارزه طبقاتی است. مبارزه‌ای که به اشکال و شیوه‌های گوناگون، گاه پنهان و گاه آشکار، خونین و مسالمت‌آمیز ولی بلاانقطاع به‌پیش می‌رود. با پیدایش جامعه طبقاتی دولت تیز بمثابة "محصول و تجلی آنتی‌ناپذیری تضادهای طبقاتی" و به عنوان: ارگان سیادت طبقاتی، ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر ظاهر می‌گردد. این ارگان "با دسته‌های خاص افراد مسلح و تمامی ضمائمش زندان‌ها و انواع مؤسسات قهریه" سرکوب مستم توده‌های ستمدیده جامعه را سازمان می‌دهد. ولی این اشتباه است اگر تصور کنیم که طبقات ستمگر جامعه تنها با توسل به قوه قهریه، سرکوب طبقات ستمدیده جامعه را انجام داده‌اند. سرکوب جنبش‌های انقلابی و رهبران سیاسی نهضت‌های توده‌ای تنها در کشتارهای دسته‌جمعی، حبس، تبعید، سرکوب‌های خونین تیرباران و شکنجه خلاصه نمی‌شود. به انقیاد کشادن و سرکوب توده‌ها نه در ردیف بی‌انتهای صلیب‌هایی خلاصه می‌شود که از "کابوا" تا "رم"،

بوده و هست. این سوی چهره اهریمن سرکوب که همیشه از شبکه وسیعی از روابط، مؤسسات و نهادها و ابزار ویژه برخوردار بوده است، در آن نیروی عظیم و مخربی، تجلی می‌یابد که مارکس بحق آن را "نیروی معنوی سرکوب مردم" می‌نامد.

در این عرصه از پیکار طبقاتی، طبقات ستمگر در تمامی طول تاریخ از یکسو وسیعاً به تبلیغ اندیشه‌ها و فرهنگ خاص خود که در خدمت استیلای طبقاتی و ستمگری آنان بود، می‌پرداختند و از سوی دیگر پیکار همه‌جانبه‌ای را برای تضعیف و نابودی اندیشه‌ها و ایده‌های انقلابی و دگرگونه جلوه‌دادن آرمان‌ها و شخصیت‌های انقلابی به پیش می‌بردند. لنین در اثر سترگ خود "دولت و انقلاب" با تیزبینی این شیوه‌های خاص سرکوب را مورد توجه قرار می‌دهد:

"طبقات ستمگر، انقلابیون بزرگ را در زمان حیاتشان همواره در معرض پیگرد قرار می‌دادند و آموزش آنها را با خشمی سبعانه کینه‌ای بس دیوانه‌وار و سیلی از اکاذیب و افتراات کاملاً گستاخانه استقبال می‌نمودند. پس از مرگ آنها گوشه‌هایی به عمل می‌آید تا بت‌های بی‌زیانی از آنان بسازند و آنها را به اصطلاح تقدیس کنند، شهرت معینی برای نام آنها به منظور "تسلی" طبقات ستمکش و تحمیق آنان قائل شوند و در عین حال این آموزش انقلابی را از مضمون تهی سازند، برندگی انقلابی آن را زائل نمایند و خود آن را مبتذل سازند." *

این سوی چهره اهریمن سرکوب را که خطوط کلی عملکرد آن یعنی حمله دیوانه‌وار به آموزش‌ها و افراد انقلابی، رواج اکاذیب و افتراات، بت‌سازی‌های مصلحتی، تهی‌ساختن آموزش‌های انقلابی از مضمون واقعی، زائل نمودن برندگی این تئوری‌ها و... در این جمله لنین منعکس است، باید در لابلای صفحات تاریخ جست.

هیچ جنبش انقلابی و فرد انقلابی در طول تاریخ وجود نداشته است که از طرف طبقات حاکمه و نویسندگان، مبلغین، دیوانیان و روحانیون وابسته به آن مورد "خشمی بس سبعانه، کینه‌ای بس دیوانه‌وار و سیلی از اکاذیب و افتراات" قرار نگرفته باشد. طبقات ستمگر و وابستگان آنان پیوسته از این جنبش‌ها به موهن‌ترین شکل ممکن یاد کرده‌اند.

تئوگنیس شاعر هواخواه اشرافیت، توده‌های شورشی‌مکار (از شهرهای یونان) را

بقیه در صفحه ۱۵

* دولت و انقلاب، مجموعه آثار یک جلدی، ص ۵۱۸

بقیه از صفحه ۱۴

آنتی کمونیسم...

"فروماگان می‌نامد و رهنمود می‌دهد که " مردم تهی مغز را زیر پا لگدکوب کن، بگذار نیش درفش تو را احساس کنند، یوغی رنجبارتر بر دوش آنان بگذار" * * * اسپارتاکوس و دیگر رهبران شورش‌های برده‌داری نیز با کلمات مشابه مورد حمله قرار گرفته‌اند. پس از کشتن بیرحمانه و سفاکانانه مزدک و از بین بردن کتاب‌ها و رسالات مزدکی به منظور بدنام کردن وی تبلیغات گسترده و دامنه‌داری علیه وی صورت می‌گیرد. مزدک به وسیله حکمرانان ساسانی، مغان زردشتی و مبلغین درباری به شدت مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد. در زمان شکل‌گیری جنبش عظیم اسماعیلیان، خواجه نظام‌الملک نویسنده دربار سلجوقی که کینه‌های عمیق نسبت به زحمتکشان داشت از آنها به عنوان "سگان بد سگال" و "مرتدینی که فساد ملک می‌جویند" نام می‌برد. مورخین درباری عصر مغول نظیر رشیدالدین، ابن بطوطه، حمدالله مستوفی از جنبش‌ها و دستجات شورشی عصر مغول به عنوان "رنود و اوباش، دزدان و حرامیان" نام می‌برند. نرشخی و دیگر مورخین عصر هجوم عرب‌ها از جنبش‌های رهائی‌بخش آن عصر با کلمات مشابه یاد می‌کنند. بایک خرم‌دین و جنبش انقلابی سرخ‌جامگان شدیداً مورد تنفر و خشم طبقات

جاکمه قرار داشت نوعی که از هیچ‌گونه تبلیغ شیعی علیه آن و انتساب هرصفت زشتی علیه وی فروگذار نبودند. این مورخین، مادر بابک را یک روسپی کرپه‌المنظر و یک‌چشم توصیف می‌کردند. ناسح‌التواریخ از جنبش بابیه به عنوان "جماعت مرتد، مخرب دین" و... نام می‌برد. چنین شیوه برخوردی در مورد جنبش‌های معاصر ایران و پس از آن نیز به کار رفته است. در تاریخ قرون وسطی اروپا نیز می‌توان این شیوه برخورد را به وفور مشاهده کرد. روحانیون و فئودال‌های ژرمن در قرن پانزده "یان‌هوس" قهرمان ملی چک را "گمراه‌کننده مردم، مردمی که مصلحت آن است که جاهل باشند" می‌نامند و به "یان‌ژیژکا" کور هراس‌انگیز لقب دادند. در کنار این شیوه برخورد هیستریک معمولاً سبلی از افتراات و دروغ‌پردازی‌ها نیز علیه این جنبش‌های انقلابی رواج دارد. این انبوه اتهامات و تبلیغات نیز پیوسته به‌گونه‌ای سازمان یافته توسط صدها و هزاران مبلغ جیره‌خوار به میان مردم برده می‌شود تا بر بستر جهل و بی‌خبری توده‌ها ذهنیت آنان را به تقابل با خواست و منافع تاریخی‌شان بکشانند. انتساب جنبش‌های انقلابی به عقاید و یا افرادی که قبلاً از طریق همین سیستم تبلیغی به‌گونه‌ای دیگر، به شکلی مشخص شده، و غیرواقعی به‌توده‌ها شناسانده شده‌اند، بخش مهمی از این دروغ‌پردازی‌ها و تبلیغات شرم‌آور را شامل می‌گردد. در ایران با توجه به تبلیغات گسترده و تاریخی که از طرف شاهان ساسانی و دیگر سلسله‌های پادشاهی علیه جنبش مزدکیان عملی

گشته بود، پس از آن طبقات ستمگر سعی می‌کردند که جنبش‌های انقلابی را با انتساب به مزدک و یا مزدکی خواندن آنان تخطئه نمایند. شهرستانی در "ملل و نحل" و خواجه نظام‌الملک در "سیاست نامه" تقریباً همه شورش‌های پس از دوران مزدک را به نفوذ اندیشه‌های وی مربوط دانسته‌اند. شهرستانی فهرست طولی از فرق مختلف که به عقیده وی مزدکی بوده‌اند، ذکر می‌کند. حمدالله مستوفی قزوینی در نزهت‌القلوب می‌نویسد:

مردم آنجا مذهب بواطنه و داشته‌اند و جمعی را که مراغیان خوانند به مزدکی نسبت کنند. * * *

از آنجائی که الحاد مانوی و مزدکی گسترش فراوانی در ایران یافته و تاثیرات ژرف و دامنه‌داری در بسیاری از جنبش‌های ستم‌ستیز توده‌های محروم ایران نهاد، مورد تنفر و خشم نویسندگان درباری قرار گرفت نه تنها در هیچ اثر و کتاب رسمی از چهره‌واقعی و راستین و انقلابی مزدک سخنی درمیان نیست بلکه این انقلابی انسان دوست و هشیار به‌شکلی بسیار کرپه و زشت نیز تصویر گشته‌است. در سالهای قبل از جنبش مشروطه و پس از آن با توجه به چهره دگرگونه‌ای که از جنبش باب در اذهان توده‌ها ساخته شده بود، عمدتاً تخطئه و مبارزه با جنبش‌های انقلابی و عناصر مبارز از طریق بابی‌خواندن آنان پیش می‌رفت ادامه دارد

* * * تاریخ جهان باستان، جلد دوم شرق، ص ۵۸
* * * مناسبات ارضی در عهد مغول، پتروشفسکی، ص ۲۸۸

بقیه از صفحه ۵

اثرات جنگ...

در مزارع برنج، چغندر قند، پنبه و همچنین برای ضد عفونی کردن بذرهای اصلاح شده گندم از سم استفاده می‌شود. از آنجا که حداکثر میزان استفاده از سم در خردادماه و در سه ماهه تابستان انجام می‌شود لذا در ششماه دوم سال جاری نیازی به سم نخواهد بود. و چنانچه دولت با برنامه‌های به موقع سموم مورد نیاز کشاورزی را در این فرجه باقی مانده تهیه کند، بی‌تردید برای مصارف سال آتی مشکلی بوجود نخواهد آمد

بذر

معمولاً دولت هر ساله مقداری بذر اصلاح شده گندم و جو را در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد که تا چندین سال بعد از کاشت، می‌توان از آن استفاده نمود. بذرهای مورد استفاده در کشاورزی عبارتند از: بذر بومی. بذر اصلاح شده و بذر اصلاح‌شده‌ای که هر ساله تکثیر و توزیع شود. مضاف بر این، دولت برای تأمین بذر چغندر قند کشتکاران هر ساله ۴۰۰۰ تن بذر تولید در اختیار چغندرکاران قرار می‌داد. در سال جاری، بنگاه اصلاح و تهیه بذر نتوانسته است بذر چغندر قند را به میزان مصارف داخلی تولید کند و به ناچار در این بخش از تولیدات کشاورزی نیز محتاج کشورهای دیگر شده است. اما نظر به اینکه کشت چغندر قند در اکثر نقاط - به جز خوزستان - در بهار انجام می‌گیرد لذا هنوز برای تهیه بذر اصلاح شده فرصت کافی موجود است

نیروی انسانی

یکی از دلایل عمده افزایش هزینه

با این همه سیاست‌های نامشخص حاکمیت درباره مسئله اصلاحات ارضی و دهقانی به نوبه خود نیز باعث دلسردی دهقانان زحمتکش شده و علاوه بر مشکلات و تنگناهای ناشی از جنگ حضور زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و توطئه‌های گوناگون آنان و به عقب افتادن اجرای بند ج و د "اصلاحات ارضی در مجموع وضعیت بفرنجی را باعث گردیده است که جز با برخوردی انقلابی و همه‌جانبه با مسئله ارضی و دهقانی ایران و برنامه‌ریزی اساسی مبنی بر تجریبات انقلاب‌های خلق‌های سایر کشورها قابل حل نیست. دولت در کوتاه مدت و بطور عاجل باید با تشکیل تعاونی‌های توزیع، توزیع عادلانه سوخت، کود، بذر، تراکتور و سایر احتیاجات بخش کشاورزی را در اختیار این بخش قرار دهد. خسارات وارده به کشاورزان مناطق جنگی را که بر اثر ضایعات جنگ آسیب اساسی دیده‌اند در حد توان خود جبران نماید همچنین محصولات کشاورزی را در مقابل آسیب‌های ناشی از سیل، نگرگ، طوفان و غیره بیمه کند. و خرید محصولات کشاورزی زارعین در محل را در دستور کار خود قرار دهد.

محصولات کشاورزی افزایش دستمزد کارگران این بخش در سالهای اخیر بوده است. مهاجرت زحمتکشان روستائی در اثر سیاست‌های خانمان برانداز رژیم وابسته شاه مبنی بر پائین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی، پائین بودن سطح درآمد زحمتکشان، ناچیز بودن مقدار زمین و غیره باعث کمبود نیروی کار انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی گردید. دیگر آنکه استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی به نحوی که متناسب با مهاجرت نیروی کار بخش کشاورزی باشد، توسعه نیافته است. به عنوان مثال، سال گذشته، سطح زیرکشت گندم تا میزان زیادی افزایش یافته بود - علیرغم بسیج نیرو توسط جهاد - به علت کمبود کمباین تمامی محصول به موقع برداشت نشد (حدود ۳۰ درصد از محصولات سطح اضافه شده جدید، برداشت نشده باقی ماند).

تجاوزات رژیم صدام به ایران سبب اختلال در روند تولید محصولات کشاورزی گردیده است، این امر به خوبی خود را در کمبود سوخت مورد نیاز ماشین‌آلات کشاورزی برای عملیات زراعی، اختلال در تخلیه و حمل و نقل کودشیمیایی و کمبود سوخت دامداری‌ها و مرغداری‌ها نشان می‌دهد، عدم اتخاذ سیاستی اصولی در توزیع به موقع و به مقدار کافی سوخت توسط دولت و دخالت واسطه‌ها و افزایش مصنوعی قیمت سوخت به نوبه خود اثرات زیان‌باری را به همراه داشته است. همچنین از طرف دیگر عرضه تولیدات کشاورزی به بازار را با مشکلاتی همراه نمود و سبب گرانی قیمت‌ها و سودجویی تجار شده است. تولیدات مرغداری‌ها را با مشکلاتی مواجه کرده و باعث کمبود و گرانی مرغ گردیده. ضایعات فوق علاوه بر اینکه کشاورزان زحمتکش را در تنگنا قرار داده و وضع اقتصادی آنها را مختل نموده باعث افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و گرانی محصولات کشاورزی به دلیل بالا بودن هزینه‌های کشت و رساندن محصولات به بازار شده و اقشار دیگر زحمتکشان شهرنشین را نیز تحت فشار قرار داده است.

* - دولت احتیاجات سوختی بخش کشاورزی را پس از تأمین نیازمندی‌های ارتش در اولویت قرار داده و با این حال اگر این مقدار گازوئیل نیز به طور صحیحی در اختیار روستائیان زحمتکش میهن قرار داده می‌شد، مشکل چندانی از نظر کشت پائیزه پیش نمی‌آمد. ولی فقدان سیستم صحیح حمل و نقل و عدم استفاده اصولی از بخش‌های دولتی شده حمل و نقل و نبودن تعاونی‌های توزیع شهری و روستایی به مقدار کافی توزیع به هنگام و عادلانه سوخت بطور کامل صورت نگرفت. در این مورد که چه میزان سوخت و دقیقاً از چه طریقی در اختیار کشاورزان قرار داده شده اطلاع کافی در دست نیست

کدام "چشم انداز"؟

یکی از نتایج ارزنده میتینگ آزادی این بود که چهره لیبرال های مدعی آزادیخواهی را رسواتر ساخت

صدور اجازه قانونی وزارت کشور و برگزاری باشکوه میتینگ ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر در میدان آزادی، بورژوازی لیبرال، این مدعیان دروغی را آزادیخواهی را آشفته و پریشان کرد. این عوامفریبان که مدتهاست تحت عنوان دفاع از آزادی - و از جمله آزادی اجتماعات - به پرتاب سنگ و سنگرپزه به جلوی ارباب خروشان انقلاب مشغولند، پس از برگزاری میتینگ عظیم سازمان و به خون کشیده شدن آن، بی پرده تر از همیشه دست خود را رو کردند و نه تنها از حمله وحشیانه باندهای ضد انقلاب به میتینگ که بر بستر عملکرد عوامل قشری و مخالف با آزادی درون جمهوری صورت گرفت، بطور ضمنی پشتیبانی کردند بلکه با اصل صدور مجوز قانونی برگزاری میتینگ قانونی سازمان ما به مخالفت برخاستند.

آزادی عمل قانونی نیروهای ضدامپریالیست، طاهری بی- تفاوت به خود بگیرند. آزادی پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی - در چهارچوب قانون - در جامعه انقلابی ایران موی دماغ لیبرالها در اقدامات سازشکارانه شان خواهد شد.

ثانیا تبلیغات پر سر و صدای لیبرالها علیه چماقداری هرگاه که این شیوه ارتجاعی و ضدانقلابی علیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و بخصوص پیروان سوسیالیسم علمی به کار گرفته شود، به تأیید و قیحانه و یا سکوت رضایت - آمیز تبدیل می شود.

لیبرالها تا آنجا مدافع آزادی و آزادیخواهی اند که سرمایه داری محفوظ بماند و به هدفشان یعنی سازش گام به گام با امپریالیسم آسیبی نرسد. این برای لیبرالها یک اصل و قانون است و زمانی که آنها از لزوم وجود آزادیها در چهارچوب قانون سخن می گویند، منظورشان آزادی فعالیت در چهارچوب قانون! خودشان است. "آزادی" برای مسخ انقلاب و خزیدن گام به گام به سوی امپریالیسم چپاولگر، "آزادی" برای دربند کشیدن نیروهای انقلابی و از جمله پیروان سوسیالیسم علمی، این است چشم انداز مورد علاقه نویسندگان آزادیخواه! روزنامه انقلاب اسلامی.

اختیار یکی از اعضای کادر مرکزی چریکهای اکثریت قرار می دهند تا هرچه که دلش می خواهد بگوید!

توضیح زیادی پیرامون این سخنان که به پیروی از خط عمومی روزنامه انقلاب اسلامی و دیگر نشریات لیبرالی مدتهاست گوش خلق الله را از فریادهای آزادیخواهی! پر کرده است لازم نیست.

یکی از نتایج پرارزش میتینگ قانونی سازمان در اول ماه مه، این بود که چهره لیبرالهای مدعی آزادیخواهی و به اصطلاح مخالف چماقداری را رسواتر ساخت و آنها را وادار کرد در قبال آزادی فعالیت های قانونی احزاب و سازمان های انقلابی و ضدامپریالیست بی پرده و روشن مواضع خود را اعلام کنند. این آقایان با موضع گیری های اخیرشان بار دیگر نشان دادند که:

اولا نه تنها موافق آزادی بیان، قلم، تشکیل اجتماعات قانونی و ایجاد دفاتر برای نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست نیستند بلکه بنا به ماهیت سازشکار خود نمی توانند نسبت به

اختیار یک گروه مارکسیست قرار می دهد و... برگزاری این میتینگ سیاسی مغایر با مصالح کشور در زمان جنگ شناخته نمی شود.

همچنین ایشان در شگفتانند که چرا توسط مقامات مسئول، در میان آشوب طلبان که میتینگ "یک گروه غیر مسلمان را به هم می زنند"، از "عوامل و گروهکهای آمریکائی" اسم برده می شود.

سخنان و توضیحات رفیق فرخ نگهدار که قسمتی از آن از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، بیشتر از همه تعجب نویسنده آزادیخواه! ستون "چشم انداز" روزنامه انقلاب اسلامی را برانگیخته و ایشان را شگفت زده کرده که اولاً چرا اجازه داده شده تا رفیق فرخ نگهدار ب... برای توضیحاتی آن هم در "پربیننده ترین زمان" بر صحنه تلویزیون ظاهر شود و ثانیا گذاشته اند "هرچه که دلش می خواهد بگوید"!!

عین جملات نویسنده آزادیخواه! چنین است: "با حاتم بخشی فراوان وقت تلویزیون را در پر- بیننده ترین زمان آن در

آزادی برای نیروهای مردمی و مدافع انقلاب بلکه به خاطر بقدر کافی آزاد نبودن این آقایان برای مسخ و به سازش کشاندن انقلاب و جمهوری اسلامی با امپریالیسم چپاولگر بوده است.

البته برخورد شخصیتها و ارگان های لیبرالی نسبت به وقایع اول ماه مه یکسان نبود با تجربه ترها! در پرده حرف زدند و مخالفت با برگزاری میتینگ و تأیید چماقداران را در متن خبر! جا زدند و در مقابل یورش جنایتکارانه به میتینگ، حادثه ای که در سرتاسر ایران عکس العمل مردم ما را علیه مهاجمان برانگیخت، سکوت کردند.

اما جوان ترها، ناشی گری کردند و حرف دل خود و با تجربه ترها! را یکجا زدند. برخورد نویسنده ستون "چشم انداز" روزنامه انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت، از جمله برخورد نوع دوم یعنی ناشیانه است. نویسنده مورد نظر در تعجب است که وزارت کشور چگونه به یکباره این همه گشاده دست می شود که برای استادیوم امجدیه را برای برگزاری یک گردهمایی در

عکس العمل محافظان لیبرالی نسبت به برگزاری میتینگ قانونی میدان آزادی و در بهترین حالت سکوت تأیید آمیزشان نسبت به حمله وحشیانه به گردهمایی که باعث کشته شدن چند نفر و زخمی شدن صدها نفر از مردم گردید، بیش از پیش نشان داد که تمامی آن مرثیه هائی که لیبرالها در سوگ "آزادی" می خواندند و همه آن جار و جنجالها و آه و فغان های مضحکشان نه بخاطر نبود

ایران،

بر بستر حماسه گذر دارد

روز بزرگ کار
روز بزرگ وحدت و پیکار
روز سرود سبز شگفتن بود
انبوه عاشقان همیشه
میدان پرتراوت آزادی را
با لحظه های سرخ شگفتن
آذین بستند
تا روزهای روشن و بهتر را -
پربارتر کنند.

وقتی که میهنم
آواز فصل های شگفتن را می خواند
و با تمام وجودش
در وسعتی به گستره ایران
با انقلاب های جهان
پیوند عاشقانه ای می بندد
ما
انبوه عاشقان همیشه
در روز کارگر
زیباتر از گذشته فراز آمدیم

ما را سرود رود به اینجا کشاند بود
تا گیسوان ساده خونینم
یک سایه سار کوچک
در باغ پرشکوفه فردا، باشد.
وقتی رفیق "اکبر"
مردی که از تیار شهیدان است -
با انفجار کینه دشمن
یک پای خویش را
در راه انقلاب شکوفان خلق ما
از دست می دهد
من با تمام جانم، می دانم
قلب بزرگ و پرتپش "اکبر"
با جان عاشقان جهان اینک
پیوند استوارتری دارد
آری
تا جور و تاجنایت دشمن هست
میدان جشن ما
میدان کینه ورزی دشمن هم -
هست

و این شگفت نیست.
یاران من!
بر تارک بلند زمان بنویسید:
ایران
شعر بلند دوران
بر بستر حماسه گذر دارد

تا یتک کارگر
محکم تر از همیشه فرود آید
بر دشمنان خلق.
تا داس بزرگر
هر خار، از گرانه گل، برگیرد
و روزهای عشق مکرر کند.
این آرزوی ماست
این آرزوی روشن هر قلبی است
با رنج گار مردم، زحمتکش
پیوند استوارتری دارد
قلبی که با تمام وجودش می داند
آن سوی این گشاکش و طوفان
آسایش و نوازش هستی جاری است
و با تمام وجودش می خواند:
ما در مسیر حرکت دریائیم
در روز جشن اول ماه مه
وقتی که قلب سرخ رفیقانم
با ترکش جنایت دشمن
از اوج عاشقانه فرو افتاد
این نکته را دوباره به ما آموخت:
ما در مسیر حرکت دریائیم.
و قلب پاره پاره "میترا"
این نوگل شهید فدایی -
در نهمین بهار بلوغش
در خون نشست و گفت:

تنگ نظری برخی از مسئولین و تجربیکات عناصر هرج و مرج طلب مشکلات کارگران بندر امام خمینی را

تشدید می‌کند

شوراهای انقلابی صفوف خود را علیه هرگونه توطئه ضد کارگری متحد و یکپارچه کنند و اشکال اصولی مبارزه صنفی سیاسی را جایگزین اشکال هرج و مرج طلبانه نمایند .
ما ضمن هشدار به مقامات جمهوری اسلامی از آنان می‌خواهیم که برای تخفیف دامنه تشنج و پیشبرد یک راه حل منطقی ضروری است اولاً :

۱- کارگران دستگیر شده حوادث اخیر بندر امام خمینی را آزاد نموده و مسبیبن و محرکین تیراندازی به سوی مردم را تحت پیگرد قانونی قرار دهند .

۲- تا نیا - به خواست‌ها و مطالبات کارگران بندر از قبیل پرداخت دستمزدهای معوقه ، تامین لوازم ایمنی کار ، آب سرد و ... برخوردی جدی و مسئولانه نمایند . و موجبات کاهش شکاف میان کارگران و کمیته کارگری را فراهم آورد و ضمن محفوظ داشتن سابقه کار کارگران پیمانکاری سابق ، از استعداد و ابتکار کارگران برای اداره امور بندر بهره‌گیری نمایند .

*

ناشی از سیاست‌های تنگ - نظرانه و مخرب است نیروی زحمتکشان را از مسیر تولید و مبارزه اصولی منحرف نموده و آن را در جهتی منفی به انحراف و اتلاف می‌کشاند . اینگونه برخوردهای غیر - مسئولانه که شمره‌ای جز تضعیف انقلاب و تفرقه‌افکنی در صفوف خلق ندارد تاکنون ضرباتی جدی به انقلاب ایران وارد آورده است . از سوی دیگر کارگران مبارز بندر نیز که به جای توسل به اشکال اصولی و انقلابی مبارزه صنفی - سیاسی، تحت تاثیر تحریکات برخی سرپرست‌ها و همچنین گروه‌هایی نظیر پیکار قرار گرفته و به تشدید هرج و مرج (گروگان‌گیری و ...) دامن زده‌اند باید بکوشند که با انتخاب نمایندگان واقعی خود ، با تشکیل سندیکاها و

می‌گیرند . و علاوه بر آن عصر همان روز در حدود ۲۰۰ نفر که عموماً دانش‌آموز بودند دست به راهپیمایی در شهر می‌زنند . که متعاقب آن در مسجد " سریندر " شخصی از میکروفون مسجد شروع به فحاشی علیه کمونیست‌ها و کسانی که شهردار را به گروگان گرفته بودند کرده و مردم را تحریک به حمله به اعتصابیون می‌نماید . ولی مأمورین انتظامی مرکب از پاسدار ، تکاور و ژاندارم به خانه‌ای که شهردار در آن محبوس بود هجوم برده و او را آزادمی‌کنند . در جریان این درگیری گروهی نیز دستگیر می‌شوند .

حوادث ناگوار بندر امام خمینی بار دیگر نشان داد که بی‌توجهی نسبت به خواست‌های عاجل کارگران که

نشسته و دست به اعتصاب می‌زنند و به دنبال آن به تحریک برخی از سرپرست‌ها دست به راهپیمایی می‌زنند در این هنگام یک ماشین از افراد مسلح بسیج و کمیته خود را به محل راهپیمایی رسانده و پس از مشاجراتی چند، و برخوردهای تحریک - آمیز متقابل ، مبادرت به تیراندازی هوایی و بعد تیراندازی زمینی می‌نماید ، که در اثر آن ۵ تن از کارگران مجروح می‌شوند . این حرکت سرکوبگرانه و خونین افراد کمیته و بسیج موجب تشدید بیش از پیش جو تشنج و اعتراض می‌شود به نحوی که جمعیتی که مرکب از خانواده‌های کارگران و برخی جوانان دانش‌آموز بود به طرف شهرداری راهپیمایی نموده و داخل شهرداری شده و شهردار را به گروگان

در تاریخ هفتم اردیبهشت ۶۰ در حدود صد نفر از کارگران بندر امام خمینی در اعتراض به دستگیری دوتن از سرنگ‌ها (سرپرست) اجتماع نموده و دست از کار کشیدند . خواست‌های کارگران عبارت بود از :

- ۱- آزادی دستگیرشدگان
- ۲- انحلال کمیته کارگری (وابسته به استانداری اهواز) و سپردن امور بندر به کارگران بندر
- ۳- آماده نگاه داشتن یک آمبولانس در محل کار (در ساعت کار)
- ۴- دادن کفش ، کلاه و سایر لوازم ایمنی کار
- ۵- آوردن به موقع یخ در محل کار

کارگران اعتصابی برای تامین خواست‌هایشان با مسئول سپاه پاسداران بندر امام خمینی وارد مذاکره می‌شوند به دنبال این مذاکره یکی از دستگیرشدگان آزاد می‌شود و با برخی از خواست‌های کارگران نیز موافقت می‌گردد . اما در فردای آن روز بار دیگر برخی از کارگران (در حدود ۷۰ - ۶۰ نفر) برای گرفتن بقیه خواست‌هایشان در مقابل یکی از کشتی‌های اسکله ۱۱

بقیه از صفحه ۲

گسترش رابطه اقتصادی با انحصارات امپریالیستی اروپا و ...

اصطلاح سلطه‌پر قدرت روسیه " است و از این قبیل معرفی کردند . نامبرده پس از بازگشت از شوروی نه تنها در برابر تهاجماتی که علیه موضع او شده بود ، عقب نشست بلکه با تکرار سخنان بی‌پایه و کذب علیه واقعیت‌های سوسیالیسم ، عملاً در دام لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری افتاد .

در هر حال آنچه خلاف مصالح انقلاب و خلاف استقلال و آزادی ایران خواهد بود ، آن است که حکومت جمهوری اسلامی برای به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی ایران و ترمیم خرابی‌های جنگ ، در بستری که دیدگاه " دو ابرقدرت " می‌گسترند ، گام بردارد و روابط اقتصادی - سیاسی خود را با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی گسترش دهد . چنین تحولی که قطعاً هم اکنون محافل رادیکال خط امام مخالف‌آنند ، هرگاه اتفاق افتد موجب ادامه سلطه اقتصادی امپریالیست‌ها بر میهن ما خواهد شد و زمینه‌های عینی گرایش به راست و تقویت نمایندگان سرمایه‌داری را در جمهوری اسلامی فراهم خواهد ساخت که قطعاً عواقب آن قابل پیش‌بینی است .
به هر حال ما به دولت جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم که هرگونه حرکت در جهت ادامه وابستگی به امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی به مفهوم در مخاطره افکندن انقلاب و دستاوردهای آن خواهد بود . به مفهوم تقویت لیبرال‌ها و فراهم کردن زمینه تضعیف و طرد نیروهای رادیکال خط امام از حکومت خواهد بود و قطعاً مورد اعتراض همه نیروهای مبارز و مردم آگاه میهن قرار خواهد گرفت .



محوطه قبرستان آسید محمد لاهیجان :
مراسم سوم و هفتم فدائیان خلق سوسن تجارتنی و حسین جعفری منصور . مردم خاطره این دو شهید فدایی را بزرگ داشتند . طی این مراسم حلقه‌های گل از طرف کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر مزار شهیدان نهاده شد .



از تلاش‌های صلح جویانه هیئت حسن نیت کشورهای غیر متعهد برای دستیابی به صلح عادلانه استقبال کنیم

در هفته جاری هیئت حسن نیت کشورهای غیرمتعهد به منظور چاره‌اندیشی برای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به مدت چند روز از کشور ما دیدار کرد. این هیئت که اعضای آن را وزیر خارجه کوبا، هند، زامبیا و رئیس بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل می‌دهند، در طول دیدار خود چندبار با مقامات مسئول جمهوری اسلامی پیرامون چگونگی پایان دادن به جنگ گفتگو کرده و پس از آن تهران را به قصد بغداد ترک کردند.

تلاش‌های جدید هیئت حسن نیت و دیدار آن از تهران و بغداد بار دیگر مسئله صلح را در چشمانداز

قرار داده است. ما همان‌گونه که قبلاً نیز اعلام داشته‌ایم از تلاش‌هایی که به منظور قطع جنگ، آنگونه که منافع خلق‌های دو کشور ایران و عراق را تامین کرده و در خدمت صلح جهانی قرار گیرد، استقبال می‌کنیم. واضح است که تلاش‌های صلح‌آمیز هر هیئتی را باید از این نقطه نظر، یعنی تشدید پیکار علی‌ه

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به ترکیب اعضای هیئت حسن نیت، تلاش‌های قبلی این هیئت و مجموعه کشورهای غیرمتعهد، هیئت فوق شایسته‌ترین هیئتی است که قادر است امر صلح را بر اساس منافع انقلاب جهانی و مردم دو کشور به پیش برد. بر این اساس سخنان وزیر

امور خارجه کوبا که پس از دیدار با رئیس جمهورگفت: " ما از نتایج به دست آمده از این ملاقات بسیار راضی و خشنود هستیم و در این دیدار با حوی تشویق‌آمیز روبرو شدیم که برای ادامه تلاش‌هایمان جهت یافتن راه حلی در پایان دادن به جنگ کوشا تر باشیم." را باید با امیدواری ارزیابی

کرد. دولت جمهوری اسلامی باید با پافشاری بر خواسته‌های عادلانه مردم ایران از کوشش‌های این هیئت استقبال کند. تلاش جمهوری اسلامی برای برقراری صلح عادلانه باید با تشدید قاطعانه پیکار علیه متجاوزین عراقی همراه باشد حفظ هشجاری و مقاومت دلیرانه در جبهه‌های جنگ نخستین شرط دستیابی به صلح عادلانه و تلاش برای برقراری صلح خود جزئی از پیکار عادلانه مردم میهن ما علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، رژیم مرتجع صدام و دیگر دولت‌های ارتجاعی منطقه می‌باشد.

۲۰ اردیبهشت

سالروز لغو قرارداد ننگین کاپیتولاسیون گرامی باد

۲۰ اردیبهشت سالروز لغو قرارداد ننگین کاپیتولاسیون است. کاپیتولاسیون به معنی پایمال کردن حق حاکمیت مردم ما و انعقاد موافقتنامه‌ها و قراردادهای خفت‌بار در همه زمینه‌های زندگی است که از سوی امپریالیست‌ها برای حفظ روابط ظالمانه و ستمگرانه خود بر مردم میهن ما تحمیل شده بود.

لغو حق کاپیتولاسیون ثمره مبارزه ضد امپریالیستی مردم و نتیجه اشاعه و رشد آگاهی در میان توده‌های مردم میهنمان بود که به ویژه پس از انقلاب کبیر اکثر رشد و اعتلاء یافته بود. پس از انقلاب اکثر موافقتنامه‌های نابرابر و ظالمانه‌ای که دولت روسیه تزاری بر ایران تحمیل کرده بود، به وسیله دولت جوان شوروی به رهبری لنین داوطلبانه لغو شد و به دنبال آن زمینه لغای رسمی "حق کاپیتولاسیون" فراهم آمد.

این پیروزی با روی کار آمدن رژیم دست‌نشانده پهلوی عملاً بر باد رفت. رژیم شاهنشاهی با انعقاد دوباره قراردادهای اسارت-

بار با امپریالیست‌ها و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا نظیر قرارداد ۱۹۵۵ امتیازات از دست‌رفته امپریالیست‌ها را بدانان بازگرداند و با سرسپردگی تمام اجازه داد که میهن ما همچنان عرصه غارتگری‌های آنان باقی بماند بر طبق قرارداد ننگین ۱۹۵۵ که در زمان نخست وزیری منصور مزدور در سال ۱۳۴۳ تکمیل شد، یک تبعه آمریکا در ایران می‌توانست هر جنایتی را متربک گردد بی آنکه هیچ قانون و مقامی در ایران بتواند آن را به پای میز محاکمه بکشد!

لغو واقعی حق کاپیتولاسیون - لاسیون به دنبال انقلاب شکوهمند بهمن‌ماه و سرنگونی رژیم امریکائی شاه که موجب لغو قراردادهای اسارت‌بار صورت گرفت. سازمان ما ۲۰ اردیبهشت سالروز لغای کاپیتولاسیون را که دستاوردی از پیکار عظیم مردم ایران علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا است، گرامی می‌دارد و باریگر همه مردم ایران را به تحکیم اتحاد علیه امپریالیسم و به منظور حفظ دستاوردهای انقلاب فرا می‌خواند.

KAR

(travail)

articles choisis de l'organe général de

A Bas l'Impérialisme Américain
l'Ennemi Principal De Notre

Ouvriers et Travailleurs Unissez Vous

Organ: es Guerilleros de l'IRAN (ITE)

Buletin from IRAN

LABOUR

Workers & Peasants Unite!

ORGANISATION OF IRANIAN PEOPLES FEDAI GUERRILLAS

2nd Anniversary Revolution

Organization of Iranian Peoples' Fedai Guerrillas (Majority)

WAR IN KURDISTAN

No 2, Feb 81 WORKERS AND OPPRESSED PEOPLES OF THE WORLD UNITE!

KAR

Organization of Iranian People's Fedai Guerrillas MAJORITY

INTERNATIONAL

DANS CE NUMERO

در این هفته چند شماره کار به زبان‌های انگلیسی و فرانسه و نیز ترجمه‌هایی از برخی مقالات و نوشته‌های سازمان به دست ما رسید. ضمن ارج نهادن به تلاش انقلابی رفقای خارج از کشور در تبلیغ و ترویج مواضع سازمان، پیروزی‌های هرچه بیشتر رفقای خارج از کشور را در اشاعه هرچه بیشتر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و مواضع انقلابی سازمان خواهانیم.

به یاری

سیل زدگان خراسان بشتابیم

تبادگان سیل زدگی با خرابی تعدادی از خانه‌ها و مزارع و نیز از بین رفتن صدها دام همراه بوده است.

در روستاهای تربت جام حدود ۲۵۰ خانه مسکونی ویران شده و بیش از ۹۰۰ هکتار از مزارع گندم و چغندر از بین رفته و ۸۰۰ راس گوسفند نیز طعمه سیل گردیده‌اند. در تالیاد ۲۴ تن قربانی سیل گردیده‌اند

به دنبال جاری شدن سیل در مناطق مختلف استان خراسان در هفته‌های اخیر، زحمتکشان این مناطق به‌ویژه ساکنین روستاها، با تلفات و ضایعات مالی و جانی فراوانی روبرو شدند.

در مرکز خراسان و در برخی از روستاهای بخش‌های کلات، چناران، طرقبه، احمدآباد به میزان کمتر و در بخش‌های فریمان، سرخس و

که ۱۷ تن از روستاهای سوزن آباد و ۷ تن از روستای سلطان‌آباد بوده و در بسیاری از روستاها، مزارع کشاورزی را سیلاب فرا گرفته و به محصولات کشاورزی آسیب فراوان رسانده است. همچنین در تعدادی از روستاها، قنوت نیز مسدود گردیده‌اند.

در شمال خراسان مرکز سیل، منطقه قوچان و شیروان می‌باشد. این مناطق که زودتر از سایر مناطق دچار سیل زدگی شد، خسارات فراوانی را متحمل گردید. بطوریکه با آغاز جاری شدن سیل، آب سطح شهر و روستاهای منطقه را فرا گرفت و راه‌های ارتباطی آن قطع گردید.

در روستای "پام" دو معلم طعمه سیل شدند. در اسفراین یک نفر کشته و سد رودخانه مجاور آن شکسته شد. در بجنورد به روستاهای اطراف آن خسارات فراوانی وارد شده و بندهایی که در مسیر رودخانه‌اترک برای کشاورزی بسته شده بود، به کلی منهدم و یک نفر نیز کشته شده‌است. در درگز بر اثر طغیان رودخانه خساراتی به منازل مسکونی روستاهای واقع در مسیر رودخانه وارد شده، راه‌های ارتباطی بسیاری از روستاها قطع گردیده، چندین پل ویران گشته و مقدار زیادی اراضی پنبه‌زار بین رفته و چندین نفر کشته شده‌اند. در میان ادارات و ارگان‌های مسئول در مناطق سیل‌زده (هلال احمر، فرمانداری، جهاد

سازندگی، وزارت راه و ترابری) جهادسازندگی بیشترین فعالیت را داشته و توانسته است با ارسال واحدها و گروه‌هایی برای بازسازی خرابی‌ها و کمک به سیل‌زدگان زحمتکش نقش فعالی را ایفاء نماید. لیکن به علت محدود بودن امکانات آن و نیز وسعت دامنه خسارات وارده، این اقدامات آنچنان که باید و شاید موثر نبوده و عدم هماهنگی ارگان‌ها و ادارات مسئول باعث شده‌است تا

فعالیت کمک رسانی بطور پراکنده و محدود پیش رود. اکنون جبران خسارات وارده در روستاهای خراسان از جمله وظایف فوری دولت و مسئولین آن مناطق است. باید هرچه زودتر با جلوگیری از اقدامات غیرمسئولانه بر ناهماهنگی‌های موجود در امر کمک‌رسانی غلبه کرد. شاخه خراسان سازمان در این رابطه با صدور تراکتی، هم‌میهنان خراسانی را به کمک‌رسانی و یاری به سیل‌زدگان دعوت کرده‌است.

با تمام توان خود

به یاری سیل زدگان بشتابیم

مردم مبارز خراسان!

باردیگر حادثه‌ای طبیعی و این بار جاری شدن سیل گروهی از هم‌میهنان زحمتکش ما را به کام مرگ فرستاد و خسارات و صدمات فراوانی بر جای نهاد. زحمتکشان میهن ما که بر اثر فاجعه‌های بی‌شماره سرما به‌درازا رومالکان بزرگ، در مقابل هرگونه حادثه طبیعی آسیب‌پذیر هستند، اینبار هم خسارات و تلفات بسیاری را متحمل شدند. ما این حادثه دردناک را به مردم مبارز خراسان و به با زماندگان قربانیان این حادثه تسلیم می‌گوئیم. بر ما است که در چنین موقعیتی هم وطنان خسارت دیده خود را تنها نگذاریم و با تمام توان خود به یاری آنان بشتابیم. هم وطنان!

کمک به هموطنان سیل زده

یک وظیفه انقلابی است

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

شاخه خراسان ۶۰/۲/۱۲

یادرفیق دکتر هوشنگ اعظمی گرامی باد



۲۵ اردیبهشت مصادف است با پنجمین سالگرد شهادت فرزند دلاور خلق، رفیق شهید دکتر هوشنگ اعظمی لریستانی. رزمنده‌ای که ساواک اهریمنی شاه هیچ گاه جسارت اعلام خبر شهادتش را نیافت و تنها بعد از پیروزی انقلاب بود که خلق قهرمان ایران و مردم مبارز لریستان از شهادت هوشنگ با خبر گردیدند. گرچه پسر از شهادت رفیق تنگ‌نظران نیز بسیار کوشیدند تا نام او را به فراموشی سپرده و حتی سعی

داشتند نام بیمارستانی را که به یاد او نامگذاری شده بود عوض کنند ولی زحمتکشان لریستان هیچگاه یاد این رزمنده دلاور و مردمی را فراموش نخواهند کرد از فردای شهادت رفیق به نام او ترانه‌ها سروده شد و زحمتکشان لریستان این سرود سرخ را سردادند که "تا گرین باقی است و تا کرخه جاری است یاد تو فرزند دلیر خلق هوشنگ در دل ما جاودانه خواهد ماند" یادش گرامی باد.

با انتخاب میتران جناح راست بورژوازی انحصاری فرانسه عقب‌نشست

است. انتخاب میتران در چنین شرایطی در حالیکه نمایندگان بورژوازی انحصاری فرانسه که به مدت ۲۰ سال قدرت را در دست داشته‌اند قبل از هرچیز به معنی عقب نشینی جناح راست بورژوازی انحصاری فرانسه و نشانه سلب اعتماد روزافزون مردم فرانسه از احزاب سیاسی وابسته به این بخش از بورژوازی است. لازم به تذکر است که حزب سوسیالیست فرانسه که در آستانه قرن حاضر تشکیل شده، در سال ۱۹۲۰ به دنبال خیانت احزاب انترناسیونال دوم

می‌دهد و با توجه به این سیاست، هواداران این حزب بطور مشروط به حمایت از میتران پرداختند. انتخابات فرانسه در شرایطی انجام گرفت که بیش از ۱/۶ میلیون نفر در این کشور بیگارند و تورم جهان سرمایه‌داری، این کشور را نیز به کام خود فرو برده

کاندیداهای افنی را به میدان آورده بود. متحدا در دور دوم انتخابات شرکت نمودند. از طرف دیگر حزب کمونیست فرانسه اعلام کرد که علیرغم سیاست‌های محافظه‌کارانه حزب سوسیالیست و در صورت پذیرش وزرای کمونیست در کابینه آینده، به میتران رای

آراء ناچیزی به دست آوردند پس از پایان دور اول انتخابات، گلیست‌ها حمایت خود را از دستن اعلام نمودند و بدین ترتیب احزاب جناح راست بورژوازی یعنی نمایندگان سرمایه‌داری انحصاری بزرگ فرانسه که در دور اول انتخابات برای ایجاد اغتشاش در انتخابات

فرانسوا میتران نامزد حزب سوسیالیست فرانسه در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور بر ژیسکار دستن رئیس‌جمهور پیشین این کشور پیشی گرفت و به عنوان ریاست جمهوری آینده این کشور انتخاب شد.

در نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، ژیسکار دستن ۲۸/۳ درصد آراء، فرانسوا میتران ۲۶/۱ درصد آراء، ژاک شیراک (گلیست) ۱۸/۲ درصد آراء و ژرژ مارش دیر کل حزب کمونیست فرانسه ۱۵/۳ درصد آراء را کسب کردند. ۶ کاندیدای باقیمانده تنها

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

۲۹ اردیبهشت سالروز تولد رفیق هوشی مین انقلابی کبیر گرامی باد

سراسر زندگی هوشی مین ، مملو از سرود آزادی انسانهاست .
زندگی " نگوین تات تان " مملو است از عشق به انسانها ، عشق به آزادی و آزادگی ، عشق به رهایی از ظلم و جور و در واقع زندگی " عمو هو " سرودی است بلند و انسانی . سرود همبستگی خلقهای تحت ستم علیه استعمار جهانی و به منظور دستیابی صلح و سوسیالیسم .
زندگی هوشی مین ، سرود است ، سرودی از برنجزارهای " چه هوا " ، برنجزارهایی که پس از هر درو ، غنی تر به ثمر می نشینند . سرودی از مقاومت قهرمانانه در برابر اربابان استعمارگر . سرود خلقهای هندوچین و آنگاه سرود همه خلقهای جهان .

" نگوین تات تان " از عشق به میهن آغاز کرد ، میهنی که بگونه‌ای مژمن در زیر فشار استعمار در رنج بود و همانا در عمل دریافت که دفاع از میهن و درهم شکستن قاطع سلطه جهانخواران تنها از طریق دفاع پیگیر از اصول انترناسیونالیسم پرولتری ممکن است . " عمو هو " دریافت بود که تنها از طریق اصول مارکسیسم - لنینیسم ، حل انقلابی وقاطع مسئله ملی و مستعمراتی میسر است .

هوشی مین در سنگر دفاع از استقلال ملی ، صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم ، رهبر گردان پیشروی پرولتری را برعهده گرفت تا از یکسو با اتکاء به دژ اساسی انقلاب جهانی - اردوگاه قدرتمند سوسیالیسم - و از سوی دیگر بر بستر اراده خلل ناپذیر میلیونی توده‌های ویتنام ، پوزه

ویتنام چون فولاد آبدیده شده و بتواند از عهده سازمانگری اقدام انقلابی برآید .
رفیق هوشی مین ، پیشرو جنبش کمونیستی هندوچین ، مبارز خستگی ناپذیر راه استقلال ملی و بهروزی انسانها ، انترناسیونالیست پیگیر و آموزگار اخلاق کمونیستی است .

* * *
همه انقلابیون جهان ، همه روزه نوای دلنشین سرود هوشی مین ، سرود رزم پیگیر را از میان برنجزارهای " چه هوا " می شنوند و بامبارزه در راه تحقق آرمان هوشی مین ، آرمان همه انقلابیون کمونیست ، یاد انقلابی کبیر ، رفیق هوشی مین را گرامی میدارند .

فراخوان عمومی

هم میهنان بیا خیزید
زنان ، مردان ، سالداران و جوانان
صرف نظر از گیش ، وابستگی سیاسی و ملیت ،
همه ویتنامیها برای جنگیدن با استعمارگران
فرانسوی و نجات سرزمین اجدادی بیا خیزید
آنان که تفنگ دارید ، تفنگ هایتان را بردارید
کسانی که شمشیر دارند ، شمشیرهایشان را از نیام برگردانند
افراد که شمشیر ندارند ، از نیزه‌ها ، کج بیلها و چوب دستیها استفاده کنند
همه باید در مقابل با استعمارگران مبارزه کرده و سرزمین خود را برهانند
هوشی مین ۲۵ دسامبر ۱۹۴۶

تجاوزگران و جهانخواران را به خاک مالیده و ساختمان سوسیالیسم را با اتکاء به تجارب انقلابی سوسیالیسم در کشورهای ظفرمند سوسیالیستی ، سازمان دهد .

خلافت و انعطاف هوشی مین در برخورد به مسائل مربوط به جنگ با محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم جهانی و استفاده از تضادهای موجود در اردوگاه ضدانقلاب و همچنین در سازماندهی ساختمان سوسیالیسم در جامعه‌ای که از حیث اقتصادی از توسعه لازم برخوردار نبود ، بسیاری از دگم ها و پیش فرضهای غلط را درهم ریخت و همانا در عمل صحت و حقانیت مارکسیسم - لنینیسم را اثبات کرد .

تواضع انقلابی و اعتقاد عمیق به اصل سانترالیسم دموکراتیک در امور سازماندهی حزب ، شجاعت و جسارت منطقی ، برخورد صحیح به انحرافات سیاسی درون حزبی ، مبارزه با خصایل لیبرالیستی فزدگرائی و رهبری طلبی ، برخورد به بوروکراتیسم ، سکتاریسم و ذهن گرائی ، و بسیاری خصایل مثبت دیگر رفیق هوشی مین ، موجب آن شد که حزب مارکسیست - لنینیست

اخبار کوتاه

* کنفرانس همبستگی بین‌المللی با مردم کامپوچیا اقدامات خرابکارانه امپریالیست‌ها و دولت چین را علیه خلق قهرمان کامپوچیا محکوم کرد .

* چین اعلام کرد که از نیروهای ارتجاعی و ضد کمونیستی که علیه کامپوچیای قهرمان نبرد می‌کنند ، رسماً حمایت خواهد کرد .
* آژانس حقوق بشر در السالوادور اعلام کرد ظرف ۱۶ ماه گذشته ، ۲۲ هزار نفر در نبردهای این کشور کشته شده‌اند .

* در پی مرگ حماسی بابی سندز ارتش جمهوری - خواه ایرلند اعلام کرد که جومک‌دانل هم‌رزم و هم‌سلول بابی سندز جایگزین او خواهد شد . جو مک‌دانل به همراه ۳ زندانی سیاسی دیگر ایرلندی اعتصاب غذای خود را ادامه می‌دهند . به گزارش خبرگزاری‌ها حال یکی از این زندانیان به نام فرانسس هیوز که نزدیک به ۶۰ روز است در اعتصاب غذا به سر می‌برد ، وخیم است .

* فدراسیون جهانی سندیکائی طی بیانیه‌ای دولت جنایتکار انگلستان را مسئول مرگ بابی سندز قهرمان مردم ایرلند دانست .

* آمریکا کمک‌های اقتصادی خود را به ترکیه به ۳۵۰ میلیون دلار افزایش داد .
* رهبران بیش از ۱۵۰ قبیله سرخ‌پوست آمریکا ضمن اعتراض شدید به ریگان در رابطه با نادیده گرفتن حقوق سرخ‌پوستان خواستار استعفای وزیر کشور آمریکا شدند .

ایجاد جامعه‌ای نوین ، دموکراتیک و عادلانه گشوده است ، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چینی بر شدت جنگ اعلام نشده خود با این کشور افزوده‌اند .
به گزارش روزنامه نگاران آمریکایی که از اردوگاه‌های ضدانقلابیون افغانی در پاکستان بازدید کرده‌اند مستشاران نظامی آمریکا به این مزدوران تاکتیکی‌های نظامی را آموزش می‌دهند . روزنامه نیویورک تایمز چاپ آمریکا گزارش کرده‌است که هر ماه باندی به تعداد حدود ۱۰۰ نفر برای انجام عملیات تخریب و ترور از این اردوگاه‌ها وارد افغانستان می‌شوند . اخیراً از این مزدوران تعداد زیادی اسلحه ساخت آمریکا و چین تحویل گرفته شد .

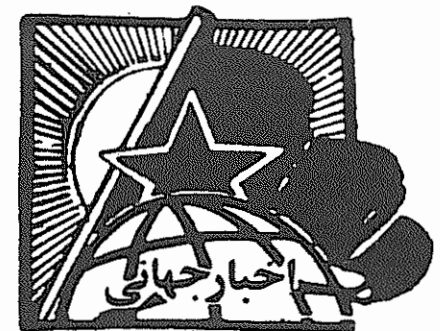
لئونید برژنف: قدرت ما در خدمت

صلح است و خواهد بود

۱۹ اردیبهشت روز پیروزی بر فاشیسم هر ساله با شکوه فراوان در اتحاد شوروی جشن گرفته می‌شود . امسال نیز اتحاد شوروی ضمن گرامی‌داشت این روز ، به پاس ۲۰ میلیون انسانی که فاشیسم هیتلری آنان را قربانی نمود ، یک دقیقه در سکوت فرورفت .

از سوی دیگر در مراسمی که به همین مناسبت در کیف برگزار گردید ، لئونید برژنف طی نطقی ضمن اشاره به خاطره کسانی که در راه رهایی خلق‌های جهان از بند فاشیسم جان باخته‌اند ، گفت :

" تجربه دوران پس از جنگ آشکار می‌سازد که جلوگیری از جنگ ممکن است . اتحاد شوروی همواره طرفدار گفتگو می‌باشد و از هر ایسده سازنده‌ای با نظر تأیید استقبال خواهد کرد . نیات ما پاک و شرافتمندانه است و ما از قدرت زیادی برخورداریم لیکن هرگز از آن به زیان دیگر خلقها بهره نخواهیم گرفت . قدرت ما در خدمت صلح است و خواهد بود . "



اعتصاب معدنچیان بزرگترین معدن

مس جهان همچنان ادامه دارد

پس از گذشت ۲۰ روز ، اعتصاب ده‌هزار معدنچی قهرمان بزرگترین معدن مس جهان در شیلی همچنان ادامه دارد . معدنچیان که با خواست ۱۸٪ اضافه حقوق دست به اعتصاب زده‌اند ، مصمم‌اند علی‌رغم فشار و تهدید به مبارزه خود ادامه دهند . در نوزدهمین روز این اعتصاب کارگران تصمیم به برگزاری یک تظاهرات نمودند لیکن مزدوران رژیم دیکتاتوری - نظامی پینوشه به آنان یورش برده در نتیجه کارگران با پلیس به زد و خورد پرداختند . در این درگیری حداقل ۱۰ تن از معدنچیان دستگیر و به زندان‌های چکمه‌پوش‌های آمریکائی فرستاده شدند . مقامات شیلیائی اعلام کرده‌اند خسارات وارده از اعتصاب کارگران این معدن که یک‌چهارم صادرات مس شیلی را تأمین می‌کند ، تاکنون بیش از ۲۰ میلیون دلار بوده است .

امپریالیسم

بر شدت توطئه‌های خود در افغانستان می‌افزاید

در حالیکه انقلاب افغانستان راه به سوی



حل مشکل مسکن

یکی از خواست‌های اساسی زحمتکشان

نگاهی به ارقام و آمار وضعیت مسکن، عمق بحران و شرایط نابسامان زندگی زحمتکشان میهنمان را به خوبی نشان می‌دهد.

طبق آمار موجود کل جمعیت کشور به ۶/۷ میلیون خانوار تقسیم می‌شوند که برای زندگی این عده صرفاً ۵/۳ میلیون واحد مسکونی وجود دارد که از این تعداد حدود ۱/۹ میلیون واحد غیر قابل سکونت می‌باشد، یعنی به علت فرسودگی و کیفیت نازل فنی و استحکامی و نداشتن امکانات بهداشتی از حداقل استانداردهای لازم برای زندگی برخوردار نبوده و در مقابل مصائب طبیعی من جمله زلزله و سیل بطور جدی و خطرناکی آسیب‌پذیرند. آمار و ارقام تلفات جانی و مالی ناشی از زلزله و سیل، بیانگر این امر است، بنا بر این در شرایط فعلی ما به ۳/۳ میلیون واحد مسکونی با استانداردهای لازم احتیاج داریم که مردم ما از یک حداقل تامین و آسایش برخوردار باشند و یا به بیانی دیگر می‌توان گفت که در این اوضاع تقریباً نیمی از هم‌میهنانمان یا بدون سرپناه می‌باشند و یا در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که از حداقل شرایط لازم برای زیست برخوردار نبوده و خطر دائمی، زندگی‌شان را تهدید می‌کند.

نکته دیگری که به این امر بایستی اضافه کرد رشد جمعیت کشور است که در هر سال ۲٪ به جمعیت کشور افزوده می‌گردد و براین اساس ما سالیانه به ۱۲۰ هزار واحد مسکونی جدید نیاز داریم که این رقم در هر سال به آمار قبلی کمبود مسکن اضافه می‌شود. و با توجه به جنگ تحمیلی رژیم صدام جنایتکار که بسیاری از شهرهای جنوبی و غربی کشورمان را ویران کرده است احتیاجات ما مسلمانان بیش از این خواهد بود.

با توجه به کمبودهای تکان‌دهنده فوق، در سال ۵۸ یعنی اولین سال پس از پیروزی انقلاب بخش دولتی

در امر خانه‌سازی تقریباً فعالیتی نداشته و بخش خصوصی نیز حدود ۱۵۰ هزار واحد مسکونی ساخته است که تعدادی از آن در محلات حاشیهای شهرهایی مانند تهران هستند که زحمتکشان از روی ناچاری و بدون ضابطه میادرت به ایجاد آنها کرده‌اند و کیفیت این ساختمان‌ها از حداقل استاندارد لازم برای زندگی پایین‌تر بوده و قابل سکونت نیستند ولی در هر صورت چنانچه میزان تولید مسکن در سال ۵۸ و ۵۹ که تقریباً وضعیتی مشابه داشته‌اند را در نظر بگیریم، خواهیم دید که این مقدار هیچ تناسبی با نیازهای توده‌های مردم ندارد و اگر وضع به همین منوال پیش رود و اقدامی قاطع و جدی در این زمینه صورت نگیرد، ما همیشه با ارقامی بیش از ۳/۳ میلیون کسری واحد مسکونی روبرو هستیم که این خود جای بسی تأسف است.

اقدامات انجام شده

به هیچ وجه گره گشای

این مشکل نبوده است

بعد از پیروزی انقلاب، کارگران و زحمتکشان برای حقق خواسته‌های برحق‌شان پای فشردند و خواستار حل فوری مشکل مسکن شدند.

اقدامات اولیه در این زمینه ایجاد ارگان‌هایی نظیر بنیاد مسکن، دفتر معاملات مسکن، دفتر خانه‌سازی و غیره بود این ارگان‌ها با وجودی که در ابتدا مورد حمایت زحمتکشان بوده و در ابتدا دارای اهدافی مردمی بودند اما به علت نداشتن برنامه و سیاست روشن و مشخص که بتواند گام‌هایی اصولی در جهت تخفیف و حل این مسئله بردارد، عملاً یا تعطیل و منحل گشته و یا در دیگر ارگان‌های دولتی ادغام شده و از هدف‌های اولیه خود دور ماندند.

در تاریخ ۴ مرداد ۵۸ بانک مرکزی اعتباری به مبلغ ۲۰ میلیارد ریال جهت

برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت خانه‌سازی در اختیار بانک مسکن گذارد و طبق قرارداد، تاریخ بازپرداخت آن دو سال بعد یعنی ۴ مرداد ۶۰ تعیین شد (این قرارداد در دوره دولت موقت بازرگان منعقد شد و مدیر عامل بانک مسکن عبدالله ابتهاج از وابستگان دولت موقت و نهضت آزادی است) تا این تاریخ بانک مسکن نه تنها هیچگونه طرح و برنامه‌ای جهت خانه‌سازی ارائه نکرده است، بلکه سرنوشت ۱۰ میلیارد ریال اعتبار نیز مشخص نیست.

زیرا اکنون که تاریخ سررسید بازپرداخت آن نزدیک است قرار است بانک مسکن اعتبار مزبور را به صورت اوراق قرضه به بانک مرکزی برگشت دهد یعنی در قبال ۱۰ میلیارد ریال پولی که از بانک مرکزی دریافت داشته، قرار است اوراق قرضه ارائه دهد. در صورتی که بانک مسکن می‌توانست در این مدت با این اعتبار کلان، حداقل به تکمیل مجتمع‌های مسکونی و ساختمان‌های نیمه‌کاره اقدام نماید و به بخشی از کمبودهای مسکن پاسخ دهد.

از سوی دیگر بانک مسکن چند ماه پیش ۱۰۰ هزار پرسش‌نامه ۱۰۰۰ ریالی منتشر و آنها را به مردمی که کمترین حق طبیعی‌شان داشتن یک سرپناه است و در آرزوی دستیابی به آن بسر می‌برند به فروش رساند. اما هم اکنون که ماه‌ها از آن تاریخ می‌گذرد، بانک مسکن کوچکترین اقدامی نکرده و مسئله را به فراموشی سپرده است و معلوم نیست ۱۰ میلیون ریال پول مردمی که مشتاقانه از این کار استقبال کردند و به امید صاحب خانه شدن حتی شب‌ها تا صبح پشت درب بانک خوابیدند صرف چه شده است.

بعد از آغاز جنگ تحمیلی رژیم عراق مشکل مسکن وخیم‌تر شد و حدود ۲/۵ میلیون نفر از مردم مناطق جنگ‌زده آواره دیگر شهرها شدند و همین امر موجب بروز مشکلاتی برای آنان و

ساکنان شهرها و حادث‌تر شدن این مشکل گردید و با توجه به درپیش بودن فصل تابستان و دشواری زندگی این بخش از هم‌وطنانمان مشکلات جدیدی را پیش خواهد آورد.

آخرین اقدامی که در این زمینه صورت گرفته، نه تنها راه حلی برای بحران مسکن نیست، بلکه گره‌های آن را کورتر می‌کند. این اقدام همان مخالفت مجلس با پیشنهاد بحث راجع به "توقف اجرای احکام و دستورهای دادگاه‌های صالحه و مراجع شتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی مشمول قانون روابط موجر و مستاجر برای مدت ۶ ماه است"

(کیهان ۱۴ - اردیبهشت) و آقای رفسنجانی رئیس مجلس در پاسخ اینکه چرا پیشنهاد بحث درباره لایحه فوق به تصویب نرسید، تنها از مالکان و روسای دادگاه‌های مالک و مستاجر خواست که مراعات حال مستاجرین را بکنند!! و حل این مسئله را به آینده موکول کردند!! که این اقدام مجلس عملاً دست مالکان عمده بر مستغلات و خانه‌های مسکونی را در ادامه غارت و فشار هر چه بیشتر بر زحمتکشان باز می‌گذارد.

ما دز گذشته گفته‌ایم و اکنون نیز تکرار می‌کنیم که برخورد با مسئله مسکن مستلزم درک چند نکته اساسی است. نخست آنکه مقابله با مشکل مسکن مستلزم شناخت واقعیات جامعه است جمهوری اسلامی باید این واقعیات را بپذیرد که روستایی به خاطر استفاده از مزایای شهری (چیزی که دولت لیبرال بازرگان سعی در القای آن داشت) به شهر روی نمی‌آورد. روستایی از آن جهت ناگزیر به مهاجرت می‌شود که دیگر در روستا تامین حداقل معاش میسر نیست. و همین است که روستایی را آواره شهرها می‌کند. مادام که جمهوری اسلامی این واقعیات را دریابد، در زمینه مسکن قادر به انجام هیچ اقدام اساسی نخواهد بود. دوم آنکه علاوه بر شناخت واقعیات، مقابله با مشکل مسکن مستلزم شرکت فعال دولت در امر مسکن است. دولت باید این را بپذیرد که حل مشکل مسکن زحمتکشان به هیچ روی از عهده بخش خصوصی بازار بر نمی‌آید.

سرمانند است و نه فکر سود خود است و نه نیاز زحمتکشان، و هر قدر هم که وضع بازار مسکن "سکه" باشد، باز زحمتکشان بی‌خانه خواهند ماند بنا بر این دولت باید با تکیه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با ملی کردن زمین‌های شهری متعلق به سرمایه‌داران و زمین‌خواران و با تنظیم برنامه‌های سنجیده راساً دست به ساختن خانه‌های مسکونی برای زحمتکشان بزند و این خانه‌ها را در مقابل درصد معینی از درآمد زحمتکشان در اختیار آنان قرار دهد. همچنین دولت باید با ایجاد مراکز تولید خانه‌های پیش ساخته بر امکانات تولید خانه‌های مورد نیاز بیفزاید. به‌ویژه که اکنون جنگ تحمیلی رژیم صدام موجب تخریب خانه‌های بسیاری از هم‌میهنان ما در مناطق جنوب و غرب کشور شده است در این زمینه تجربه کشورهای سوسیالیستی از ارزش بسیار برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی باید مذاکره با دول سوسیالیستی در مورد خانه‌های پیش ساخته را دنبال کند و از همکاری دوستان انقلاب ایران و مدافعان استقلال ایران بهره‌گیرد.

در کنار این اقدامات دولت جمهوری اسلامی باید با مصادره خانه‌های سرمایه‌داران بزرگ این خانه‌ها را به خانه‌های قابل سکونت زحمتکشان یا اماکن عمومی از قبیل بیمارستان، آسایشگاه و... تبدیل کند در این زمینه دولت می‌تواند از آمارهای تهیه شده توسط دفتر معاملات مسکن به خوبی استفاده کند. همچنین دولت باید اجاره بهای منازل را که در بیشتر موارد قسمت اعظم درآمد زحمتکشان را به خود اختصاص می‌دهد، تنزل داده و کنترل آن را در دست بگیرد.

ما بار دیگر بر این واقعیت تاکید می‌ورزیم که تنها راه ادامه و تعمیق انقلاب، تنها راه مقابله با اقدامات ضد انقلاب، پاسخگویی به خواست‌های اساسی زحمتکشان است. تامین مسکن برای زحمتکشان یکی از این خواست‌هاست و جمهوری اسلامی باید هرچه سریعتر برنامه‌ای برای آن تنظیم کند روشن است که چنین برنامه‌ای تنها در چارچوب برنامه کلی دولت قابل اجرا است.

● در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۵۱۹ در ستون کارنامه رئیس جمهوری از جمله می خوانیم:

یکی از مطبوعات داخلی درباره مسئله نزدیکی با اروپا قلمفرسائی کرده (فدائیان خط اکثریت) ... این دسته آن وقت که این حرفها را می زدند، هنوز وابستگی خودشان را آشکار نکرده بودند، اما وقتی جهت داخلی و خارجی خود را واضح کردند، معلوم شد که نه "سرخ مسکوئی" بوده اند و در این حالت معلوم است دردشان چیست و حرفشان کدام است.

این تقریباً تمامی "پاسخی"! است که آقای بنی صدر به مجموعه نوشته ها و مقالات انتقادی و سئوالات هشداردهنده ما پیرامون سیاست خودشان برای تحقق شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" داده اند. خواننده حق دارد نسبت به این "پاسخ" و شیوه استدلال آقای رئیس جمهور (برای از میدان بدرکردن حریف) شگفت زده گردد. به ویژه وقتی به یاد بیاورد که آقای رئیس جمهوری خود را طرفدار بحث علمی و منطقی معرفی کرده و دیگران را از به کار گیری شیوه های مذبوم و ناپسند برسر مسائل مورد مشاجره برحذر داشته اند.

مقالات انتقادی و پرسش های هشدار دهنده ما از سوی آقای بنی صدر همچنان بدون جواب مانده است. ما باز هم منتظریم که ایشان به سئوالات ما که چند بار در کار درج شده، پاسخ روشن داده و از کلی گویی های مشحون از اتهام خود پایان دهند. با این وجود لازم می بینیم به چند نکته ای که در "اتهام نامه" اخیر ایشان وجود دارد، مختصراً اشاره کنیم:

ظاهراً دلیل اصلی که آقای بنی صدر را تا آن حد برآشفته که تمامی قول و قرارهای قبلی خود را مبنی بر پیشبرد بحث اصولی - بجای شانناژ و اتهام زنی - فراموش کند و "پاسخ" فوق را به نقطه نظرات ما بدهد، سلسله مقالات و مباحثی است که نشریه کار در مورد ماهیت

واقعی امپریالیست های اروپائی و ژاپن و لزوم هشیار بودن نیروهای ضد امپریالیست و استقلال طلب در مقابل توطئه های آشکار و نهان اروپا و ژاپن علیه جمهوری اسلامی درج کرده است. خط اصلی و روشنی که در این مقالات دنبال شده است، مبتنی بر درک علمی ما از ماهیت نظام امپریالیستی است. خط بیان شده از طرف ما این است که تمامی امپریالیست ها - و نه ملت های کشورهای امپریالیستی - علیه خواست استقلال طلبانه مردم ما و ضدیت با جمهوری اسلامی اتفاق نظر دارند. ما همواره در این نوشته ها به آن بخش

صحیحی اتخاذ کنیم "مسلم است که اگر مستضعفان اروپا بر سرنوشت خویش "حاکم گردید، ما نه تنها انتقادی به آن عده که نزدیکی با "اروپا" را تبلیغ می کنند، نداریم بلکه همچون امروز که همبستگی با نظام ها و رژیم های انقلابی و مترقی را در پیکارمان علیه امپریالیسم لازم می دانیم، اتحاد با آن را تبلیغ کرده و همبستگی با آن را جزئی از اصولیت انقلابی خویش خواهیم دانست. اما ما مطمئن نیستیم در صورت تحقق چنین امری - در زمانی نه چندان دور - مدافعان فعلی "اروپا" تا چه حد در دفاع از اروپائی که

از نیروها که در کی ساده لوحانه نسبت به امپریالیست های متمدن! اروپائی دارند، هشدار داده ایم که وقتی صحبت از استقلال میهن ماست.

تهاجم نظامی عراق به ایران که خود آقای بنی صدر هم در نوشته های ایشان اذعان داشته اند، در پی نقشه امپریالیسم امریکا برای درهم شکستن نظام جمهوری بوده است و آنچه را که امپریالیست های اروپائی پنهان انجام می دادند، برملا کرد و چهره کینه توزانه آنها را نسبت به انقلاب ایران آشکارتر ساخت.

آقای بنی صدر در همان نوشته ای که قلمفرسائی های ما را نسبت به اروپا، از روی "وابستگی" و "سرخ مسکوئی" بودن ما می داند، خود چنین گفته است:

"من می گویم که چگونه اروپا می تواند مستقل از این دو ابرقدرت عمل کند مگر اینکه سیاست دیگری در پیش بگیرد... طبیعی است که این محتاج سیاست و رژیم های دیگری است، محتاج حاکمیت مستضعفان اروپا بر سرنوشت خویش است. فکر من این است که این کار شدنی است، در صورتی که ما (!) سیاست

چمحد سنجیده است؟! به این حمله خودتان که یک دینا رسالت را با خود حمل می کنید! یکبار دیگر توجه کنید:

"من نمی خواهم اروپا و ژاپن را جانشین ابرقدرت ها بکنم. من می خواهم ملت های اروپایی را که آمادگی دارند، از سلطه ابرقدرت ها بیرون بکشم."

آقای بنی صدر! اگر شما مایلید با پندارهای این چنینی - که تصور نمی رود حتی خودتان هم از آن سر در بیاورید - اتحاد جماهیر شوروی را هم طراز بسا امپریالیسم امریکا قرار دهید و کشورهای سوسیالیستی

آقای بنی صدر سئوالات ما همچنان بی جواب مانده است

اروپای شرقی، ویتنام انقلابی، کوبای قهرمان، آنگولا، یمن دمکراتیک و حتی لیبی، سوریه و... را صرفاً به خاطر همبستگی عمیق شان با شوروی سوسیالیستی "وابسته" بنامید، مختارید. شما می توانید رویای آزاد کردن اروپا، فدائیان خلق و دیگر کمونیست های ایران را که بر همکاری و همبستگی سه نیروی انقلابی عصر حاضر - اردوگاه سوسیالیسم، جنبش های کارگری و نهضت ها و قدرت های رهائی بخش - در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم پای می فشارند، "وابسته" و "سرخ مسکوئی" بدانید! شما حتی می توانید دنیائی تخیلی برای خود بسازید، یک دنیای مدافع استقلال خلقها، تا با تکیه بر این دنیای تخیلی برای ایران مستقل دوست و یاور پیدا کنید! اما نه شما و نه هیچ کس دیگر نمی تواند دنیای واقعی مدافع استقلال خلقها و من جمله خلق قهرمان ما را نفی کند. نفی این دنیا به هر دلیل که می خواهد باشد، در نهایت پذیرش دنیای مقابل آن یعنی امپریالیست های امریکائی، اروپائی و ژاپنی

"مستضعفان بر سرنوشت خویش حاکم اند با ما هم صدا خواهند بود و همبستگی ما را با آن وابستگی خواهند خواند!

ما از آقای بنی صدر می پرسیم شما نسبت به اروپائی که مستضعفان بر سرنوشت خود حاکم باشند چه سیاستی را در پیش خواهید گرفت؟ پاسخ ایشان قاعدتاً باید این باشد: باید با آن همکاری و همبستگی اعلام کنیم و متحد شویم! خود ایشان این مسئله را اینطور توضیح می دهند:

"همکاری با کشورهای مستضعف اگر به منافع سرمایه دارها زیان وارد می شود، به منافع کارگر و دهقان هیچ زیانی وارد نمی آورد."

ما باز می پرسیم - آقای بنی صدر - آیا در شرایط کنونی شما هیچ کشور انقلابی و مترقی را سراغ ندارید که صریحاً و رسماً بتواند با آن مبارزه مشترکی را علیه امپریالیسم به جلو ببرد؟ آیا انقلابات جهان یکسره مسخ و نابود شده اند (!) که شما تصمیم گرفته اید (!) اروپا را آزاد کنید تا از این طریق متحدی برای انقلاب ما پیدا شود؟! حرف شما تا

است. مزدوران و پاسبانان نظم غارتگرانه و ضد انسانی سرمایه داری سالها است به وحشیانه ترین سرکوبها و ابرقبحانه ترین تهمت ها و افتراها نسبت به کمونیست ها مشغول اند.

امپریالیست های اروپائی و ژاپن سگهای زردی هستند که نمی توانند برادری خود را با امپریالیسم امریکا، این شغال خونین جنگال ثابت نکنند. آنها

همبستگی انقلابی "خلقها را با دنیای انقلاب یعنی کشورهای سوسیالیستی، کارگر کشورهای امپریالیستی، کشورهای رها شده از یوغ امپریالیسم و جنبش های رهائی بخش را رندانه "وابستگی به ابرقدرت ها" تعریف می کنند تا برای جرم سنگین خود یعنی وابسته کردن خلقهای جهان به خود شریک جرم پیدا کنند.

آقای بنی صدر هم متأسفانه بهتر دیده است تا بجای پاسخ به سئوالات ما از "متفکران" امپریالیسم ناشیانه تقلید کند. شما آقای بنی صدر! در به کار گیری این شیوه آزادی اما ما مایلیم به شما هشدار دهیم که تاکنون هیچ شخصیت و نیروی مردمی از به کار گیری این شیوه های منحط و ارتجاعی راه به جایی نبرده است.

مردم در زمان شاه جنایتکار قضاوت خود را در مورد فدائیان خلق و سیل اتهامات آن رژیم ننگین سبیت به ما به درستی انجام داده اند. شاه ما را وابسته! می خواند. اما توده های مردم میهنمان حتی در آن موقع که ادعاهای شاه را مبنی بر اینکه "فدائیان وابسته اند" به مسخره گرفتند. و طبعاً امروز که آنها بر بستر پیکار قهرمانانه شان علیه امپریالیسم و مزدوران و متحدان داخلی اش، شناختی دهه بار بیشتر از شناخت قبلی نسبت به دوستان و دشمنان خود چه در عرصه ملی و چه در مقیاس جهانی پیدا کرده اند، از اعتقادات و مواضع ما در دفاع از استقلال و آزادی میهنمان قاطعانه پشتیبانی می کنند و بر این پایه نیز نسبت به افتراها و اتهامات شما قضاوت می کنند.

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

کردستان در اشتیاق حل صلح آمیز مشکلات

مذاکرات کردستان باید مجدانه دنبال شود

در کردستان دیده نمی‌شود. در چنین احوالی تنها راه ممکن جهت حل مشکلات کردستان به سود انقلاب پاسخ قاطع و اصولی به خواست‌های برحق مردم کردستان است. اگر راهی برای کوتاه نمودن دست ضد انقلاب از دامن مردم محروم کردستان متصور باشد، آن راه، تنها تامین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. سمینار ائمه جمعه کردستان که در روزهای گذشته در سنندج تشکیل شد، بخاطر رفع ستم ملی از خلق کرد بر اجرای پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی تاکید نمود. اکنون هیئت اعزامی بدون اینکه تحت تاثیر جوسازی‌های ضدانقلاب در منطقه قرار گیرد، باید با استفاده از تجارب تلخ گذشته با قاطعیت و شهامت تمام مذاکرات را از طریق تماس مداوم با شخصیت‌های مدافع انقلاب در کردستان دنبال نماید. مسامحه‌کاری و تک‌رار اشتباهات گذشته قابل جبران نیست. زمان برای جبران خطاهای گذشته از دست خواهد رفت.

جالب اینجاست که در سرتاسر این برنامه در تمامی مصاحبه‌هایی که از مردم به عمل می‌آید، حتی یک نمونه هم دیده نشد که از سازمان ما سخنی گفته شود و تمام صحبت مردم پیرامون باند قاسملو و کومه‌له بود. در عوض تمام حملات گوینده و نماینده به اصطلاح پاسداران متوجه سازمان ما بود. مردم کردستان اکنون بیش از هر زمان دیگر چشم به اقدامات هیئت اعزامی از جانب امام دوخته‌اند. بیش از دو سال جنگ و خونریزی مردم زحمتکش منطقه را با مصائب و صفت‌ناپذیری مواجه ساخته است. کشاورزی و دامداری کردستان در حال نابودی است. تمام فعالیت‌های تولیدی در منطقه متوقف مانده، انبوه عظیم مردم بی‌کار و محروم در جستجوی کار به سایر شهرها مهاجرت کرده‌اند. محاصره اقتصادی مردم را در چنگال گرانی طاقت‌فرسا اسیر کرده و به خاک سیاه و فلاکت نشانده است. مدارس و آموزشگاه‌ها در اکثر شهرها هنوز نتوانسته‌اند روال عادی کار خود را از سرگیرند. از برنامه‌های عمرانی جدی اثری

عوامل رژیم صدام را گمارده‌اند. از جانب دیگر درگیری میان باند قاسملو و سایر گروه‌ها که با حمله به مقر گروهک پیکار در بوکان آغاز گردید، در هفته‌های اخیر به درگیری‌های بسیار سخت و خونین با گروهک کومه‌له کشیده شد که این امر نیز نشان اوج بحران و ورشکستگی آنهاست. حال در این اوضاع آشفته تنها مردم زجرکشیده کردستان هستند که از رهگذر اوضاع موجود همچنان محروم از تمام حقوق اجتماعی برجای مانده‌اند. ارتش صدام جنایتکار، باند قاسملو و گروهک کومه‌له و متحدین آن آنها را وسیله دست‌یافتن به اهداف ضد مردمی خود ساخته‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز که خود را در گیر با این نیروها می‌یابد، با درهم ریختن مرز میان حقوق عادلانه مردم کردستان و منافع گروهی نیروهای درگیر همچنان نسبت به تامین حقوق ملی خلق کرد بی‌توجه مانده که از این طریق ضربات جبران‌ناپذیری بر انقلاب و جمهوری اسلامی وارد آمده است.

هیئت را به خاطر دست‌یافتن به راه‌حلی جهت پایان بخشیدن به درگیری‌ها با شکست مواجه سازند. آخرین نمونه خیانت و تلاش‌های جنگ‌طلبانه باند قاسملو، بمباران زندان اسرای نظامی و پاسدار در روستای مرزی "دولتو" توسط بمب‌افکن‌های عراقی است که منجر به شهادت دهها زندانی گردید. بدون شک ارتش مزدور صدام که مستشاران آن در پناه باند قاسملو تمام کردستان ایران را شناسائی کرده‌اند، می‌داند که در روستای مرزی "دولتو" نیروهای نظامی و پاسدار مستقر نیست و باند قاسملو آنجا را به عنوان نقطه‌ای امن به زندان اسرای نظامی و پاسدار مبدل کرده است. کشتار فجیع زندانیان توسط باند قاسملو بار دیگر چهره عوام‌فریبانه و ضد انقلابی این باند خیانتکار را به وضوح آشکار ساخت. باند قاسملو که در حال حاضر به صورت یک گروه ورشکسته و منزوی در آمده است، بخاطر حفظ موقعیت لرزان خود سیاست ماجرا-جویی نظامی و سرکوب شدید مخالفین خود را دنبال می‌کند. در به اصطلاح پلنوم کمیته مرکزی که در تاریخ ۲۴ فروردین ۶۰ برگزار شد، تعداد دیگری از اعضای کمیته مرکزی به مخالفت با سیاست‌های قاسملو — برخاستند اگرچه وی با اکثریتی بسیار ضعیف موفق به حفظ خود شد ولی چشم‌انداز بحران حکایت از تضعیف روز افزون و طرد این عناصر از صفوف خلق کرد دارد. پس از به اصطلاح پلنوم از جانب قاسملو سه هیئت جهت تصفیه و سرکوب مخالفین تشکیل گردید. همچنین مسئول‌هیز آواره‌راکه در منطقه پیرانشهر از دستور حمله به شهر سرپیچی کرده بود از منطقه خارج و بجای وی "سیدرسول دهقان" از

اکنون مدتی است هیئتی از جانب امام خمینی به سرپرستی آیت‌الله اشراقی مسئول رسیدگی به مسئله کردستان گردیده. این هیئت جهت بررسی اوضاع کردستان و دست یافتن به راه‌حلی جهت پایان بخشیدن به درگیری‌های منطقه تاکنون چندین بار به منطقه مسافرت کرده‌است. اولین مسافرت این هیئت در اسفند ۵۹ انجام شد. اعضای هیئت در آن مسافرت در جلسه‌ای با حضور فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه، فرمانده ژاندارمری آذربایجان غربی و فرمانده سپاه پاسداران منطقه در روستای "راژان" با رحمان کریمی و دوستانش که اخیراً از دار و دسته قاسملو جدا شده و در موضع دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند، ملاقات کردند. این اقدام هیئت اعزامی گامی بود مثبت که امید به برقراری صلح و تامین حقوق مردم ستمدیده کردستان را بار دیگر در دل‌های مردم کردستان بیدار نمود. هم‌زمان با این اقدام هیئت، دار و دسته قاسملو و تمام کسانی که تاکنون صلح در منطقه را به زیان خود می‌یابند، حرکات ضدانقلابی و خرابکارانه خود را جهت از بین بردن محیط تفاهم‌شدت بخشیدند. در این رابطه باند قاسملو فاجعه روستای دارلک را که منجر به شهادت دهها تن از پاسداران و افراد بسیج گردید، به وجود آورد و در سایر مناطق نیز حملات مسلحانه به ارتش و سپاه پاسداران افزایش یافت. در ارگان‌های حکومتی نیز افرادی نظیر ملاحسنی (امام جمعه ارومیه) و سرهنگ تاج‌الدینی فرمانده ژاندارمری آذربایجان غربی و زکیانی فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه کوشش نمودند محیطی آکنده از سوء ظن و بی‌اعتمادی بر مذاکرات حاکم سازند و تلاش

بقیه از صفحه ۱۹

با انتخاب میتران...

دچار انشعاب شد و اکثریت قاطع اعضای این حزب به نفع انترناسیونال سوم به رهبری لنین رای دادند و حزب کمونیست را تشکیل دادند. اقلیت باقی‌مانده در اتحاد با برخی گروه‌های دیگر بعدها دوباره نام حزب سوسیالیست را به خود گرفت. حزب سوسیالیست تحت فشار توده‌ای در آغاز دهه گذشته به ایجاد "برنامه مشترک دولت اتحاد چپ" با حزب کمونیست گردن نهاد لیکن در ظرف چند سال اخیر سیاست‌های راست و ضد کمونیستی در این حزب نفوذ و گسترش بیشتری یافته و این اتحاد به وسیله حـ حزب سوسیالیست برهم زده شد. میتران رئیس جمهور جدید فرانسه اعلام کرده‌است که سیاست خارجی کشور را همچنان ادامه خواهد داد اما در زمینه برنامه‌های داخلی رفـرم‌هایی انجام خواهد داد.

مقامات جمهوری اسلامی نه تنها همچنان به حقوق مردم کردستان بی‌توجه هستند، بلکه با تحریف حقایق نظیر آنچه که در گزارش خبری روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت در پایان سرویس اخبار از تلویزیون پخش شد، مرز دوست و دشمن را درهم می‌ریزند و به پراکندگی صفوف خلق دامن می‌زنند. در این گزارش که پیرامون حوادث "نودشه" در مرکز تلویزیونی کرمانشاه تهیه شده بود، اتهامات و افتراهای شرم‌آوری به سازمان ما نسبت داده شد که تنها قصد آن بی‌اعتبار ساختن سازمان و ایجاد اغتشاش نسبت به مواضع اصولی ما در اذهان عمومی بود.

بکشیم تا با استنار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

«دادگاه» استکھلم

نمایش رسوای امپریالیست ها

حاج غلام ساهی دهقان افغانی :
" اطمینان ما به اتحاد شوروی که دوست صمیمی ماست ، روزافزون است مردم افغانستان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشورها هرگز فراموش نمی کنند "

● در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال جاری به اصطلاح دادگاه دائمی خلقها در استکھلم گشایش یافت . هدف از تشکیل این دادگاه بررسی " اتهام " وارد شده به اتحاد شوروی مبنی بر کمک به مردم افغانستان اعلام شده بود . شرکت کنندگان در " دادگاه " فوق را نمایندگان امپریالیست ها ، " روشنفکران " ضد شوروی و معدودی سیاستمدار فریب خورده تشکیل داده بودند . اندک تا مل روی ترکیبی این چنینی ، سخن گفتن بیشتر در مورد ماهیت ارتجاعی این خیمه - شب بازی امپریالیستی را غیر ضرور می سازد . " دادگاه " را که در آستانه سومین سال روز انقلاب افغانستان برگزار گردید ، باید به مثابه حلقه دیگری از زنجیره توطئه های امپریالیستی علیه مردم قهرمان افغانستان و کشور اتحاد شوروی که به دفاع از انقلاب در این سرزمین محروم برخاسته به حساب آورد هدف این گردهمایی چیزی جز پوشاندن مداخله مسلحانه و جنایتکارانه آمریکا انگلیس ، اسرائیل ، چین پاکستان ، مصر ، عربستان سعودی و ... در افغانستان و تحریک افکار عمومی جهان برضد سیاست صلح طلبانه و ضد امپریالیستی اتحاد شوروی نبود .

" دادگاه " استکھلم از سوی خلقها ، دولت ها و سازمان های ترقیخواه و ضد - امپریالیست سراسر جهان قاطعانه محکوم گردید . شاید

این دادگاه شایسته ترین پاسخ را از یک دهقان زحمتکش افغانی دریافت کرد . حاج غلام ساهی دهقان افغانی (که ۷ نفر از اعضای خانواده اش توسط " مجاهدان " قتل عام شده اند) طی نامه ای به " دادگاه " استکھلم نوشت : " چرا دولت های ایالات متحده آمریکا ، چین ، مصر و پاکستان ما را به حال خود نمی گذارند ؟ ما به هیچ کمکی احتیاج نداریم . ما حق داریم که دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم . ولی دشمنان دست بردار نیستند در ماه مارس گذشته ، خرابکاران به کشور ما اعزام شدند و پنج تن دیگر از عیسویان و نزدیکان مرا که از دهقانان معمولی و زارعین زمین هایشان بودند کشتند من با تمام وجودم مصمم هستم تا انتقام پدر ، مادر ، خواهر ، برادر همسر و دیگر اعضاء خانواده ام را که توسط خرابکاران کشته شده اند ، بگیرم مردم ما به صورت تن واحدی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش درآمده اند و همه مصمم هستند که از انقلاب شور در برابر دشمنان خونخوار و کثیف دفاع کنند اطمینان ما به اتحاد شوروی ، که دوست صمیمی ماست ، روزافزون است .

او سپس خطاب به " دادگاه " می نویسد : " مردم افغان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشور ما هرگز فراموش نمی کنند " .

امپریالیسم انگلیس همدست امپریالیسم آمریکا

و دشمن خلقهای منطقه و جهان است

● انگلستان از سال ۱۹۷۱ توجه لازم را به منطقه خلیج فارس ابراز نداشته و اکنون می خواهد به جبران مافات ، حضور نظامی خود را در منطقه تقویت کند . امپریالیسم کهنه کار انگلیس زیر پرچم سیاه این کلام بانو " ناچر " تهاجم نوین خود را به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند آغاز کرد . به همراه انگلستان دیگر امپریالیست های اروپائی به ویژه نمایندگان انحصارات آلمانی ، فرانسوی و ژاپنی نیز با رفت و آمدها ، مذاکرات و معاملات سرسام آور ، گردبادی از تشنج ماجراجویی نظامی در این ناحیه به راه انداخته اند . جنتمن های انگلیسی ، امپریالیست های خوش خلق و متمدن ! فرانسوی ، صاحبان " زیرک " کنسرن های ژاپنی و انحصارگران آلمانی مجدداً قدرت یافته در جریان این دید و بازدیدها سخاوتمندانه " سیل تجهیزات نظامی را به حلقوم " دوستان " مرتجع خود در راس رژیم های منطقه سرازیر کردند : مارگارت تاچر در جریان سفر به عربستان و کشورهای همجوار آن ، بسیار کوشید که مقدمات استقرار نیروهای واکنش سریع امپریالیستی را با شرکت فعال سپاهیان انگلیس فراهم آورد همچنین قرار است ۳۵ هواپیمای " هاوک " به بهای یک صد میلیون لیره استرلینگ از سوی انگلستان به " دوستانش " تحویل شود . هم اکنون میان شیوخ عربستان سعودی و امپریالیست های آلمانی مذاکرات مفصلی پیرامون معامله ۳۰۰۰ دستگاه تانک و تعداد زیادی هواپیمای تورنادو - ساخت مشترک ، آلمان ، انگلیس و ایتالیا - جریان دارد . در شرایطی که وام های اسارت آور آمریکا به کشورهای درحال رشد رو به گسیختگی است امپریالیست های ژاپن در هیئت " سوزوکی " نخست وزیر خود سربلند کرده اند که : " آمریکا همچنان به نقش نظامی خود ادامه دهد و " وظایف " مالی اش را به ژاپن واگذار کند " . فرانسوی ها نیز از دیگران عقب نمانده اند قرارداد ۶۰ میلیون دلاری برای نوسازی سیستم کنترل هوایی مصر اعزام بیش از ۲۰۰۰ کارشناس هسته ای و نظامی به عراق و تحویل هواپیماهای گول بیگر انباشته از تجهیزات نظامی به عربستان از جمله شیرین کاری های آنهاست . گفتن ندارد که این " دوست نوازی " های امپریالیستی بطور عمده تحت هدایت سرکرده امپریالیست ها ، امپریالیسم آمریکا و در چارچوب سیاست های آن صورت می گیرد . " شرکای اروپائی " به این ترتیب و در واقع ، سهم خود را در تلاش آمریکا برای تشکیل یک جبهه ضد انقلابی نیرومند علیه مبارزات ترقیخواهانه خلقهای منطقه ادا می کنند . در این راه آنها نیز ، به تبع سردمداران آمریکایی ، همانگونه که واقعیت کمک هایشان هم نشان می دهد ، در درجه اول انقلابات ایران و افغانستان را نشانه گرفته اند . چرا که رژیم های مستقل و مترقی این دو کشور وسیعترین منافذ غارت و چپاول آنها را مسدود کرده ، با اقدامات خود ، " وزن مخصوص " امپریالیستی را در معاملات منطقه به شدت کاهش داده اند . به همین دلیل عربستان سعودی ، مصر ، عراق ، پاکستان و اردن که وحشی ترین دشمنان منطقه ای انقلاب در این دو کشورند بیشترین سهم را از کمک های دوستان امپریالیست خود دریافت می کنند . این واقعیت ها چون روز روشنند . مشاهده آنها تیزبینی فوق العاده

نمی خواهد . امپریالیست های اروپائی اگر که به قول " ناچر " بدون شرکت آمریکا کاری از پیش نمی برند ، خود در عین حال فعالترین یاران امپریالیسم آمریکا ، دشمنان مال و جان انقلاب خلقها و در لحظه کنونی ، در منطقه ما بیش از همه خلقهای انقلابی میهن ما هستند . امپریالیست های اروپائی و ژاپنی اگر که به تبع منافع ویژه شان ، چه در میان خود و چه با سرکرده شان آمریکابر سر بسیاری مواضع اختلافات گاه شدید دارند ، و حتی در مواردی به اتخاذ سیاست های متفاوتی در مقابله با اردوی انقلاب دست می زنند ، اما در برابر دشمن واحد که جز همان اردوی انقلاب در هر جا و به هر شکل نیست . اساساً صف واحدی تشکیل می دهند . و به همین اعتبار تا آنجا که به انقلاب ما مربوط می گردد ، امپریالیسم اروپا در دشمنی خونین خود با این انقلاب با تمام قوا در کنار آمریکا قرا گرفته است . از همین رو است که باید هوشیاری انقلابی ، اتحاد عمل و پیکار رزمجویانه را در برابر همه آنها حفظ کرد . کسانی که حساسیت خود را حتی در مقابل چنین حقائق خیره کننده ای از دست داده اند ، آنها که علیرغم واقعیات روشنتر فوق هنوز نیمنگاهی به " غرب متمدن منهای آمریکا " دارند ، اگر دشمنان آگاه انقلاب نباشند " دوستانه " با انقلاب دشمنی می ورزند . امپریالیست ها همه غارتگر و دشمنان انقلاب هستند ، انگلیس بیش از آلمان ، آلمان بیش از فرانسه فرانسه بیش از ژاپن و ژاپن بیش از انگلیس و ... آمریکا از همه آنها بیشتر ! هر آن کس که براین باور عمل نکند ، دانسته یا ندانسته دهلیز گرفته سازش با آمریکا را لایروبی خواهد کرد .

مرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت دهم)

نقش تجارت خارجی در اقتصاد وابسته ایران

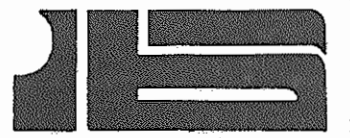
● تجارت خارجی یکی از مهمترین حلقه های اتصال اقتصاد وابسته ایران به امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است . در بحث کلی که در آغاز این مقالات داشتیم نشان دادیم که وابستگی اقتصادی یعنی قرار گرفتن اقتصاد کشور تحت تابعیت انحصارات امپریالیستی والتزامات رشد پرتناقض سرمایه انحصاری . و این رانیز بیان داشتیم که وابستگی اقتصادی یعنی قرار گرفتن اقتصاد کشور در تقسیم کار جهانی تحمیلی از سوی امپریالیسم . این بدان معنا است که اقتصاد وابسته در مجموعه ای از پیوندها با شبکه انحصارات امپریالیستی قرار دارد که از طریق این پیوندها ، انحصارات امپریالیستی ، سازماندهی تولید ، سمت و سوی رشد فعالیت های اقتصادی ، و روش های فنی مورد استفاده در تولید و ترکیب تولیدات اجتماعی را مطابق نیازهای رشد سرمایه انحصاری در اقتصاد وابسته تعیین می کنند . از این راه است که این انحصارات می کوشند هر چه بیشتر شمره کارکارگران و زحمتکشان میهن را به غارت برند . چرخهای اقتصاد وابسته ایران بر دو محور صادرات نفت خام به انحصارات امپریالیستی نفتی و واردات محصولات انحصارات امپریالیستی در چرخش بوده است . در بررسی صنایع وابسته کشور نشان دادیم که انحصارات امپریالیستی با برپا کردن صنایع وابسته ، از طریق دریافت اجازه ساخت (حق لیسانس) ، فروش و کرایه تکنولوژی ، فروش تجهیزات ، قطعات منفصله ، مواد اولیه و لوازم یدکی بخش عظیمی از شمره کار کارگران و زحمتکشان میهن را به غارت می برده اند . انتقال سودهای حاصل از سهام انحصارات امپریالیستی در صنایع وابسته ، حق لیسانس ، فروش و کرایه تکنولوژی و حقوقهای هنگفت به "متخصصان" خارجی از محل درآمد ارزی بوده است که از طریق فروش نفت خام به انحصارات امپریالیستی حاصل می آمده است . بخشی از واردات ، کالاهای محصول انحصارات امپریالیستی توسط سرمایه داران صنایع وابسته بوده است . مصادره سرمایه های وابسته در صنایع کشور و اتخاذ سیاست های اساسی در جهت قطع پیوندهای وابستگی (مانند لغو قراردادهای میان صنعت وابسته اتومبیل سازی با انحصارات امپریالیستی رنو ، هیلمن - گرایسلر ، تالیوت ، لیلاند موتورز ، ماک ، مرسدس بنز ، پژو ، نیسان و ...) اقداماتی است که بخشی از روابط تجاری با انحصارات امپریالیسم را قطع می کند که بدون آن نمی توان انتظار مقابله با وابستگی اقتصادی به امپریالیسم جهانی را داشت .

بخش بسیار مهمی از واردات کشور از انحصارات امپریالیستی توسط تجار وابسته انجام می شود . انحصارات تجاری وابسته در پیوند با انحصارات امپریالیستی قراردارند و محصولات آنها را به اقتصاد ایران سرازیر می کنند . واردات کالا از انحصارات امپریالیستی ، از یک سوی ، سودهای کلان برای انحصارات امپریالیستی و تجار وابسته فراهم می آورد ، و از سوی دیگر ، شرایط لازم برای ادامه و تشدید روزافزون وابستگی اقتصادی میهن را مهیا می سازد . منبع ثامن مالی واردات ، همانطور که گفتیم صادرات نفت خام ایران به انحصارات امپریالیستی بوده است . مکانیسم عملکرد این رابطه را بیشتر بشکافیم : درآمد ارزی ایران در سال ۱۳۵۶ در حدود ۲۶ میلیارد دلار بوده است که ۲۱ میلیارد دلار آن از فروش نفت خام به انحصارات امپریالیستی بدست آمده است . در همین سال صادرات کالاهای غیرنفتی ایران رقمی کمتر از ۶٪ میلیارد دلار بوده است (کمتر از ۳ درصد کل صادرات کشور) . در همین سال ۸ میلیارد دلار بابت خرید کالا از بازار جهانی ۹/۵ میلیارد دلار بابت "خدمات" ، بازپرداخت بهره واصل وامها و سود سهام به انحصارات امپریالیستی پرداخت شده است . بانگاهی به درآمد حاصل از فروش نفت خام به انحصارات امپریالیستی و واردات کالا از انحصارات امپریالیستی می توانیم به رابطه نزدیک میان این دو رقم و مکانیسمی که در اقتصاد وابسته ایران برای بازگرداندن درآمد ارزی حاصل از فروش نفت به اقتصادهای امپریالیستی و ثامن سودهای کلان برای انحصارات نفتی و انحصارات تولید کننده کالاهای صنعتی عمل می کند ، پی ببریم . درآمد حاصل از فروش نفت خام در سال ۱۳۵۱ برابر با ۲/۴ میلیارد دلار ، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱۸/۵ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۵ برابر با ۲۰/۵ میلیارد دلار بوده است . تقریباً تمامی این پرداختها به انحصارات امپریالیستی بوده است . در سال ۱۳۵۶ ، امپریالیسم آلمان ، ژاپن ، آمریکا به ترتیب عمده ترین فروشندگان کالا به اقتصاد وابسته ایران بودند . این سه کشور ، در مجموع ۵۰/۷ درصد واردات ایران را در دست داشته اند . پس از این سه کشور ، امپریالیسم انگلیس ، ایتالیا ، فرانسه ، و هلند به ترتیب قرار داشته اند . انحصارات امپریالیستی این ۷ کشور در مجموع ۷۱ درصد پرداخت ارزی اقتصاد ایران بابت خرید کالا از بازار جهانی را بدست می آورده اند . بقیه واردات عمدتاً از انحصارات امپریالیستی سوئیس ، سوئدی ، و از کشورهای چون اسرائیل و آفریقای جنوبی

بوده است . سهم کشورهای سوسیالیستی از واردات ایران کمتر از ۳ درصد بوده است . بدین ترتیب ، می بینیم شبکه انحصارات امپریالیستی جهان چه مجموعه ای از چرخ و دنده های را در اقتصاد ایران بر پا داشته که از یک سوی نفت خام ایران را برای به راه انداختن صنایع اقتصادهای امپریالیستی و وابسته جهان به غارت می برده و از سوی دیگر ، با فروش محصولات انحصارات امپریالیستی این درآمد ارزی را بازپس می گرفته و سودهای کلان می برده است . آنچه از طریق صادرات محصولات انحصارات امپریالیستی بدست نمی آمد از طریق سود سهام ، بهره وامها و پرداخت به "خدمات" به چنگ می آورده و به شبکه انحصارات امپریالیستی سرازیر کرده است . ۸۱ درصد واردات ایران در سال ۱۳۵۶ مواد اولیه ، کالاهای واسطه ، ماشین آلات و ادوات تولیدی و ۱۹ درصد آن کالاهای مصرفی بوده است . امپریالیسم جهانی با صدور کالاهای مصرفی به اقتصاد ایران ، ترکیب مصرفی را هر چه بیشتر در جهت وابستگی سوق می داده است . یکی از مهمترین لطامات واردات کالاهای مصرفی انحصارات امپریالیستی به کشاورزی میهن ما بوده است . ۱۰/۵ درصد از واردات ایران در سال ۱۳۵۶ محصولات غذایی مانند لبنیات و تخم مرغ ، غلات ، شکر و گوشت بوده است . صنایع کوچک کشور که از یک سو تحت فشار شدید انحصارات وابسته داخلی قرار داشتند ، در مقابل سیل کالاهای مصرفی و وارداتی ، نه تنها امکان رشد و ایجاد صنایعی مستقل را از دست داده بودند ، بلکه پیوسته در خطر ورشکستگی و نابودی قرار داشتند و بسیاری از آنها از بین رفتند . اما حتی مهمتر از نقش واردات کالاهای مصرفی در تشدید وابستگی اقتصاد ایران ، نقش واردات مواد اولیه صنعتی ، کالاهای واسطه ، واردات ماشین آلات تولید بوده است . همانطور که نشان دادیم ۸۱ درصد واردات ایران در سال ۵۶ را وسائل تولید تشکیل می داده است که صادرکنندگان آن انحصارات امپریالیستی اروپایی ، آمریکایی و ژاپنی بوده اند این واردات ابزار اعمال کنترل انحصارات امپریالیستی بر صنایع و اقتصاد وابسته میهن ما بوده است . از یک سو ، رشد صنایع وابسته کشور مستلزم رشد واردات وسائل تولید از انحصارات امپریالیستی بود که خود برپاکننده این صنایع بوده و از سوی دیگر ادامه صادرات انحصارات امپریالیستی مستلزم رشد صنایع وابسته و تشدید وابستگی اقتصاد میهن بوده است . با توجه به واقعیت های بالا مشاهده می شود که : (۱) تجارت خارجی و عمدتاً صادرات نفت خام و واردات محصولات انحصارات امپریالیستی یکی از مهمترین مکانیسمهای دوام و تشدید وابستگی اقتصاد میهن بوده است (درباره نفت و سیاست مناسب نفتی برای مقابله با وابستگی در شماره های آینده سخن خواهیم گفت) . (۲) صادرکنندگان اصلی کالا به اقتصاد وابسته ایران اقتصادهای امپریالیستی اروپا ، آمریکا و ژاپن بوده اند . این نکته که انحرافی و ارتجاعی بودن نظریات کسانی را که در پیروی

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



بقیه از صفحه ۲۸

مردم آگاه ...

سرخ و جوشان رفقای ما توسط
انحصارطلبان و قشریون تنگ
نظر بر خاک میهن جاری
گردد .

مسئین این جنایت
هولناک باید به توده‌های
مردم پاسخ دهند که چرا و
در پی چه اهدافی این چنین
جنایتکارانه به تیرباران
انقلابیون کمونیست که با
تمام توان خویش به دفاع از
انقلاب برخاسته‌اند اقدام
می‌کنند .

ما ضمن تکذیب اتهامات
منتسبه به رفیق شهیدمان از
مقامات جمهوری اسلامی
می‌خواهیم با اعلام رسمی
دلایل محکومیت و انتشار
پرونده رفیق عادل اسکندری
قضاوت نهائی را به خلق
قهرمان میهنمان واگذار کنند
ما همچنین در مورد
وضعیت و سرنوشت رفقا کوش
آل‌علی، حسین رستگاری،
محمد رحمانی، منصور صفری
و یزشک متعهد و انقلابی
دکتر سبزه‌قیایی که مدت‌ها
است در بازداشت جمهوری
اسلامی به سر می‌برند،
نگرانی خود را ابراز می‌داریم
هم اینک با اعدام
ناجوانمردانه رفیق عادل
اسکندری جان این رفقای در
بند ما بیش از پیش
در مخاطره قرار گرفته‌است .

ما همچنین ضمن هشدار در
مورد نتایج زیانبار و تاثیرات
ناگوار و نفاق‌افکنانه این
اقدامات جنایتکارانه خواهان
دستگیری، محاکمه و مجازات
قاتلین رفقای شهید خود
می‌باشیم و یقینا کشتار
ناجوانمردانه و توطئه‌آمیز
رفقای جان بر کف ما،
کوچکترین خللی در اراده
استوار فدائیان خلق در
مبارزه با امپریالیسم جهانی
و دفاع از منافع کارگران و
زحمتکشان و دست‌آورد‌های
انقلاب بوجود نخواهد آورد
ما در راه آرمان طبقه کارگر
و زحمتکشان ایران مبارزه
می‌کنیم، ما به دفاع
شورانگیز خویش از انقلاب تا
آخرین قطره خون ادامه
خواهیم دارد، خون سرخ
و پاک صدها رفیق فدایی که
در جبهه‌های مقاومت خاک
میهن عزیزمان را گلگون
کرده‌است، گواه عزم ماست

یاد رفیق شهید عادل
اسکندری گرامی باد .

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰
سال سوم شماره ۱۰۹ صفحه ۲۶

کمک‌های مالی دریافت شده

ت و الف		ب و ج		د و ه		و و ز		ح و ط		ق و ک		گ و خ		د و ت		ب و ج		د و ه		و و ز		ح و ط		ق و ک		گ و خ		د و ت		ب و ج		د و ه							
۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰				
۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰	۲۰۴۱۱	۳۰۰۰

توضیح

به علت تراکم مطالب، مقاله "مروری بر تاریخچه جنبش سندیکائی در ایران" در شماره آینده
چاپ خواهد شد.

سخنی پیرامون دعوت آقای بازگان برای وحدت

پیشنهاد دهنده را از پیشنهاد حذف کنید

اخیرا آقای بازگان در روزنامه شان میزان " پدران " ، " مجاهدین و مکتبی ها " را نصیحت کرده اند . این نصیحت که در فضائی آکنده از مصلحت اندیشی خانوادگی (آنهم خانواده ای به بزرگی نهضت آزادی !) ارائه شده و در مقاله " فرزندان مجاهد و مکتبی عزیزم " آمده است . در این مقاله آقای بازگان پس از مقادیر معتناهی تعارف و تعریف رندانه نظیر اینکه " مجاهدین خلق ، شما فرزندان نهضت آزادی هستید " و " مکتبی ها نیز با همه تند و تلخی که دارید از ما (نهضت آزادی) هستید " به اصل حرف پرداخته و از سازمان مجاهدین خلق و مکتبی ها دعوت کرده است تا اختلافات و درگیری ها را کنار گذاشته و آشتی کنند . اما باید دید چه شده که آقای بازگان یکباره به فکر جلوگیری از درگیری و تشنج و به فکر وحدت " مکتبی ها و مجاهدین " افتاده است . آقای بازگان به روشنی می بیند که ادامه تشنج کنونی به نفع مجاهدین خلق نیست . او از تداوم تشنج به این دلیل روشن که نتیجه نهائی این تفرقه و تشنج چیزی جز تضعیف نیروهای ضدامپریالیست و نتیجتا هموار شدن جاده برای سرکار آمدن امپریالیست ها است ، نگران نیست بلکه به این دلیل نگران است که ادامه تشنج به موقعیت و اعتبار سیاسی مجاهدین خلق بیش از پیش آسیب می رسد . این لیبرال کار- کشته ، سازمان مجاهدین خلق را با این سیاست لیبرال گونه کنونی شان در حال حاضر مهم ترین نیروی می داند که می تواند تعادل قوای موجود را به نفع او و بطور کلی لیبرالها حفظ نماید . از این رو او از لابلای سطور پیشنهاد خود ، در واقع هم به مجاهدین خط می دهد که : فعلا بیش از این جلو نروید و هم در وسط معامله نرخ تعیین می کند و به مکتبی ها می فهماند که اگر می خواهید از این وضع خلاص شوید ، بیاید با حضور " پدران ! دور میز وحدت بنشینید ! " آقای بازگان به آنها می گوید : شما که " هر دو به دنباله روی از فدائیان خلق ، دولت موقت منتخب امام را می گویدید " و " اگر دستتان برسد ... کشور را یکسره ملی یعنی دولتی می کنید " و به عبارت دیگر شما که به اندازه کافی " اشتراکات " داشتید ، پس چرا اینک نمی آئید بر سر میز خانواده بزرگان (نهضت آزادی) بنشینید و وحدت کنید ؟!

آقای بازگان خیلی رندانه خطاب به آنها می نویسد : " لازمه اتحاد بی توجهی به اختلافات و تمرکز به اشتراکات " است ، بیاید همدیگر را اولاً هم کیش و برادر بدانید ، ثانیاً از برادرکشی و پدرکشی توبه کنید ، دور هم جمع بشویم ، میز گرد تشکیل دهیم و ... "!

از آقای بازگان باید پرسید که اگر " مکتبی ها و مجاهدین " قرار باشد بر سر همان اشتراکات که خود بدانها اشاره کرده اید ، بنشینند ، دیگر در این وسط شما چکاره خواهید بود ؟!

به اعتقاد ما هم این دو نیرو باید دور هم جمع شوند و وحدت کنند و بر سر همان مسائلی هم وحدت کنند که مورد کینه و نفرت امپریالیسم جهانی و سازشکاران جاده صافکن امپریالیسم می باشد . اما در چنین وحدتی بدون تردید آقای بازگان و شرکاء جایی نخواهند داشت .

بقیه از صفحه ۴

آقای ...

به مردم نسبت به خطر ضد انقلاب ، به مردم هشدار می دهد که از فدائیان خلق احتراز کنند . راستی آقای نخست وزیر ! در شرایطی که انقلاب بیش از هر زمان دیگر به اتحاد عمل کلیه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی نیازمند است ، مردم را به چه چیز دعوت می کنید ؟ آیا فکر می کنید توده های مردم حرف های شما را باور کرده و به استقبال دعوت شما خواهند رفت ؟

توده های میلیونی و محروم عدالت را زیر پا نخواهند گذاشت . رزمندگان جبهه که شاهد فداکاری های فدائیان خلق اکثریت از جمله فدائی شهید ژوبین (افراسیاب) سلیمانی ستوان یکم در جبهه های تنگه جاجیان در پل ذهاب بودند ، هرگز از شما قبول نخواهند کرد که فدائیان خلق اکثریت دشمنان جمهوری اسلامی هستند .

آری ، آقای نخست وزیر ! توده ها میزان عدالت هستند و آنها هشیارانه و عادلانه به شما جواب خواهند داد که : ما را برای دشمنی و مقابله با نیروهایی که علیه امپریالیسم و تجاوزگران می جنگند ، دعوت نکنید ! ما را برای به انحراف کشاندن مبارزه علیه امپریالیسم و تجاوزگران فرا نخوانید !

رجائی در مصاحبه خود آنچنان از حزب الهی ها صحبت می کند که گویا این مردم هستند که تحت پوشش " حزب الله " به میتینگ قانونی میدان آزادی حمله

کردند و کودکان و زنان و مردانی را که فریادشان مرگ بر امریکا بود ، به خون کشیدند . او طوری از " حزب الله " سخن می گوید که گویا این مردمند که کتافروشی ها را به آتش می کشند ، لباس زنان و دختران مردم را بر تنشان می درند و میله آهنی به شکم زنان حامله فرو می کنند . نخست وزیر طوری سخن می گوید که گویا می باید به تمام این جنایات افتخار و مباحثات نمود . نخست وزیر باید بداند که این نوع نگرش به مسئله نه تنها اهانت به توده های میلیونی مردم ، این قهرمانان واقعی تاریخ و سازندگان اصلی انقلاب است بلکه مبین این حقیقت است که نخست وزیر هنوز هم نمی خواهد چشمان خود را بر روی واقعیات زنده باز کند و همچنان می خواهد در دامی که ضدانقلاب برای او و تمامی نیروهای ضد دشمنان امپریالیست گسترده است ، باقی بماند .

آقای رجائی ! شما چگونه نمی توانید تشخیص دهید که بیش از دو سال است که " حزب الله " بهترین آشیانه برای دشمنان انقلاب ، برای ساواکی ها ، عوامل بختیار ، جاسوسان امپریالیسم ، ایادی سرمایه داران فراری و عناصر حزب امریکائی رنجبران شده است ؟ آقای رجائی ، مردم از شما به عنوان نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که تمامی ضد انقلابیونی را که تحت پوشش حزب الله علیه مردم اقدام می کنند ، شناسائی ، دستگیر و مجازات کنید . نه اینکه با انتساب تمام مردم به حزب الله موجب تقویت " ضد انقلاب " شوید .

آقای رجائی ! ما بارها اعلام کرده ایم و بار دیگر

اصرار داریم که بگوئیم که تنها از طریق کشف شبکه ضدانقلابیونی که تحت نام و شعار " حزب الله " علیه انقلاب مبارزه می کنند و با برخورد قاطع با سیاست انحصارطلبانه که بستر مناسبی برای نفوذ ضد انقلابیون می باشد ، پراکندگی کنونی در صفوف مردم و انقلاب راه به یگانگی و وحدت می سپارد . تشنج و درگیری راه افول می پیماید و انقلاب با گام های استوار به پیش می رود .

آقای رجائی ! تمامی شواهد عینی ، ضرورت های انقلاب ، شعورسیاسی و عقل سلیم حکم می کند که از اشتباهات گذشته خود بیاموزیم ، چشمانمان را بر روی واقعیات باز کنیم و این سیاستی را که تبلیغ می کنید به دور بیندازید . این به نفع انقلاب ، به نفع تمامی نیروهای ضدامپریالیست از جمله شما که نخست وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران هستید ، می باشد .

آقای رجائی ! شما به عنوان رئیس دولت موظفید از دستگاه های قضائی بخواهید که در اجرای قانون اساسی ، مهاجمین را که میتینگ میدان آزادی را به خون کشیدند ، شناسائی ، تعقیب و مجازات کنند نه آنکه آنان را مردم بنامید و به ترغیب و تشویق آنان بپردازید .

آقای رجائی ! به مردم پاسخ دهید . شما به عنوان نخست وزیر ، علیه جنایتکارانی که فاجعه میدان آزادی را آفریده اند ، چه اقدامی انجام داده اید ؟ میلیون ها تن از مردم و همصدا با آنان سازمان ما پیگیرانه در انتظار پاسخ شما هستند .

بقیه از صفحه ۲۵

چگونه ...

از نظریه سه چهارم دربی گسرس روش اقتصادی با انحصارات اروپائی و ژاپنی همد ، سان می دهد .

امپریالیسم آلمان و ژاپن بررگرس صادرکنندگان کالا به اقتصاد و سهمی در به وابستگی کشاندن اقتصاد ایران و عارت سروهای ملی و تصاحب شمره کار کارگران و ربحمکنشان میهن ما داسه اند . کسی که برای نکته پای می فشارند که جناحه اقتصاد اروپا و ژاپن خود را از " وابستگی به آمریکا " برهانند می تواند بارویاور انقب ایران باشد ، دانسته یا ندانسته درمسیری فراردارند که لیبرالها - مدافعان قسم خورده سیاست گام به گام - به سوی سازش با امپریالیسم ، گام برمی دارند . گذشته از آن که بسیاری

اولیه صنعتی ، کالاهای واسطه و ماشین آلات بزرگترین بخش کالاهای وارداتی کشور بوده است .

بدین ترتیب ، مقابله با وابستگی درصنایع کشور و درتجارت خارجی ، لازم و ملزوم یکدیگرند . نه می توان بدون تقییری اساسی در روابط اقتصادی خارجی به مقابله باوابستگی صنعتی کشور امید بست و نه می توان بدون مقابله اساسی با وابستگی صنعتی کشور ، تجارت خارجی را از شبکه روابط امپریالیستی جدا کرد .

بدین ترتیب می بینیم که چرا ملی کردن تجارت خارجی و تغییر درسخت وسوی روابط اقتصادی خارجی جزء جدائی ناپذیر سیاست مقابله با وابستگی اقتصادی است . باید تجارت خارجی ملی شود و سیاستی بنیانی درجهت قطع پیوندهای تجاری با انحصارات امپریالیستی اتخاذ گردد .

از انحصارات اروپائی و ژاپنی با مشارکت سرمایه های انحصاری آمریکائی سر پا شده اند انحصارات اروپائی و ژاپنی نیز خود امپریالیست اند و امپریالیست ها ، هرملیتی که داشته باشند و به هرزبانی که سخن گویند ، دشمنان انقلاب ما و دشمنان خلفهای جهانند . آنان که اظهار امیدواری می کنند که فلان تاجر سوئیسی یا فلان کارخانه دار ژاپنی یا فرانسوی بر سرعقل آیند و با انقلاب مردم میهن ما از در دوستی درآیند ، هر چقدر هم که دربیان نظر خود صادق باشند ، ساده اندیشانی بیش نیستند که راه را برای تجدید و تحکیم روابط سلطه گران امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، هموار می سازند .

(۳) مهمترین نقشی که واردات سلطه گران امپریالیستی درتشدید وابستگی اقتصاد میهن ما داشته است ، از طریق تاءمین کالاهای مورد نیاز صنایع و کشاورزی کشور بوده است . مواد



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مین و در راه آرمان پر افتخار طبق کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرضهای از پیگار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جانهای عزیز را در راه انقلاب نثار می کنند.
خون پاک رفقا، دشتها و درمهای مین را گلگون می سازد و بشارت می دهد
لاله زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فردا پیروزی زحمتگنان بر آن بنا می شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- اکبر ندلی
- اکبر فخور
- امیر آقایی
- علی مصاف
- جواد کنجی
- البرز یوسفی
- مریم رئیسی
- رجیم مصطفی
- سعید کوشش
- بهرام ورامینی
- محمود آبخو
- خسرو کریمی
- حسین شرمسی
- عبدالله مرادی
- محمد بازر دار
- تقی اسکویی
- حسن صالحی
- عباس دبه دار
- غلام عباس بخرد
- عنایت الله زنسی
- محمد رضا آذربان
- سپهلا مستحقان زاده
- حبیب الله فرحبخش
- ابراهیم شکرچی
- عبدالحسین شاه میر
- محمود اشرف آبادی
- فریدون مرتضی زاده
- محمد فایم فتح بیگی
- محمد مهدی نیت اندام
- محمد اسداله برادرودینه
- محمد حسین صدر آبادی
- رحمت الله (ابیر) انصاری پور
- نوری نساکان
- سعید (عباس) آقا پور
- علیرضا خلیلی
- افراساب (زوبین) سلیمانی
- سدرضا طالب موسوی
- کاظم عدی
- علیرضا کاظمی
- علی حاتم زاده
- ابرج حسین نیا
- لطیف علیرزاده
- برونز کریمیان
- اسحاق بابازاده
- مرتضی دارابی
- زهره موسویون
- وحید نیک سیر
- شهریار باقرزاده
- کورس پاک س
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفر نراد
- محمد رضا جعفری
- منصور دهقانی
- یداله اسماعیلی
- حسین دبه دار

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

از تلاش های صلح جو یانه هیئت حسن نیت کشورهای غیر متعهد برای دستیابی به صلح عادلانه استقبال کنیم

در صفحه ۲۵

«دادگاه» استکھلم نمایش رسوای امپریالیست ها

در صفحه ۲۴

خسرو روزبه کمونیست برجسته و قهرمان ملی ایران همیشه زنده است



با سپری شدن ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ بیست و سه سال از تیرباران کمونیست برجسته و قهرمان ملی ایران رفیق خسرو روزبه می گذرد. زندگی و شهادت روزبه نمونه درخشانی از پایمردی در راه کمونیسم و تسلیم ناپذیری در برابر دشمنان مردم است. روزبه یکی از افتخارات همیشه ماندگار جنبش کمونیستی و مبارزات رهایی بخش میهنمان است.

یادش گرامی و آرمانش فروزان تر باد

آقای بنی صدر سؤالات ما همچنان بی جواب مانده است

در صفحه ۲۲

مردم آگاه ایران اعدام جنایتکارانه

رفیق عادل اسکندری را محکوم میکنند

زمانی که دهها تن از رفقای ما با گلوله متجاوزین عراقی به شهادت رسیده اند و زمانی که تمامی فدائیان خلق به پیکاری بی امان برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن برخاسته اند، در این شرایط چرا باید خون میهنمان حماسه ها می آفرینند

آماج گلوله قرار گرفت گلوله های که می بایست به سوی متجاوزین عراقی و مزدوران امپریالیسم جنایتکار آمریکا شلیک می شد. در شرایطی که هزاران تن از فدائیان خلق با شور و شوقی بی پایان در جبهه های جنوب و غرب میهنمان حماسه ها می آفرینند

در سحرگاه روز چهارشنبه چهاردهم اردیبهشت ۱۳۶۰ رفیق همزرم ما فدایی خلق عادل اسکندری توسط "دادگاه" انقلاب اسلامی خوزستان تیرباران شد. به دنبال اعدام ناجوانمردانه رفیق انقلابی دکتر نریمسیا اینک سینه پرشور رفیق عادل

۲۹ اردیبهشت سالروز تولد رفیق هوشی مین

انقلابی کبیر گرامی باد

در صفحه ۱۲۰

در صفحه ۲۳

کردستان در اشتیاق حل صلح آمیز مشکلات

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر